

اسلام‌ستیزی با نام‌های فریبنده!



صبح صادق

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۵۳ | دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۹ | ۱۶ شوال ۱۴۴۱ | ۸ ژوئن ۲۰۲۰ | ۱۶ صفحه



تحلیل اعتراضات گسترده و سراسری ایالات متحده در گفت‌وگوی صبح صادق با دکتر کوین برت نویسنده آمریکایی

امپراطوری در حال افول

نگاهی به ابعاد شکست غرب در آزمون جهانی مقابله با بیماری همه‌گیر کووید ۱۹

کرونا و دینامیسم هندسه قدرت



پروفسور ماروین زونیس استاد دانشگاه شیکاگو در گفت‌وگو با صبح صادق عنوان کرد

تراپ در گوشه رینگ

یادداشت شفاهی

تبدیل هزینه‌های دفاعی به سرمایه‌گذاری



دکتر الله مراد سیف
استاد اقتصاد دانشگاه
جامع امام حسین (ع)

در ماجرای اخیر ارسال محموله‌های سوختی ایران به ونزولا، در تبیین هزینه و فایده هزینه‌های دفاعی اظهار باید به این نکته توجه داشت که هزینه‌های دفاعی در اقتصاد بین‌الملل موضوعی پذیرفته‌شده است. اصطلاح «بار دفاعی» نگاهی هزینه‌ای به مخارج دفاع دارد و آن را برای اقتصاد ملی «بار» تلقی می‌کند که کشورها مجبورند آن را تحمل کنند؛ چراکه در اقتصاد ملی به امنیت ایجادشده بر اثر آن هزینه‌ها نیاز دارند. اگرچه در اغلب کشورها خروجی هزینه نظامی محدود به تأمین امنیت برای بخش غیر دفاعی است، اما در برخی کشورها، مانند آمریکا، هزینه‌های نظامی برای اقتصاد ملی غیردفاعی نقش ایجاد فرصت داشته است. هزینه‌های دفاعی می‌تواند فرصت‌های فراسرمزینی برای اقتصاد ملی ایجاد کند؛ در تمام سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی، آمریکا به پشتوانه قدرت نظامی خود توانسته است اقتصاد ملی‌اش را گسترش دهد و در تحکیم هژمونی دلار آمریکا از آن بهره گیرد. البته قراردادهای نظامی فقط بخشی از این فرصت‌سازی است. از دگر سو باید گفت که بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های خارجی جذب‌شده به داخل آمریکا با تصویرسازی این کشور به عنوان «سرمزین امن» که قدرت دفاعی آمریکا برای این کشور خلق کرده، ممکن شده است. در این شرایط، همه هزینه‌های نظامی برای افزایش ظرفیت تولید در بخش غیردفاعی نوعی سرمایه‌گذاری شمرده می‌شوند. از طرفی حضور نظامی فرامرزی آمریکا در آبهای آزاد که مهمترین شاهراه‌های تجاری جهان است امنیت تبادلات را برای آنها ایجاد کرده است. با همین مقدمه نسبتاً بلند به موضوع اعزام نفت‌کش‌های سوخت صادراتی ایران به ونزولا می‌پردازیم. در این وضعیت باید گفت از این پس هزینه‌های دفاعی در جمهوری اسلامی این قابلیت را یافته است که نه تنها هزینه سوخت‌شده و بار دفاعی دانسته نشوند، بلکه نوعی سرمایه‌گذاری برای افزایش ظرفیت تولید در بخش‌های غیردفاعی به حساب آیند. مزاد تولید بنزین کشور در شرایط تحریم دو کشور و حضور نظامی گسترده آمریکا در آب‌های بین‌المللی و نیز تبادلات غیر دلاری و تأمین قطعات پالایشگاه‌های ونزولا از سوی خط‌شکنان فناوری نفتی در تحریم، توسط مهندسان قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا(ص) نشان داده که همه هزینه‌های دفاعی کشور امروز دارد به نوعی به گردش هرچه بهتر چرخ اقتصاد کشور کمک می‌کند. هزینه‌های دفاعی جمهوری اسلامی در کشورهای تعریف‌شده در جبهه مقاومت نیز نه تنها برای ایجاد شرایط امنیت داخلی ما مفید فایده بوده‌اند، بلکه از ایمن‌ترین زمان به بعد می‌تواند و باید برای اقتصاد ملی فرصت‌گرانبها تلقی شود. همانطور که بعد از نابودی حکومت تروریستی داعش در عراق و سوریه به پشتوانه قدرت دفاعی بازدارنده و فرمانطقه‌ای توانستیم مانع انسداد اقتصاد خارجی ایران و حصر شدن اقتصاد ملی در داخل مرزها شویم و به میزان زیادی قراردادهای اقتصادی بین ایران و این کشورها بسته می‌شود و بسته خواهد شد.



دکتر عبدالله جوانی
مدیر مسئول

چهره واقعی غرب وحشی بیش از هر زمان دیگری رخ نمایانده است. این چهره در شهرهای مختلف ایالات متحده به‌وضوح دیده می‌شود. جنگ جدید آمریکا با آمریکا شروع شده است. در این جنگ، یک طرف آمریکا به عنوان نماد نظام سرمایه‌داری یک در صدی قرار دارد و طرف دیگر آن، آمریکا با ساکنان ۹۹ درصدی‌اش. اگر زمانی رئیس‌جمهور آمریکا ارتش کشورش را برای اشغال دیگر سرزمین‌ها، به خارج از قاره آمریکا اعزام می‌کرد، اکنون او این ارتش را برای سرکوب مردم ایالات متحده، در شهرهای مختلف روانه خیابان‌ها نموده است. اکنون سیاه و سفید در شهرهای مختلف آمریکا، جبهه‌های گسترده را علیه نظام سرمایه‌داری شکل داده‌اند. نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایالات متحده، از سوی مردمش متهم به جنایت، تبعیض نژادی، ظلم و ستم و بی‌عدالتی است. اکنون سیاه‌پوستان آمریکایی فریاد می‌زنند: «نمی‌توانیم نفس بکشیم!»؛ اما در کنار رنگین‌پوستان، سفیدپوستان هم می‌گویند از این همه ظلم و بی‌عدالتی خسته شده‌ایم. اکنون مردم آمریکا مشکل خود را که نوعی استثمار و استثمار داخلی در جغرافیای ایالات متحده از سوی نظام سرمایه‌داری است، با صدای بلند فریاد می‌زنند و به گوش جهانیان می‌رسانند. در تظاهرات گسترده مردم آمریکا در دو هفته گذشته در شهرهای مختلف، در بسیاری از تجمعات که با خشونت پلیسی هم مواجه شده، پرچم ایالات متحده از سوی تظاهرکنندگان به آتش کشیده شده است. این

شرمنده و سر به زیر باشید!

اتفاق نادر و عجیب است که پرچم کشوری به دست مردمانش به دفعات آتش زده شود. به طور قطع مردمی که از جنایات، تبعیض نژادی و بی‌عدالتی‌ها در آمریکا به ستوه آمده‌اند، پرچمی را آتش می‌زنند که به نماد نظام سرمایه‌داری و سیستم استعمارگر تبدیل شده است. اکنون رفتار مردم آمریکا در تظاهرات و راهپیمایی‌های گسترده روزهای گذشته، از منظر نوع شعارها، آتش زدن پرچم‌ها و به‌زیر کشیدن مجسمه‌ها و دیگر نمادها، شباهت بسیاری با رفتار ملت‌هایی پیدا کرده است که در دیگر کشورهای تحت سلطه آمریکا علیه این کشور تظاهرات می‌کنند و پرچمش را آتش می‌زنند. داستان چیست؟ و دلایل این شباهت رفتاری چه می‌تواند باشد؟ داستان این است که مشکل اصلی ملت‌های مختلف در جهان، به‌ویژه در کشورهای عقب‌نگه‌داشته شده، با مشکل اصلی توده‌های مردم، اعم از سیاه و سفید در آمریکا یکی است و از یک جاسرچشمه می‌گیرد؛ مشکل اصلی، همانا، نظام سرمایه‌داری رشدیافته در مکتب لیبرال دموکراسی غربی است. واقعیت این است که نظام سرمایه‌داری به عنوان اصلی‌ترین محصول مکتب لیبرال دموکراسی، برای تأمین منافع طبقه سرمایه‌دار، به هیچ ملت، گروه و انسانی رحم نمی‌کند، حتی اگر آن ملت متعلق به خودش باشد. اکنون ملت آمریکا، همان تفرقی را نسبت به نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایالات متحده پیدا کرده که دیگر ملت‌های تحت سلطه کشورهای غربی آن را احساس می‌کنند و به دلیل همین تفرق که ریشه در جنایات دولت‌های غربی دارد، با استثمارگران غربی مبارزه کرده‌اند. اکنون مبارزه با دولت‌های استثمارگر غربی و به‌ویژه دولت ایالات متحده، به‌درج جغرافیای سرزمین‌های همسایه دولت‌ها کشیده شده است؛ دیروز فرانسه، امروز آمریکا و فردا این مبارزه در کل جغرافیای نظام‌های

سرمایه‌داری شکل خواهد گرفت. آنچه در تحلیل مبارزات گسترده مردم آمریکا باید توجه شود، این است که قتل فجیع «جورج فلوید» به دست پلیس آمریکا، فقط جرقه‌ای بود که به انبار بزرگ باروت زده شد. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در بیاناتی که به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) ایراد فرمودند، واقعیت‌درون آمریکا را اینچنین تبیین کردند: «... [وضع آشفته آمریکا را دارید مشاهده می‌کنید. آنچه امروز در شهرهای مختلف آمریکا و ایالت‌های آمریکا مشاهده می‌شود، بروز یک واقعیتی است که همیشه پنهان نگه داشته می‌شد. اینها چیزهای جدیدی نیست؛ اینها بروز واقعیت‌هاست که آن لیجن ته حوض می‌آید بالا خودش را نشان می‌دهد؛ این حالت این‌جوری است. اینکه مثلاً فرض بفرمایید یک پلیس با خونسردی تمام، زانویش را بگذارد روی گردن یک سیاه‌پوستی و همین‌طور نگه دارد و فشار بدهد تا او جان بدهد، او را التماس کند، استغاثه کند، این هم خونسرد بنشیند روی او فشار بدهد، چند پلیس دیگر هم بایستند تماشا کنند و هیچ اقدامی نکنند، یک چیز نیست که جدیداً به وجود آمده باشد، طبیعت آمریکایی این است؛ این کاری است که آمریکایی‌ها با همه دنیا تا حالا می‌کردند؛ با افغانستان همین کار را کرده‌اند، با عراق همین کار را کرده‌اند، با سوریه همین کار را کرده‌اند، با خیلی از کشورهای دنیا، از جمله قبل‌ها با ویتنام همین کارها را کرده‌اند؛ این اخلاق آمریکاست، این طبیعت حکومت آمریکاست؛ امروز این‌جوری خودش را نشان می‌دهد. اینکه حالا مردم شعار می‌دهند که «بگذارید ما نفس بکشیم»... در واقع حرف دل همه ملت‌هایی است که آمریکا در آنجا ظالمانه وارد شده و اقدام کرده است». رهبر حکیم انقلاب اسلامی در ادامه تحلیل وضعیت آمریکا و اینکه امروز ملت آمریکا

از حکومتش احساس سرفاکنندگی می‌کند، فرمودند: آن ایرانی‌ها هم که شغلشان بزرگ کردن آمریکا و دفاع از آمریکا بود، دیگر سرشان را نمی‌توانند بلند کنند. اکنون پرسش اصلی این است که کدام ایرانی‌ها باید شرمنده و سر به زیر باشند؟ در پاسخ باید گفت: ۱- کسانی باید شرمنده و سر به زیر باشند که در ۴۱ سال گذشته، خطر آمریکا را «توهم توطئه» می‌پنداشتند. ۲- کسانی که تنها راه پیشرفت ایران را فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی و پذیرش نظام لیبرال دموکراسی غربی دانستند. ۳- کسانی که با شعار تحقق جامعه مدنی از سال ۱۳۷۶ به بعد، کشورهای غربی را الگوی جامعه مدنی خود می‌دیدند. ۴- کسانی که با شعار توسعه سیاسی، مذهب را در ایران مانع اصلی رسیدن به توسعه می‌دانستند و همانند غربی‌ها مبارزه با دین، مذهب و جریان انقلابی و مذهبی در کشور را اولویت اصلی خود قرار دادند. ۵- کسانی که داخل کشور، به شکل‌های مختلف شعار مرگ بر آمریکا و آتش زدن پرچم آمریکا را زیر سؤال می‌بردند و آن را اهانت به ملت آمریکا تلقی می‌کردند. ۶- کسانی که سردمداران ایالات متحده و دولت این کشور را قابل اعتماد و مذاکره می‌دانستند. ۷- کسانی که در سال‌های اخیر، برای توجیه مذاکره با آمریکا رسماً اعلام کردند آمریکا دیگر گرگ نیست و همانند میشی است که می‌توان از آن بهره برد. آری این قبیل افراد که نام، رویکرد سیاسی، وابستگی جریانی، نوشته‌ها و صحبت‌های‌شان موجود است، باید شرمنده و سر به زیر باشند.

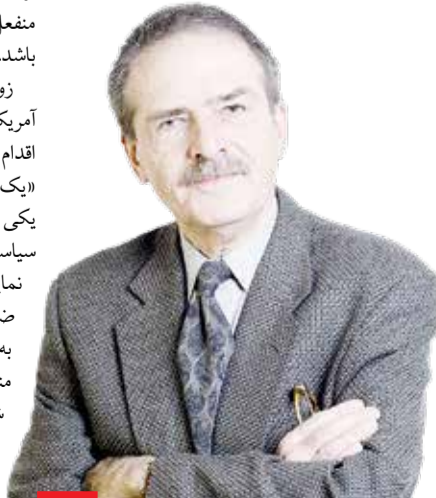
پروفسور ماروین زونیس استاد دانشگاه شیکاگو

در گفت‌وگو با صبح صادق عنوان کرد

دونالد ترامپ در گوشه رینگ

این اعتراضات گسترده و بی‌سابقه برای ترامپ شبیه شوک بود؛ از این‌رو او به قدری پریشان شد که نمی‌خواست به بحران دیگری توجه کند. نویسنده کتاب «شکست شاهانه» در ادامه افزود: «دومین مورد این است که در واقع ترامپ قصد داشت برای ایران در قالب یک راه ارتباطی، قدری فضای تنفس فراهم کند؛ این فضای ایجادشده می‌تواند در مذاکرات آینده معقول باشد، همانطور که در تبادل زندانیان بین ایران و آمریکا هم از آن برده برداشت.» وی درباره مقاصد ترامپ از این موضوع توضیح داد: «آوردن ایران به میز مذاکرات قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در ماه نوامبر، نوعی پیروزی دیپلماتیک را برای ترامپ رقم خواهد زد.» این تحلیلگر و مفسر آمریکایی در ادامه در پاسخ به این پرسش که چقدر احتمال دارد رویکرد ترامپ به ایران تغییر کرده باشد، توضیح داد: «ایران نباید این‌طور فکر کند که ترامپ تغییر اساسی کرده است؛ در واقع او از اقدامات خود در جریان اعتراضات بسیار منفعل شده است، نه اینکه تغییر اساسی کرده باشد.»

زونیس درباره اینکه هشدارهای ایران به آمریکا در موفقیت این اقدام مؤثر بود و این اقدام چه پیامی را به جهان مخابره کرد، افزود: «یک تعبیر بسیار مهم این است که ترامپ یکی از متناقض‌ترین و ضعیف‌ترین دوران‌های سیاست خارجی را در تاریخ ایالات متحده به نمایش گذاشته است. جهانیان این عملکرد ضعیف را دیدند؛ اما مهم است که ایرانیان به خاطر بسپارند که بسا رئیس‌جمهوری منطقی سرورکار ندارند؛ این مرد از نظر شناختی معیوب است.»



حمیدرضا آصفی سخنگوی اسبق وزارت امور خارجه

در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح کرد

همکاری مشترک در چارچوب تجارت آزاد

سخنگوی اسبق وزارت امور خارجه با اشاره به همکاری اقتصادی ایران و ونزولا گفت: «ما این اقدام را در چارچوب همکاری‌های تجارت آزاد بین‌المللی انجام دادیم.» «حمیدرضا آصفی» سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه، درباره دستاوردهای تبادل اخیر اقتصادی بین ایران و ونزولا و اعزام نفت‌کش‌های ایرانی اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ایران کشور مستقلی است، ونزولا نیز کشور مستقلی است و بر اساس معیارها و هنجارهای بین‌المللی، مبادله آزاد تجاری میان کشورها امری مشروع و پسندیده است.» وی ادامه داد: «در این میان آن چیزی که زشت و ناپسند است، استفاده از ابزار تحریم برای در تنگنا قرار دادن کشورهاست؛ کاری که آمریکا و برخی کشورها می‌کنند.» آصفی افزود: «اتفاقی که بین ایران و ونزولا برای فروش بنزین صورت گرفت، یک امر طبیعی منطبق با معیارهای بین‌المللی در چارچوب روابط دوستانه میان ایران و ونزولا بود.»

وی در تشریح روابط ایران و ونزولا گفت: «ما از گذشته روابط بسیار خوب و گسترده‌ای با ونزولا داریم که به دوران آقای چاوز برمی‌گردد و دو طرف علاقه‌مندی خودشان را برای همکاری در همه زمینه‌های مختلف، از جمله اقتصادی، صنعتی، انرژی و نفت اعلام کردند.» آصفی ادامه داد: «ایران اسلامی در ونزولا بسیار فعالانه در مسکن و ساخت‌وساز شرکت داشته است؛ از این‌رو مبادله‌ای که بین ایران و ونزولا اتفاق افتاد، در روابط دوستانه این دو کشور سابقه داشته است؛ البته



امپراطوری در حال افول



دکتر «کوین برت» استاد دانشگاه، نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی است که دکترای خود را در رشته مطالعات اسلامی و جهان عربی کسب کرده است. این استاد آمریکایی یکی از مشهورترین منتقدان سیاست‌های جنگ طلبانه آمریکا به شمار می‌رود. وی یکی از بنیان‌گذاران اتحاد مسلمانان، یهودیان و مسیحیان برای افشای حقیقت ۱۱ سپتامبر است. دکتر برت به شکل گسترده‌ای در سرتاسر آمریکا، کانادا و برخی کشورهای اروپایی و در کالج‌ها و دانشگاه‌های مهمی، چون سان‌فرانسیسکو، پاریس و ویسکانسین مدیسن تدریس کرده است. نوشته‌های دکتر برت به‌عنوان یک نویسنده پرکار و تحلیل‌گر سیاسی، همواره در داخل و خارج آمریکا توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. شروع اعتراضات گسترده در ایالات متحده، ما را بر آن داشت تا با این استاد دانشگاه و نویسنده گفت‌وگو کنیم. بررسی ریشه‌های شکل‌گیری اعتراضات در ایالات متحده، اقدامات دونالد ترامپ در برخورد با معترضان، راهکارهای پایان این شورش‌ها، آینده اعتراضات، نقش رسانه‌های جریان اصلی و شبکه‌های اجتماعی در بازتاب این ناآرامی‌ها و تأثیر این شورش‌ها بر آینده ریاست‌جمهوری ایالات متحده از محورهای اصلی گفت‌وگو با دکتر کوین برت بودند. متن کامل گفت‌وگو در ادامه تقدیم می‌شود:

امیر محمد اسماعیلی

خبرنگار



نقشه راه

بازنگاهی به بیانیه گام دوم-۳

انقلاب تحول‌ساز

حجت‌الاسلام
علی معبودی



مسئول نمایندگی
ولی‌فقیه در سپاه قزوین

از سرفصل‌های بسیار مهم که در بیانیه گام دوم قابل بررسی و ارزیابی است، اشاره رهبر معظم انقلاب به ظرفیت‌هایی است که در پرتوی انقلاب اسلامی شکل گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- ما می‌توانیم: اصل ما می‌توانیم اکتسیری نایاب است که اگر در فرد یا جامعه‌ای ظهور و بروز کند، آنان شاهد تحول شگرف در ابعاد گوناگون خواهند بود. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در فرازی از این بیانیه آورده‌اند: «انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به‌شدت تحقیر شده و به‌شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت. در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است، در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد. «جمله ما می‌توانیم یک‌آموزه محکم دینی است؛ چنانکه قرآن به رسولش دستور می‌دهد: بگو آیا آنها که می‌دانند و آنها که نمی‌دانند، یکسانند؟ هرگز، ولی فقط کسانی متذکر می‌شوند که دارای خرد باشند.» (زمر/ ۹) یعنی جامعه توانمند با جامعه ضعیف یکسان نیست؛ از این رو بر جامعه مسلمین است خود را در «سایه ما می‌توانیم» قوی کند.

۲- مدیریت جهادی: مدیریت جهادی حلقه اتصال یک کشور ضعیف به کشور قدرتمند و پل ارتباط کشور با تمام مردم دنیا و نشانه رسیدن به تمدن ماندگار هست. مدیریت جهادی حلال مشکلات کشور است و رهبر معظم انقلاب در باب اهمیت آن در بیانیه گام دوم آورده‌اند: «مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید.» در نگاه تئینی حضرت آقا، محورهای اساسی مدیریت جهادی عبارتند از: از موانع عبور کردن، موانع را کوچک شمردن و آرمان و جهت حرکت را فراموش نکردن.

۳- خشکاندن ریشه وابستگی: رهبر معظم انقلاب در توصیه‌های خود در گام دوم می‌فرمایند: «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه جهان است.» اساساً استقلال از نعمت‌های بزرگ الهی است که تمام پیامبران برای تحقق و عملیاتی شدن آن جهاد دائمی داشتند؛ چراکه مستکبران می‌خواستند مردم را در وابستگی کامل نگه دارند و می‌دانستند ملت وابسته یعنی ملت تحقیرشده، گوش‌به‌فرمان، بسی‌اراده و در یک کلمه ملت مرده و بی‌روح؛ اما پیامبران شکوفایی استعدادها را در استقلال می‌دانستند و استقلال را ریشه و عامل این موارد به شمار می‌آوردند. استقلال زمینه‌های رشد در عرصه‌های گوناگون را فراهم می‌کند، روح بندگی به خداوند را تقویت و نهادینه می‌کند.

شدند رأی جوامع سیاه‌پوست را سرکوب کنند. اگر سیاه‌پوستان و سایر افرادی که ترامپ را دوست ندارند، به اندازه کافی عصبانی شوند، ممکن است تعداد بسیار زیادی از آنها به نظرسنجی بیایند که در نهایت می‌توانند سقوط ترامپ را تضمین کنند.

این نکته را باید به خاطر داشت که فقط اندکی بیش از ۵۰ درصد از رأی‌دهندگان واجد شرایط، این زحمت را به خود می‌دهند که در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کنند؛ بنابراین عامل تعیین‌کننده این است که رأی‌دهندگان کدام طرف به تعداد بیشتری رأی می‌دهند. دموکرات‌ها باید بیشتر تلاش کنند تا رأی‌دهندگان خود را پای صندوق‌های رأی بیاورند؛ زیرا رأی‌دهندگان دموکرات از جمله سیاه‌پوستان که ۹۰ درصد از آنها به دموکرات‌ها رأی می‌دهند فقیرتر و درحاشیه‌تر هستند.

راهکار اوپاما برای پیروزی، ایجاد مشارکت گسترده سیاه‌پوستان بود. یکی از علل شکست هیلاری کلینتون، عدم تحریک رأی‌دهندگان حاشیه‌ای، به‌ویژه سیاه‌پوستان بود. هرچند بایدن، مانند هیلاری، خیلی شورانگیز نیست؛ اما او می‌تواند از خشم سیاه‌پوستان سود ببرد. اگر رأی‌دهندگان بالقوه دموکرات‌ها به اندازه کافی از ترامپ خشمگین شوند که حاضر به رأی دادن شوند، ترامپ شکست خواهد خورد. اما سناریوی دیگر؛ اگر آشوب بیش از حد بزرگ شود، فراخوان‌های ترامپ برای قانون و نظم با پاسخ گسترده‌ای از مردم عادی آمریکا همراه می‌شود؛ بدترین حالت، اعلام حکومت نظامی از سوی ترامپ و به تعویق انداختن انتخابات خواهد بود؛ البته فرماندهان ارتش آمریکا در حال مخابره این پیام هستند که با این کار همراه نمی‌شوند.

شما راه‌حل را در چه می‌دانید؟

فقط یک راه‌حل وجود دارد: جامعه سیاه باید علیه مهندسان فرهنگی سکولار قیام کند و به دین بازگردد. ملت اسلام و گروه‌های مشابه مذهبی، و نه پلیس سفید نژادپرست، باید در جوامع آفریقایی آمریکایی امنیت را برقرار و ارزش‌های خانوادگی را در این جوامع تقویت کنند.

آینده این اعتراضات به کجای می‌انجامد؟

تعجب نخواهم کرد اگر اعتراضات و شورش‌ها در طول تابستان ادامه پیدا کند؛ البته ممکن است در مقاطعی قطع و دوباره از سر گرفته شود. پلیس احتمالاً سیاه‌پوستان بیشتری را تحریک کند و به نارضایتی‌های جدیدی دامن بزند و در نتیجه اعتراضات بیشتری به وجود بیاید. اینکه این حوادث سبب انتخاب مجدد دونالد ترامپ یا منجر به شکست وی شود، هنوز مشخص نیست.

این تحولات بر انتخابات آینده ریاست‌جمهوری ایالات متحده چه تأثیری خواهد گذاشت؟

چندین سناریوی احتمالی مطرح است. به احتمال زیاد این اعتراضات موجب می‌شود مردم بیشتر پای صندوق رأی بیایند؛ به‌ویژه رأی‌دهندگان سیاه‌پوست و کسانی که با جامعه سیاه‌پوست هم‌دردی می‌کنند، ممکن است برای رأی دادن علیه ترامپ پای صندوق بیایند؛ در این حالت، وقوع این اعتراضات در افزایش تعداد این افراد تأثیر خواهد داشت. مشارکت سیاه‌پوستان می‌تواند عامل اصلی در انتخابات ریاست‌جمهوری باشد. بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که ترامپ در سال ۲۰۱۶ پیروز شد؛ چراکه عواملان وی موفق

مردم از بحران اقتصادی منحرف می‌شوند و به امید اعاده نظم به او رأی خواهند داد؛ بنابراین ترامپ در حال ریختن بنزین روی آتش است.

ایالات متحده مجموعه‌ای از تضادهاست که اصول بنیان‌گذاری آن

دربرگیرنده آرمان‌های آزادی و برابری است؛ اما از سوی دیگر، ملتی است که بر پایه محرومیت نظام‌مند و سرکوب جوامع رنگین‌پوست بنیان نهاده شده است؛ به عبارتی دیگر، بسیاری از قوانین و سیاست‌های عمومی آن که باید کشور را به سوی پیشرفت راهنمای کنند، صراحتاً برای جلوگیری از مشارکت کامل مردم رنگین‌پوست طراحی شده‌اند؛ دلایل این امر چیست؟

سیاه‌پوستان در غل و زنجیر به آمریکا آورده شدند. از آنها به طرز شرورانه‌ای سوءاستفاده کردند و مانند گله‌های احشام با آنها رفتار شد و ادیان و فرهنگ‌هایشان نابود شد. نژادپرستی نهادی، آنها را به عنوان شهروندان درجه دوم در سراسر دهه ۶۰ باقی نگه داشت؛ پس از آن مهندسان فرهنگی سکولار، ستون‌های دولتی جامعه سیاه‌پوست، یعنی مذهب و خانواده را از میان برداشتند؛ از آن زمان تاکنون، در بسیاری از جوامع سیاه‌پوست، خانواده‌های بی‌پدر ناکارآمدی که با مصیبت مواد مخدر و میزان بالای جرم و جنایت درگیر بوده‌اند، به وجود آمده‌اند. امروزه تقریباً ۷۰ درصد کودکان سیاه‌پوست بی‌سرپرست می‌مانند؛ به همین دلیل، میزان جرم در جوامع سیاه بسیار بیشتر از سایر جوامع قومی آمریکاست.

اعتراضات شکل‌گرفته در پی رفتار وحشیانه پلیس آمریکا با جورج فلویید سیاه‌پوست به شهرهای متعدد ایالات متحده سرایت کرده است؛ شکل‌گیری و گسترش این اعتراضات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من با مردمی که از قتل جورج فلویید و سوءاستفاده‌های دیگر پلیس آمریکا خشمگین هستند، ابراز همدردی می‌کنم. پلیس متجاوز در ایالات متحده، به‌ویژه در میان جوامع سیاه‌پوست، مسئله‌ای جدی است؛ در واقع، مسئله سوءاستفاده پلیس بخشی از مسئله بزرگ‌تری عدالتی و نابرابری شایع در آمریکاست، همچنین این موضوع مسئله‌ای مرتبط با خلأ روحی، اخلاقی و معنوی ناشی از افول دین دانسته می‌شود. آمریکا در مرحله افول است و خشونت پلیس و اعتراضات شکل‌گرفته نشانه‌ای از سقوط قریب‌الوقوع آن است.

دونالد ترامپ در تئوری در نیمه‌شب جمعه، معترضان مینیاپولیس را «اراذل و اوباش» خواند و گفت: «اگر غارت شروع شود، تیراندازی شروع خواهد شد»؛ این تئوری به دلیل تحریک معترضان، به صورت گسترده‌ای با انتقادات جدی روبه‌رو شد. اقدامات روزهای اخیر ترامپ نیز سبب تحریک بیشتر معترضان شده است؛ این رفتارها و اقدامات ترامپ بر چه اساسی صورت گرفته است؟

ترامپ با تظاهر به دفاع از قانون و نظم، به دنبال بهره‌برداری از هرج‌ومرج است. ظاهراً او این‌طور فکر می‌کند که اگر اعتراضات و خشونت ادامه یابد،

عکس و مکت



این هفته در برخورد های وحشیانه پلیس آمریکا همه نوع رفتاری دیدیم؛ از هول دادن پیرمرد ۷۵ ساله و کشتن او تا زدن اسپری شش‌آور به صورت بچه‌ها و دزدیدن داروهای بیمار دیابتی که در نظارات شرکت کرده بود؛ اما این تصویر نهایت وحشی‌گری است؛ حمله و شلیک لشکر پلیس‌های تا دندان مسلح آمریکا به فرد تنهای معلول روی ویلچر که از هر زاویه نگاه کنیم نمی‌تواند خطری داشته باشد!



کرونا تمام نشده است / فاصله‌گذاری اجتماعی دست‌فروشان اندونزی در یک بازار محلی از ترس ویروس کرونا؛ در روزهای گذشته، شیوع کرونا در بسیاری از نقاط جهان دوباره سیر صعودی گرفته است. یادمان باشد این بیماری هنوز تمام نشده است و باید همچنان نکات بهداشتی را رعایت کرد. ماسک زدن در مکان‌های عمومی یکی از مواردی است که باید حتماً رعایت کنیم.



۵۰۰ سال نژادپرستی آمریکایی / حال این روزهای آمریکا مشکل دیروز و امروز نیست؛ آمریکا از همان ابتدای شکل‌گیری بر پایه نژادپرستی و برده‌داری پیش رفته است. سیاه‌پوستان آمریکایی در حالی سال‌ها برای دستیابی به حقوق خود تلاش می‌کنند که پیش از آنها، آمریکای نژادپرست میزبانان سرخ‌پوست را طی سالیان قلع و قمع کرد.



حصار جدید دور کاخ سفید برای محفوظ نگه داشتن ترامپ از خشم معترضان / این همان آمریکایی است که قرار بود با ایجاد تابستان داغ دور ایران حصار بکشد و ایران را منزوی کند. مدتی قبل هم پس از احاطه کاخ سفید از سوی معترضان، تمام چراغ‌های کاخ سفید را خاموش کردند و ترامپ هم به زیرمیز کاخ سفید پناه برد.

یادداشت

آقای وزیر
موقعیت شناس باشید!

اکبر معصومی

کارشناس مسائل بین الملل



زمان‌شناسی در حوزه روابط بین‌الملل از بدیهی‌ترین موضوعاتی است که هر سیاستمدار و دیپلماتی باید در نوع برخورد و مواجهه با کشورهای جهان مدنظر خود قرار دهد. رصد وضعیت کشورها و در عین حال، اتخاذ استراتژی متناسب با آن، موجب موفقیت در رسیدن به هدف می‌شود که همان تأمین منافع یک کشور و از اولویت‌های اصلی دستگاه سیاست خارجی است؛ از این‌رو با توجه به جایگاه متزلزل ایالات متحده آمریکا به سبب اعتراضات و تظاهرات گسترده به تبعیض نژادی، خیر تبادل زندانیان بین ایران و آمریکا از لحاظ عرف بین‌المللی، خبری تلخ بود. گرچه آزادی دکتر «مجید طاهری» باعث خوشحالی خانواده و همه مردم عزیز کشورمان شد، اما آزداسازی «مایکل وایت» که به جرم اخلاص انبیتی در کشور، در زندان به سر می‌یزد، موجب مانور سردمداران کاخ سفید شد که به بن‌بست سیاسی در سیاست خارجی رسیده‌اند. جدا از اینکه چه کسی با چه کارنامه‌ای آزاد شده، این سؤال مطرح است که وزارت امور خارجه با چه رویکردی در وضعیت فعلی، باعث تنفس دشمن درجه یک انسانیت (دونالد ترامپ) در بحبوحه تظاهرات آمریکا شد؟ در حالی که مردم ایالات متحده آمریکا نسبت به حاکمیت خود معترض هستند، آیا خوب نبود وزارت امور خارجه آزادسازی و مذاکره برای تبادل زندانیان را با تأخیر اعلام کند؟ حال به دو نکته اساسی باید توجه کرد:

۱- وقتی در دی‌ماه ۱۳۹۶ در گوشه و کنار کشورمان اعتراضاتی نسبت به وضعیت معیشت اتفاق افتاد که بلافاصله با میدان‌داری غرب، خواسته‌های به‌حق مردم به حاشیه رفت، ترامپ به مقامات اروپایی گفته بود با ایران مذاکره نکنید، کار جمهوری اسلامی تمام شده است که این امر موجب شد چند ماهی مذاکره‌ای با اروپا صورت نگیرد. حال که جامعه آمریکا صحنه شدیدترین اعتراضات بعد از دهه ۱۹۶۰ است و این اعتراضات نیز سرچشمه داخلی دارد، آیا شایسته بود که با اقدامی نسنجیده، فرصت تنفس به کاخ سفید داده شود؟ فراموش نکنیم همین حاکمان آمریکا هستند که در داخل و خارج از آمریکا اجازه تنفس به کسی نمی‌دهند.

۲- مذاکره با آمریکا در هر سطحی، با هر مقامی در هر جایگاهی محکوم و خلاف منافع جمهوری اسلامی ایران است. امروز به اعتراف کارشناسان بین‌المللی، هدف آمریکا ضربیه زدن به جمهوری اسلامی ایران به منظور براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی است؛ بنابراین مذاکره با چنین تفکری به چه معناست؟ تأیید خبر دیدار وزیر امور خارجه کشورمان با فلان فرماندار سابق فلان ایالت آمریکا از طریق سخنگوی وزارت امور خارجه، در مرحله اول، خلاف عرف دیپلماتیک و پایین آوردن سطح کشورمان است و در مرحله دوم، مخاربه سیگنال مذاکره با کاخ سفید!

به نظر می‌رسد ترامپ در بحبوحه ناتوانی در مهار ویروس کرونا و سامان دادن به اعتراضات مردم ایالات مختلف، خواستار مذاکره می‌شود و از این طریق می‌خواهد شکست‌های خود را جبران کند. آقای ظریف، قدری در زمان باشید و به‌وقت اقدام کنید. خوش‌بینی بیش از حد نسبت به غرب، به ویژه آمریکا، دیگر معنی و مفهومی ندارد.

صبح صادق انتظارات مردم و اولویت‌های یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی را بررسی می‌کند

باید در رأس امور باشید!

شکل بگیرد. در طول چهار دهه گذشته، این وضعیت متغیر بوده است؛ گاه مجلس به جایگاه واقعی خود نزدیک شده است و گاه به دلیل ضعف‌ها و ناکامی‌ها، از آن دور شده است. مجلس یازدهم اولین مجلسی است که در دهه پنجم انقلاب اسلامی و پس از صدور بیانیه گام دوم شکل می‌گیرد و طبیعتاً انتظار این است که در تراز انقلاب اسلامی، متناسب با شرایط امروز آن باشد. آنکه می‌تواند مجلس را در این جایگاه شایسته بنشانند، نمایندگان محترمی هستند که به فرموده رهبری، انتظار از آنان است که دارای ویژگی‌های زیر باشند: ۱- شناخت درستی از شرایط و اولویت‌های کشور داشته باشند؛ ۲- در مجلس مبتنی بر نظرات کارشناسی اعلام نظر نمایند؛ ۳- حضور فعال و منظم در مجلس داشته باشند؛ ۴- پاک‌دستی و امانت‌داری را سرلوحه کار خود کرده باشند و قدرت و مسئولیت را به فرصتی برای کسب منفعت شخصی تبدیل نکنند؛ ۵- از شجاعت لازم برای ورود به مسائل و مشکلات کشور برخوردار باشند و از دشمنان و دشمنی‌ها نهراسند.

در این صورت است که وظیفه قانون‌گذاری، نظارتی و دیگر وظایف قانونی خود را به خوبی انجام خواهند داد و مجلس را نقطه امید مردم و نقطه اتکای مجریان، و به معنی حقیقی در رأس امور کشور قرار خواهند داد؛ مجلسی قوی و مقتدر که در رساندن کشور به هدف‌های والا، سهم بسزا خواهد داشت. در این میان آنچه می‌تواند در مسیر قرار دادن مجلس در رأس امور مؤثر باشد، وجود آقایی است که عمده آن‌را می‌توان سرگرم شدن نماینده به حواشی زبان‌بار، وارد کردن انگیزه‌های ناسالم شخصی و جناحی، سهل‌انگاری در کار، دسته‌بندی‌های احمقان‌اناسالم قومی و منطقه‌ای و قبیله‌ای و امثال آن دانست.

شناخت اولویت‌ها، توجه به فوریت‌ها

برای تبدیل شدن مجلس به مجلس تراز نظام اسلامی، یکی از شاخص‌ها، اولویت‌سنجی است؛ بدون اولویت‌سنجی، توان و انرژی کشور به‌درستی خرج نخواهد شد و آفت و مشکلات کشور نیز جامعه را آزار خواهد داد. هر نظام سیاسی که نتواند اولویت‌های خود را در بحث پیشرفت و توسعه مشخص نماید، بدون شک در مسیر انحرافی پیش خواهد رفت که آثار عینی آن پس از چند سال مشخص خواهد شد؛ البته گاه این فرصت‌سوزی‌ها جبران‌ناپذیر هستند و امکان ترمیم و اصلاح آن وجود ندارد. تشخیص اولویت‌ها، مسئله اصلی است که مجلس بدون توجه به آن نمی‌تواند مجلسی توانمند و مؤثر باشد. این اولویت‌ها باید در ذهن تک‌تک نمایندگان شکل بگیرد و تفاهمی درباره آنان به وجود بیاید و برای رسیدگی به آن برنامه‌ریزی شود. در کنار اولویت‌ها، لحاظ کردن فوریت‌ها نیز مسئله مهمی است که بدون توجه به آن انتظارات مردم برآورده نمی‌شود. طبیعی است اگر مجلس بتواند در ماه‌های ابتدایی کار خود چند طرح مؤثر برای رفع مشکلات مهم و آتی موکلان داشته باشد، بدون شک بر میزان



مهدی سعیدی

کارشناس سیاسی

بهارستان با حضور نمایندگان جدید، شور و حیات جدیدی یافته است. سرانجام سه ماه انتظار به پایان رسید و منتخبان جدید بر صندلی سبز تکیه دادند تا آغازگر مناسبات جدیدی از قدرت باشند که زیر سقف پارلمان شکل می‌گیرد. مجلس به عنوان مردمی‌ترین نهاد قدرت، همواره از جذابیت‌های خاص خود برخوردار بوده است. مجلس نماد صدای ملت و اراده ایشسان است؛ آنجا که دولتمردان بر توان دولت، سوار بر اسب رهوار قدرت، برنامه‌های خود برای توسعه کشور را به پیش می‌گیرند و گاه در این مسیر، فضای تنفسی مردم و جامعه را تنگ می‌کنند. در این شرایط، این مجلس مقتدر است که با ابزار قانون و نظارت بر مرکب سوارکار لگام می‌زند و حرکت دولت را تعدیل می‌کند.

مجلس یازدهم و امید به گشایش

نمایندگان منتخب مجلس یازدهم امیدهای فراوانی را برای خدمت در دل جامعه ایجاد کرده‌اند. در سه ماه فاصله‌افتاده از برگزاری انتخابات و مشخص شدن فاتحان مجلس تا بازگشایی پارلمان، جریان پیروز که اکثریت آن از جبهه نیروهای انقلاب بوده‌اند، تلاش کردند با امیدآفرینی، نشاط را به جامعه کرونازده القا نمایند؛ جامعه‌ای که به دلیل عملکرد نه‌چندان خوب دولت و مجلس دهم، رغبت چندانی برای حضور در انتخابات از خود نشان نداده بودند. در طول سه ماه گذشته، اما، اظهارات نمایندگان منتخب که بخش قابل ملاحظه‌ای از آنان را جوانانی تشکیل می‌دهند که از تخصص بالایی برخوردارند و اولین بار است که فرصت خدمت در خانه ملت را یافته‌اند، توجهات را به خود جلب کرده است. سخنان آنان در باب فسادسنجی، تلاش برای تحقق عدالت، شفافسازی عملکرد مجلس، توجه به اولویت‌ها و فوریت‌ها و... موجب شده است انتظارات از مجلس یازدهم به‌صورت فزاینده‌ای بالا برود؛ وضعیتی که هر چند برای جامعه امروزمان می‌تواند مفید باشد و امید را به جامعه تزریق کند، اما اگر سطح انتظارات با واقعیت‌های در مجلس، از جمله حدود و اختیارات آن همسان نباشد، خیلی زود می‌تواند به سرخوردگی مجددی تبدیل شود که رفع آن از اذهان جامعه به سادگی ممکن نخواهد بود؛ بنابراین باید نسبت به سرعت افزایش انتظارات از مجلس هوشیار بود و اجازه نداد توقعات بیرون از توان مجلس در اذهان عمومی شکل گیرد.

مجلسی که باید در رأس امور باشد!

جمله مشهور امام‌راحل (ره) که فرمودند «مجلس در رأس همه امور است»، هر چند ساختاری توصیفی داشت، اما واقعیت این است که باید آن را به‌صورت تجویزی خواند و انتظار داشت که چنین مجلسی

رضایت مردمی خود خواهد افزود.

اقتصاد در فوریت و اولویت

اولویت مشکلات کشور، همان‌طور که برای همه جامعه مشخص است، مشکلات اقتصادی است که اقشار مختلف مردم با آن درگیر هستند و هیچ بخشی نیست که به آن مبتلا نباشد. انتظار از مجلس قوی و انقلابی اقدامی جهادی در عرصه جهاد اقتصادی برای حل مشکلات کشور است. طبیعتاً در این عرصه، انتظار از مجلس عملیاتی کردن و پیاده‌سازی دکترین اقتصاد مقاومتی در عرصه‌های مختلف اقتصاد کشور است که همه تصمیمات باید درون این دکترین تدبیر شود؛ در این راستا، تصویب قوانینی که موجب ارتقای بهره‌وری، تقویت تولید داخلی و حمایت از کالای ایرانی، مقابله با قاچاق کالا، مدیریت صحیح واردات، تسهیل امر صادرات، استقلال اقتصادی و جدا شدن از وابستگی به نفت، و... شود، ضروری است تا در نهایت امر اشتغال، تورم، تولید و گرانی سامان یابد و آثار مثبت آن در معیشت مردم، به ویژه طبقات ضعیف هویدا شود.

مهم‌تر از اقتصاد و سیاست

رهبر معظم انقلاب در طول سال‌های اخیر همواره بر اولویت فرهنگ نزد دولتمردان تأکید کرده‌اند. اهمیت فرهنگ تا آنجاست که باصراحت اعلام می‌دارند: «مسئله فرهنگ از مسائل اقتصادی مهم‌تر است، از شورای اسلامی به عنوان مهم‌ترین تبلور مردم‌سالاری دینی، باید پرچم‌دار هدایت فرهنگ جامعه باشد و در جنگ تمام‌عیار بین فرهنگ اسلامی-ایرانی و فرهنگ غربی که با در خدمت گرفتن ابزارهای تبلیغاتی- رسانه‌ای دشمن، بیش از سه دهه است که آغاز شده و با تمام قوا ادامه دارد، دغدغه‌مند، دیدبان این عرصه باشد و با تصویب قوانین کارآمد، به تقویت جبهه فرهنگ اسلامی-ایران مدد رساند.

فسادسنجی و عدالت‌خواهی

عدالت به مثابه یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی به یکی از عالی‌ترین مطالبات فراگیر ملت ایران بدل شده است که برای تحقق، باید عدالت به جنبش و خیزشی عمومی و گفت‌وگویی فراگیر در جامعه تبدیل شود و عدالت‌خواهان برای مبارزه با فساد، رانت و... به پا خیزند. عدالت در کشور، خود شامل عدالت در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... است که در همه این میدان‌ها وجود فساد و رانت مانع تحقق آن است. مسیر تحقق عدالت با آفات و موانعی روبه‌رو بوده است، به نحوی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در آخرین پیام‌شان به مجلسیان، دردمندانه یادآوری شده‌اند: «در دهه پیشرفت و عدالت، نمره مطلوبی در باب عدالت به دست نیاورده‌ایم.» (۱۳۹۹/۳/۷) مجلس شورای اسلامی به عنوان مجموعه‌ای انقلابی و از ارکان نظام اسلامی باید به عنوان سردمدار مبارزه با فساد، رسالت تاریخی خود را در فرایند

دولت‌سازی و تحقق دولت اسلامی انجام دهد و به عنوان یک بازیگر و مطالبه‌گر در جامعه نقش‌آفرین باشد. مجلس باید با تنظیم قوانین ضد فساد، تمام منافذی که فاسدان از طریق آن قوانین کشور را دور می‌زنند، ببندد. در کنار قانون‌گذاری، فسادسنجی با نظارت عجين شده است؛ بهترین قوانین کشور را هم داشته باشیم، مادامی که قانون به‌درستی اجرا نشود، شاهد رفع بلیه فساد از کشور نخواهیم بود؛ از این رو مجلس باید با همه توان بر رسالت دوم خود که نظارت بر عملکرد دستگاه اجرایی است، پایبند باشد و فرایندهای نظارتی خود را تقویت کند. برای تحقق عدالت، نیازمند مجلسی شجاع و انقلابی هستیم که مجلس یازدهم امیدهای فراوانی را در این زمینه ایجاد کرده است. کلید خوردن بررسی طرح شفافیت آرای نمایندگان در آغاز به کار مجلس یازدهم، حرکتی ارزشمند در مسیر تحقق عدالت و مبارزه با فساد است. در این میان، عدالت‌خواهی و فسادسنجی نیز خود با آقایی مواجه است که برای مبتلا شدن به آن باید دقت نمود. مجلسیان منتخب مردم که اکثریت آنان با شعارهای انقلابی، از جمله عدالت‌خواهی، توانسته‌اند اعتماد عمومی اکثریت را جلب کنند و به عنوان نمایندگان توده‌های عدالت‌خواه وارد بهارستان شوند، بیش از دیگران باید از خود در برابر این آفات و انحرافات مراقبت نمایند. تندروی و افراطی‌گری، تکبر و خودبرتربینی، تنگ‌نظری و انحصارگرایی، سطحی‌نگری و شعارزدگی، خشونت‌گرایی و پرخاشگری و درنوردیدن مرزهای اخلاق از جمله مهم‌ترین این آفات هستند. روی دیگر این ماجرا آن است که عدالت‌خواه ماندن نیز در این روزگار کار دشواری شده است؛ به ویژه برای آنان که بر صندلی قدرت تکیه زده‌اند. انقلابیون و عدالت‌خواهان در معرض خطر ارتجاع هستند و باید برای این انحراف، نوعی خودسازی انقلابی را در خود تمرین کنند. ماندن در جبهه حق و در صف انقلابیون، مقاومت و استقامت می‌طلبند و در این بین، رهنمایی وجود دارند که مانع می‌کنند و او را از ایستادگی در میدان مبارزه و تداوم مسیر عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی منع و بتدریج از صف انقلابیون خارج می‌کنند. محافظه‌کاری، راحت‌طلبی و دنیاگرایی، منفعت‌خواهی، قدرت‌طلبی و مرعوب شدن از جمله مهم‌ترین پرتگاه‌های در کمین انقلابیون و عدالت‌خواهان است و می‌تواند موجب ارتجاع، بازگشت و دست کشیدن انقلابیون از آرمان‌های انقلابی شود.

امروز مجلس یازدهم در ابتدای راهی سخت قرار دارد. فصل شعار و وعده دادن‌ها نیز برای نمایندگان منتخب پایان یافته و زمان کار فرا رسیده است. موکلان منتظرند تا نمایندگان‌شان کارها را به پیش ببرند. مجلس انقلابی خواهد توانست امیدها را در جامعه زنده نگه دارد، و ملت را نسبت به انتخاب درست‌شان مطمئن کند و در نتیجه، میل به حضور در انتخابات را در آینده افزایش دهد.

راه آبادانی کشور

«آیت‌الله جنتی» رئیس مجلس خبرگان رهبری با تأکید بر اینکه راه امام (ره) را باید شناخت، گفت: «از کجا باید بشناسیم؟ از آثار امام (ره) باید بشناسیم. وصیت‌نامه امام چیست؟ این ملت، این دولت، این مسئولین می‌خواهند به این وصیت عمل کنند؟ به چه کسی وصیت کرده است؟ وصی امام (ره) چه کسی است؟ وصی همین‌ها هستند. همین وصیت‌نامه را عمل کنند، مملکت آباد می‌شود. یکی از آثار امام (ره) که تقریباً انیس و مونس من است، «۴۰ حدیث» ایشان است. به عنوان وظیفه شرعی توصیه می‌کنم این کتاب را پیدا کنید و بخوانید تا امام (ره) را بهتر بشناسید.»



سم مذاکره

«محسن رضایی» دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به پیشنهاد مذاکره جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا که از سوی «دونالد ترامپ» مطرح شده است، نوشت: «از باتلاق خودساخته هم که بیرون بیایید، مذاکره با شما سم است. فعلاً که در باتلاق هستید.» بیشتر نیز دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در پیامی تویتری به قتل «جورج فلوید» سیاه‌پوستی که ناجوانمردانه زیر پای پلیس آمریکا به قتل رسیده بود، واکنش نشان داده و گفته بود: «آقای ترامپ، بحران میناپولیس بزرگ‌تر از کروناست. تیراندازی، نه تکرار اشتباه داری ضدعقوفی، بلکه مثل بمبی ساعتی برای کل آمریکا است.»



کوتاهی نمی‌کنیم

«محمدباقر قالیباف» رئیس مجلس در واکنش به تونیت ترامپ مبنی بر اینکه اکنون بهترین زمان توافق با ایران است، با اشاره به آیه «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَزِيَكُمْ أَعْمَالُكُمْ»، نوشت: «مبادا در مبارزه کوتاهی کنید و به کافران پیشنهاد سازش دهید. شما بالاترید؛ چون خدا با شماست و مطمئن باشید نتیجه اعمال‌تان (مقاومت) را بی‌کم‌وکاست می‌دهد.» گفتنی است، ترامپ در آستانه انتخابات ۲۰۲۰ به دلیل عملکرد ضعیف در بحران کرونا، بر خود خشن و مسلحانه با اعتراضات و شکست در تقابل با ایران، و نزول، کره شمالی و... به دنبال تغییر وضعیت خود است.



قمار قرن

خیال پردازی‌های سرزمینی نتانیاهو



محمد رضا فرهادی
کارشناس
مسائل منطقه

«نتانیاهو» بر اساس وعده‌های انتخاباتی خود مترصد الحاق کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی است؛ امری که علاوه بر یک وعده انتخاباتی، طرحی در راستای تکمیل پروژه معامله قرن است. در وهله اول صهیونیست‌ها به دنبال الحاق منطقه «ج» هستند. منطقه «ج» شامل آن دسته از شهرهای کرانه باختری می‌شود که به لحاظ اداری و امنیتی زیر نظر رژیم صهیونیستی باقی می‌مانند. حدود ۶۰ درصد وسعت کرانه باختری به‌عنوان منطقه «ج» و در اختیار صهیونیست‌هاست.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا صهیونیست‌ها اهداف دیگری را نیز مد نظر قرار داده‌اند؟

۱ در ظاهر، الحاق کرانه باختری وعده‌های انتخاباتی از سوی نتانیاهو بوده است؛ اما آنچه در نهان پیگیری می‌شود، امری خارج از یک وعده انتخاباتی است. طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته، بخش‌هایی از کرانه باختری، یعنی مناطقی که در اختیار مالکیت فلسطینی‌ها اما همچنان دارای مناقشه است، باید به رژیم صهیونیستی اعطا شود؛ بنابراین در وهله اول نتانیاهو همچنان برای اجرای معامله قرن، هر چند به صورت محدود، مشتاق است؛ این در حالی است که پروژه معامله قرن فعلاً با شکست مواجه شده و نتانیاهو به دنبال این است که حداقل در مقطع کنونی بخشی از آن را از بُعد سرزمینی اجرا کند.

۲ کرانه باختری سرشار از منابع آبی است و همین عاملی برای طمع صهیونیست‌ها برای دست‌اندازی به این منطقه است؛ در واقع، طرح رژیم صهیونیستی برای اشغال کرانه باختری بر اساس طرح الحاق جولان است.

۳ رژیم صهیونیستی به دنبال این است که با الحاق کرانه باختری، برای همیشه امکان تشکیل کشور مستقل فلسطینی را از بین ببرد؛ زیرا در مقطع فعلی فقط کرانه باختری و غزه دو منطقه کاملاً فلسطینی دانسته می‌شوند و با اشغال ۶۰ درصد آن، عملاً شهرک‌های غیرقانونی که اشغالگران در این مناطق ساخته بودند، به رسمیت شناخته خواهند شد.

۴ طرح الحاق کرانه باختری را باید بر اساس شعار «از نیل تا فرات» صهیونیست‌ها دانست؛ بنابر راهبردی که صهیونیست‌ها برای خود ترسیم کرده‌اند، ابتدا باید سرزمین‌های فلسطینی اشغال شوند سپس سایر مناطق پیرامونی در کشورهای دیگر هم به سرزمین‌های اشغالی الحاق شوند.

در کنار این اهداف و مسائل ممکن است الحاق کرانه باختری چالش‌هایی نیز برای صهیونیست‌ها به همراه داشته باشد؛ دو چالش اصلی که می‌تواند گریبان‌گیر آنها باشد، عبارتند از: الف- شروع انتفاضه فلسطینی: روزنامه «هآرتس» ضمن بررسی چالش‌های این اتفاق می‌نویسد: «خسارت‌های احتمالی این طرح بسیار سنگین خواهد بود و اجرای آن با خشم گسترده‌ای مواجه می‌شود که هم‌اکنون نشانه‌های آن مشخص شده است و احتمال شکل‌گیری یک انتفاضه وجود دارد.»

بدتیش با سایر کشورها: از زمان وعده نتانیاهو برای الحاق کرانه باختری، بسیاری از کشورها به‌ویژه اردن، موضع‌گیری کردند. «عاموس گیلعاد» در مقاله خود در روزنامه «یدیعوت اخرونوت» نسبت به این اقدام واکنش نشان داده است و می‌نویسد: «الحاق کرانه باختری ضربه‌ای برای اسرائیل است که خسارت‌شدیدی به امنیت آن وارد می‌کند؛ زیرا سابقاً یکی از مشکلات اسرائیل تأمین امنیت در مرزهای شرقی بود؛ اما امروز اردن به هم‌پیمان اسرائیل تبدیل شده است و عمق استراتژیک برای امنیت آن به شمار می‌رود و الحاق کرانه باختری به این روابط لطمه وارد می‌کند.»

انقلاب دریایی

پهلویگری ۵ نفت‌کش ایرانی در ونزویلا



حمید خوش‌آبند
کارشناس
بین‌الملل

هرچند طرح طلبی مانند ترامپ که دستش به خون فرمانده بزرگ مقاومت سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی آغشته است، زبان دیپلماسی، گفت‌وگو، ملاحظه‌کاری و محافظه‌کاری جواب نمی‌دهد و فقط قدرت دفاعی، بازدارندگی و انقلابی‌گری است که آمریکا را سر جای خود می‌نشاند. ترامپ امروز همان ترامپ دیروز است که تهدید کرده بود پاسخ ایران در قبال ترور حاج‌قاسم را با بمباران بیت رهبری، حرم امام(ره)، سایر اماکن متبرکه و زیرساخت‌های اقتصادی خواهد داد؛ اما صدای انفجار مهیب موشک‌هایی که در عین‌الاسد آمریکا فرود آمد، ترامپ را از خواب آشفته‌ای که برای ایران دیده بود، بیدار کرد. در صورتی که آمریکا بخواهد سد راه دریانوردی نفت‌کش‌های ایرانی شود، امروز نیز این موشک‌ها آماده شلیک هستند.

روند نفت‌کش‌های ایرانی به ونزویلا، با توجه به شرایط و موقعیتی که در آن انجام شد، در تاریخ دریانوردی بی‌سابقه است که پیامی مهم برای دوستان و دشمنان دارد: نگاه جمهوری اسلامی به دوستان و متحدانش راهبردی است و اقتصادی و تاکتیکی نیست. در هر شرایطی، ایران متحدانش را در سراسر دنیا، از غرب آسیا گرفته تا آمریکای لاتین، تنها نمی‌گذارد و آنها را نادیده نمی‌گیرد.

در سراسر دشمنان نیز، جمهوری اسلامی اهل سازش و عقب‌نشینی نیست؛ آنچه اهمیت دارد حفظ استقلال در تمام ابعاد آن و عزت و اقتدار ملی است. دنیا دریافت جمهوری اسلامی توانایی خارق‌العاده‌ای در شکست تحریم‌های آمریکا، آن هم به صورت آشکار و نه پنهانی، دارد.

نکته پایانی دستاوردهایی است که ورود نفت‌کش‌های ایرانی به سواحل ونزویلا برای جمهوری اسلامی در پی داشته و خواهد داشت؛ ارتقای وزن سیاسی ایران در معادلات منطقه و جهان، افزایش پستی بین‌المللی، جرئت دادن به سایر کشورها برای گشودن باب مناسبات اقتصادی و تجاری با ایران، بی‌اعتبارسازی پروژه تحریم آمریکا و آسیب جدی به آوازه و هژمونی ایالات متحده از جمله دستاوردهای مهم پیرامون این موضوع است.



«ایران ثابت کرد سلطان دریایا و آبراه‌هاست»؛ این جمله‌ای است که «مکرم خوری مخول» مدیر مرکز مطالعات اروپا در دانشگاه کمبریج، در توصیف اقدام اخیر ایران در ارسال نفت‌کش‌های حامل محموله‌های بزرگ بنزین به ونزویلا به کار برده است. ایران که روزگاری و در دوران قبل از انقلاب اسلامی، تمام توان دریایی‌اش در خدمت منافع انگلیس و آمریکا بود، امروز به‌سطوح در هم‌تندگی از اقتدار رسیده است که در سایه سخت‌ترین تحریم‌ها و با وجود تهدیدات سخت و نرم، ۱۴ هزار کیلومتر دورتر از مرزهای خود و در حیاط‌خلوت ایالات متحده، بدون اینکه آمریکایی‌ها جرئت و جسارت مقابله داشته باشند، مانور قدرت می‌دهد. جز ایران، هیچ کشوری جرئت، جسارت و قدرت انجام چنین مانوری را ندارد. آن هم در نقطه‌ای از جهان که حدود دو هزار کیلومتر مرز با ایالت فلوریدای آمریکا دارد.

حرکت نفت‌کش‌های غول‌پیکر ایران، فقط تلاشی معمولی برای ارسال بنزین و سوخت مورد نیاز ونزویلا نیست، بلکه اقدام هوشمندانه‌ای است که با اتکا به پشتوانه‌ای ارزشمند به نام «گفتمان مقاومت» و بنا بر تصمیم‌مدبرانه مجموعه ارکان سیاسی، دفاعی و اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری حکیمانه حضرت آیت‌الله العظمی امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) انجام گرفت و نشان می‌دهد «مقاومت» زرهی نفوذناپذیر و مؤثر و سپری خدش‌ناپذیر و فولادین در مقابل هژمونی طلبی و زورگویی در دنیا است.

موتور نفت‌کش‌هایی که امروز با پرچم ایران و در کمال امنیت در ونزویلا لنگر انداخته‌اند، با سوخت موشک‌های بالستیک کار می‌کنند که در عین‌الاسد بر سر آمریکایی‌ها فرود آمد. در مقابل آمریکا، به‌ویژه گردن‌کلفت

دیگته تهران به واشنگتن

تازه‌ترین شگرد ترامپ

آبزرور: سیاست خارجی توجه چندانی را در کمپین‌های انتخابات آمریکا به خود اختصاص نداد. درباره این حوزه در حد چند دقیقه در مناظره‌های انتخابات درون‌حزبی دموکرات‌ها بحث شد، اما این برای قبل از شیوع کرونا و ویروس بود. در حال حاضر، احساسات ضد چین، اولویت اولیه «دونالد ترامپ» برای تثبیت جایگاهش در کاخ سفید از طریق انتخابات را تشکیل می‌دهد، آن هم در شرایطی که جایگزین کارآمدی وجود ندارد. مانور روی وضعیت اقتصادی، آن طور که رئیس‌جمهور آمریکا انتظار دارد، با مانور روی واکنش دولت او به شیوع کرونا با توجه به تلفات انسانی بسیار بالا، غیرممکن به نظر می‌رسد؛ چین هراسی اما جذاب‌ترین گزینه کنونی به شمار می‌رود؛ چراکه می‌تواند هر دو ناکامی را توجیه کند.

نتیجه معکوس

شورای آتلانتیک: دولت ترامپ با تلاش برای مجبور کردن سایر کشورها به پیوستن به کمپین «فشار حداکثری»، تحریم‌ها را به عنوان ابزاری در خدمت سیاست خارجی آمریکا تضعیف کرده است. تحریم‌ها، مانند آنتی‌بیوتیک‌ها، در صورت استفاده بیش از حد، کارایی خود را از دست می‌دهند. دولت آمریکا به دلایل متعدد توانسته است از تحریم بر ایران نتیجه بگیرد و راهبردی فشار حداکثری نتیجه معکوس داده است.

دیگته تهران به واشنگتن

المیادین: ایران در اوج تهدیدات آمریکا، با اعزام کشتی‌های خود به ونزویلا و چین ثابت کرد سلطان دریایا و آبراه‌هاست. ایران کشوری نیست که قدرت و نفوذش فقط در خلیج‌فارس باشد، بلکه به قدرتی بزرگ در سطح جهانی تبدیل شده است و می‌داند چگونه باید رفتار کند. ایران کشوری است که خواسته‌اش را به آمریکا دیگته می‌کند و از این پس چنین کشوری و دوستان چنین کشوری قابل محاصره و تحریم نیستند. این کشور محاصره و تحریم خود را پشت سر گذاشت و با اقدامات اخیر در پی آن برآمد تا پس از ربع قرن ترویسیم اقتصادی و سیاسی آمریکا، عزت و کرامت اقتصادی‌اش را بازیابد. ایران هم‌پیمانان خود را رها نمی‌کند؛ خواه در سوریه باشند و خواه در آمریکای جنوبی.



جهان

شماره ۹۵۳ | دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۹

صداقت

یادداشت

امکان سنجی رفع تحریم تسلیحاتی ایران

یعقوب قلندری

کارشناس سیاسی

پس از امضای برجام بین ایران و قدرت‌های جهانی، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۲۲۳۱ را به تصویب رساند که بر اساس آن محدودیت‌های قبلی سازمان ملل در زمینه فروش سلاح‌های متعارف به ایران بعد از گذشت پنج سال، یعنی در اکتبر ۲۰۲۰، به پایان خواهد رسید. لغو تحریم‌های تسلیحاتی یکی از کمترین انتظاراتی است که ممکن است جمهوری اسلامی از قبال برجام، بعد از خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها، منتفع شود که این امر می‌تواند موضع طرفداران حضور در برجام را نیز تقویت کند.

امضاکنندگان برجام نسبت به رفع تحریم‌های تسلیحاتی مواضع متفاوتی دارند؛ منطق رفتاری کشورهای اروپایی بر حسب محوریت حفظ برجام و تلاش برای ادامه مسیر دیپلماتیک قابل ارزیابی است. اروپایی‌ها دچار معضلی دوگانه شده‌اند؛ اگر از آمریکا جانب‌داری نکنند، با خطر اقدام راهبردی ایران روبه‌رو خواهند شد؛ ایران صریحاً اعلام کرده است در صورت عدم رفع تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل، از برجام یا از آن‌پی‌تی خارج می‌شود. از طرف دیگر مخالفت با آمریکا به همان اندازه می‌تواند وخیم باشد؛ چون امکان دارد آمریکا اقدامات تنبیهی را علیه آنها وضع کند و روابط فرآتلانتیکی بیش از گذشته تیره شود. اروپا هنوز امیدوار است تهران و واشنگتن به میز مذاکره برگردند و موضوع را به گونه‌ای مدیریت کنند که دیپلماسی از ریل خارج نشود. در این زمینه بزرگ‌ترین نگرانی اروپا انتقال تسلیحات ایران به گروه‌های مقاومت است که این امر به تهدید متحدان اروپا منجر شود؛ اما با توجه به سایر قطعنامه‌های شورای امنیت - قطعنامه ۲۲۱۶ دربارہ یمن و قطعنامه ۱۷۰۱ دربارہ لبنان - انتقال تسلیحات به حزب‌الله و انصارالله ممنوع شده است و تحریم‌های تسلیحاتی ایران از سوی اروپا در سال ۲۰۰۷ نیز حداقل تا اکتبر ۲۰۲۳ باقی خواهند ماند.

از سوی دیگر، ایالات متحده در قالب سیاست فشار حداکثری به دنبال تمهید تحریم تسلیحاتی ایران است؛ کاخ سفید به دنبال بازگشت فوری تحریم‌های سازمان ملل است که این امر ممکن است ایران را به خروج از آن‌پی‌تی یا برجام وادارد؛ این در شرایطی است که چین و روسیه به عنوان متحدان سنتی و منتفعان لغو تحریم‌ها با این امر مخالفت خواهند کرد و انگلیس بعد از امر مخالفت خواهد کرد و انگلیس بعد از برگزیت احتمالاً اجازه می‌دهد تحریم‌های تسلیحاتی لغو شود، اما محدودیت‌های خودش را وضع خواهد کرد.

از سویی، ایران با توجه به محدودیت‌های مالی و اتکا به تسلیحات بومی، بعید است خرید تسلیحاتی چندانی انجام دهد؛ همچنین با توجه به ساختار منطقه و ارتباط چین و روسیه با سایر کشورها، بعید است آنها سلاحی راهبردی را در اختیار ایران بگذارند که خطر زیادی را برای کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آنها ایجاد کند.

بر این اساس آنچه در پایان به نظر می‌آید، این است که امکان استفاده آمریکا از ابزار شورای امنیت برای جلوگیری از رفع تحریم‌های تسلیحاتی ایران به سبب وتوی روسیه و چین، وجود ندارد؛ کما اینکه آمریکا دیگر عضو نیست و از نظر حقوقی، حق استفاده از مکانیسم‌های درون‌برجامی برای محدودسازی ایران را ندارد.



نرخ‌های مختلف ارز در اقتصاد، پایه و رکن اساسی فسادهایی است که بازار و اقتصاد را به التهاب کشانده است. از ماجرای هفت‌تپه و سلطان‌هایی که هر روز از آنها رونمایی می‌شود گرفته تا واردات کالاهای اساسی مورد نیاز مردم، یا بهتر بگوییم عدم وارداتی که با ارز دولتی قرار بر خرید آنها بوده است، یک سر ماجرا همیشه به چندرخی بودن ارز وابسته است.

ارز جهانگیری یا همان ارز ۴۲۰۰ تومانی در سال‌های گذشته به‌خوبی پرده از این واقعیت بردآور برداشته است که کسانی که به قدرت نزدیک هستند و از ارزهای دولتی استفاده می‌کنند، بیشترین ضربه را به تأمین معیشت مردم و کالاهای اساسی آنها وارد کرده‌اند. ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی مردم داده می‌شود، اما کالای اساسی با نرخ ارز ۱۴۰۰۰ تومانی به دست مردم می‌رسد. حالا اگر نرخ ارز دولتی همان ۱۴۰۰۰ تومان بود، آیا زمینه‌ای برای رانت باقی می‌ماند؟ آیا عده‌ای با زد و بند می‌توانستند ارز دولتی دریافت کنند و همان ارز را به قیمت آزاد در بازار به فروش برسانند؟ ارز تک‌رخی تجربه‌ای ثابت‌شده در همه اقتصادهای جهان است، اما دولت جمهوری اسلامی ایران همچنان بر چندرخی بودن ارز تأکید و پافشاری می‌کند.

تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد آنهایی که سیستم تک‌رخی کردن ارز را پیاده کرده‌اند، برای همیشه از دام سفته‌بازی ارزی و سوداگری در سایر بازارها خلاص شده‌اند. متأسفانه، سیستم اقتصادی کشور به گونه‌ای مدیریت و هدایت شده است که بخش‌های بازار سرمایه به جای اینکه در تولید و عمران و آبادانی کشور خرج شود، صرف خرید و فروش ارز می‌شود. بی‌تردید، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باید تجربه کشور مالزی را سیستم تک‌رخی ارز در این کشور را دنبال کند؛ در این سیستم اصلاً کسی نمی‌تواند ارز را برای گران فروختن بخرد و کسانی که به ارز احتیاج دارند فقط برای سفر یا سرمایه‌گذاری آن را می‌خرند، نه برای افزایش سرمایه خود.

بی‌تردید، آنچه موجب رشد سلاطین مختلف در بازارهای اقتصادی ایران می‌شود و دامنه فساد و دست‌اندازی بر منابع عمومی ملت را بیش از پیش افزایش می‌دهد، تأکید دولت بر سیستم چندرخی ارز است. تا زمانی که تلاش کنیم سیستم ناکارآمد و مصنوعی چندرخی را جایگزین سیستم اصلی، تجربه‌شده و ثابت‌شده کنیم، مشکل فساد اقتصادی و بگیر و ببند و عدم حل مسائل و معضلات اقتصادی ما همچنان پابر جا می‌ماند. بی‌تردید، اگر رئیس بانک مرکزی به فکر رفع مشکل تورم و حل ساختاری برخی مشکلات اقتصادی کشور است، باید همانند تجربه سال ۱۳۸۱ که ارز تک‌رخی شده بود، با حمایت رسانه‌ها، مردم و نخبگان اقتصادی شجاعت به خرج دهد و یک بار برای همیشه ارز را در اقتصاد ایران تک‌رخی کند تا با دایر کردن یک سیستم تک‌رخی قابل دفاع، حق جمعیت زیادی از مردم به نفع جمعیت کمی صنایع نشود و مردم بتوانند در فضای سنگین اقتصادی نفسی تازه کنند.

حمایت از تولیدکنندگان

حمایت از خریداران است

مسکن یکی از مهم‌ترین نیازهای ضروری بشر در اقصی نقاط جهان و در تمام ادوار تاریخ بوده است؛ نیازی که به هیچ وجه نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا موضوع دیگری را جایگزین آن کرد. به دلیل دسته‌بندی این نیاز در کالاهای اساسی، نباید به آن به عنوان یک کالای سرمایه‌ای نگریست، بلکه مسکن کالایی مصرفی است که باید با حداقل قیمت و در آسان‌ترین شرایط به دست مصرف‌کننده و متقاضی واقعی برسد؛ اما مسکن در ایران، برخلاف بیشتر کشورهای دنیا، نه تنها از هویت مصرفی بودن خود خارج شده است، بلکه رواج دلالی و سفته‌بازی در این بازار، مسکن را از دسترس عموم مردمی که به شدت نیازمند آن هستند، خارج کرده است. «محمود فاطمی عقدا» رئیس سابق مرکز تحقیقات مسکن و شهرسازی در گفت‌وگو با صبح صادق مشکلات حوزه مسکن، سیاست‌گذاری‌های غلط و راه‌کارهای حل مشکل مسکن را با ما در میان گذاشته است.



آقای دکتر، به عنوان اولین سؤال و آغاز بحث می‌خواستم بدانم دولت تا چه اندازه در تأمین مسکن ملت مسئولیت دارد؟

ساخت‌وساز و تأمین مسکن همه مردم به عنوان کالایی ضروری و مصرفی، یکی از مهم‌ترین وظایف اساسی هر دولتی و طبیعتاً دولت جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. چون تأمین مسکن همه افراد جامعه ضرورتی انکارناپذیر است، قانون اساسی نیز به صراحت درباره آن سخن گفته و دولت را به تأمین این مهم واداشته است؛ بنابراین ساخت مسکن یکی از مهم‌ترین وظایف دولت در قبال ملت به شمار می‌رود؛ چراکه هیچ انسانی نمی‌تواند بدون سرپناه به زندگی خود ادامه دهد یا نگران داشتن سرپناهی برای گذران زندگی خویش باشد؛ از این رو دولت باید برای تأمین مسکن و سرپناه مردم برای متقاضیان، با اعطای زمین رایگان وارد کارزار ساخت مسکن شود.

یکی از اقداماتی که دولت می‌تواند در راستای تأمین مسکن عموم جامعه انجام دهد، اجرای طرح‌های مشارکتی در حوزه مسکن با مشارکت انبوه‌سازان است؛ چراکه انبوه‌سازان نشان داده‌اند در ساخت‌وساز مسکن قوی هستند و با یاری دولت و اعطای تسهیلات می‌توانند به نفع عموم مردم جامعه فعالیت کنند.

به هر حال دولت باید با اجرای طرح‌هایی شبیه طرح مسکن مهر یا واگذاری زمین رایگان، برای حل مشکل مسکن مردم چاره‌ای بیندیشد؛ در نتیجه قطعاً نقش دولت در تأمین مسکن مردم انکارناپذیر است.

به نظر تان طی سال‌های اخیر چه عواملی به طور مشخص در افزایش قیمت مسکن تأثیرگذار بوده‌اند؟

یکی از موضوعاتی که متأسفانه، به گران شدن و عدم تولید مسکن در سال‌های اخیر منجر شده، اهدا نشدن زمین رایگان برای ساخت مسکن انبوه بوده است؛ برای نمونه مسکن مهر پروژه خوبی برای تأمین مسکن مردم بود؛ هر چند نواقصی داشت، اما طبیعتاً رفع نواقص آن می‌توانست در خانه‌دار کردن مردم بدون خانه، انقلابی به پا کند؛ اما متأسفانه، دولت آقای روحانی

مانع تحقق

این موضوع شد. سال گذشته موضوع اقدام ملی مسکن مطرح شد؛ هر چند این طرح هم اقدام خوبی است، اما آن‌قدر دیر هنگام بوده و میزان تولید مسکنی که در آن مطرح شده آن‌قدر کم است که طبیعتاً نمی‌تواند پاسخ‌گوی حداقل نیاز مردم در این بخش مهم باشد.

به هر حال، افزایش قیمت مسکن تابع تورم است و بخش اقتصاد مسکن از اقتصاد کشور جدا نیست؛ بلکه بخشی از اقتصاد ایران است که به سرعت از نوسانات اقتصاد ملی تبعیت می‌کند و از رونق یا آسیب آن تأثیر می‌پذیرد. از آنجا که در اقتصاد، تمام مؤلفه‌های اقتصادی از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند، همه بخش‌های اقتصادی به نوعی زنجیروار به هم متصل هستند و هر تغییری در هر حوزه‌ای می‌تواند به‌شدت سایر بخش‌ها، از جمله بخش اقتصاد مسکن را تحت تأثیر قرار دهد.

در شرایط فعلی و با توجه به افزایش قیمت مسکن، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، دولت باید چه اقداماتی را برای خانه‌دار کردن مردم در دستور کار خود قرار دهد؟

دولت برای تأمین مسکن مردم از همان ابتدای روی کار آمدن باید چند کار مهم را در دستور کار خود قرار می‌داد. قطعاً با تسهیلات ناچیزی که دولت به عنوان وام مسکن در نظر گرفته است، حتی در شهرهای کوچک نیز نمی‌توان خانه‌دار شد، چه برسد به کلان‌شهرها که قیمت‌ها بسیار نجومی افزایش یافته است؛ از این رو با توجه به ناچیز بودن مبلغ تسهیلات مصوب انتظار می‌رود دولت با شرایط جدید توری و افزایش قیمت‌ها، نسبت به میزان وام و تسهیلات خرید مسکن تجدید نظر کند.

شکی نیست که میزان وام‌های دولت در شرایط فعلی کفاف نیاز متقاضیان را نمی‌دهد؛ بنابراین اگر دولت به دنبال موفقیت در سیاست‌های حوزه مسکن است، باید بحث طرح‌های تولید انبوه مسکن با مشارکت انبوه‌سازان و مشارکت

انجمن‌های صنفی را دنبال کند.

مشارکت دولت در طرح‌های مشارکتی با زمین‌داران بزرگ در شهرها، و مهم‌تر از همه سیاست تأمین منابع مورد نیاز ساخت برای سازندگان موضوعی مهم است؛ در واقع، با این کار پرداخت تسهیلات از طرف تقاضا به سمت عرضه مسکن سوق پیدا می‌کند که این اقدام می‌تواند تا حد زیادی قیمت‌ها را در بازار مسکن کنترل کند؛ ضمن اینکه دولت نیز در این شرایط نظارت بیشتری بر بازار مسکن خواهد داشت.

به نظر تان مشکلات امروز کشور در حوزه بازار مسکن به وضع قانون جدید یا اصلاح قوانین موجود نیاز دارد؟

قطعاً بخش مسکن به قانون نیاز ندارد و قوانین موجود کاملاً پاسخ‌گوست؛ بلکه فقط نیازمند کنترل، نظارت و پایش دائمی و جدی است. قانون فقط باید این موضوع را نهادینه کند که مالکیت از آن دارنده ملک است؛ اما به این دلیل که برای ساخت ملک از امکانات شهری یا روستایی با تسهیلاتی که حق همه مردم بوده، استفاده شده است، دارندگان مسکن حق ندارند و نمی‌توانند آن را خالی بگذارند یا به نوعی برای گران‌فروشی احتکار کنند.

به نظر تان ممکن است ایجاد محدودیت یا به نوعی قیمت‌گذاری در بخش مسکن به نفع خریداران تمام شود و کاهش قیمت مسکن را در پی داشته باشد؟

با اینکه بخش مسکن در کشور ما بسیار رهاست و متعاقباً قیمت‌گذاری هم چنین است، اگر قرار بر این باشد که قیمت‌گذاری بخش مسکن هم مثل قیمت‌گذاری بخش خودرو باشد، بهتر است اصلاً به این سمت حرکت نکنیم؛ چراکه مشاهده کردیم قیمت‌گذاری دولتی در خودرو به نجومی شدن قیمت‌ها منجر می‌شود. بنده معتقدم به جای اینکه قیمت‌گذاری شود، بهتر است نظارت دقیق و اراده دولت بر بخش مسکن و برای حل مشکل مسکن کشور بیشتر شود. مسکن نیاز جدی هر انسانی است، اگر این نیاز جدی نبود، قانون اساسی به صراحت آن را از دولت و حاکمیت مطالبه نمی‌کرد؛ بنابراین هنگامی که یکی از وظایف دولت تأمین مسکن است، دولتمردان باید سازوکار لازم را برای تأمین این نیاز جدی مردم فراهم کنند.

دولت برای انجام این مهم باید سیاست‌هایی وضع کند و در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای نیز باید موضوع مسکن را به صورت جدی لحاظ کرد. تمام سازمان‌های مسئول و وزارتخانه‌ها باید به صورت جدی برای خانه‌دار کردن هر ساله مردم برنامه‌ریزی داشته باشند؛ ضمن اینکه مشارکت با بخش خصوصی می‌تواند کارآمدی دولت را از جنبه تولید بیشتر و بهتر مسکن بالاتر ببرد؛ چراکه خوشبختانه تشکل انبوه‌سازان و صنف سازندگان مسکن

کشور گروه‌های مجرب و کارآزموده‌ای هستند که با تجربه طولانی در امر ساخت‌وساز می‌توانند به نیاز بخش مسکن تا حد زیادی پاسخ دهند. افزایش تولید مسکن نیازمند برنامه‌ریزی و هدایت درست سازندگان با حمایت‌های ویژه دولتی از آنهاست.

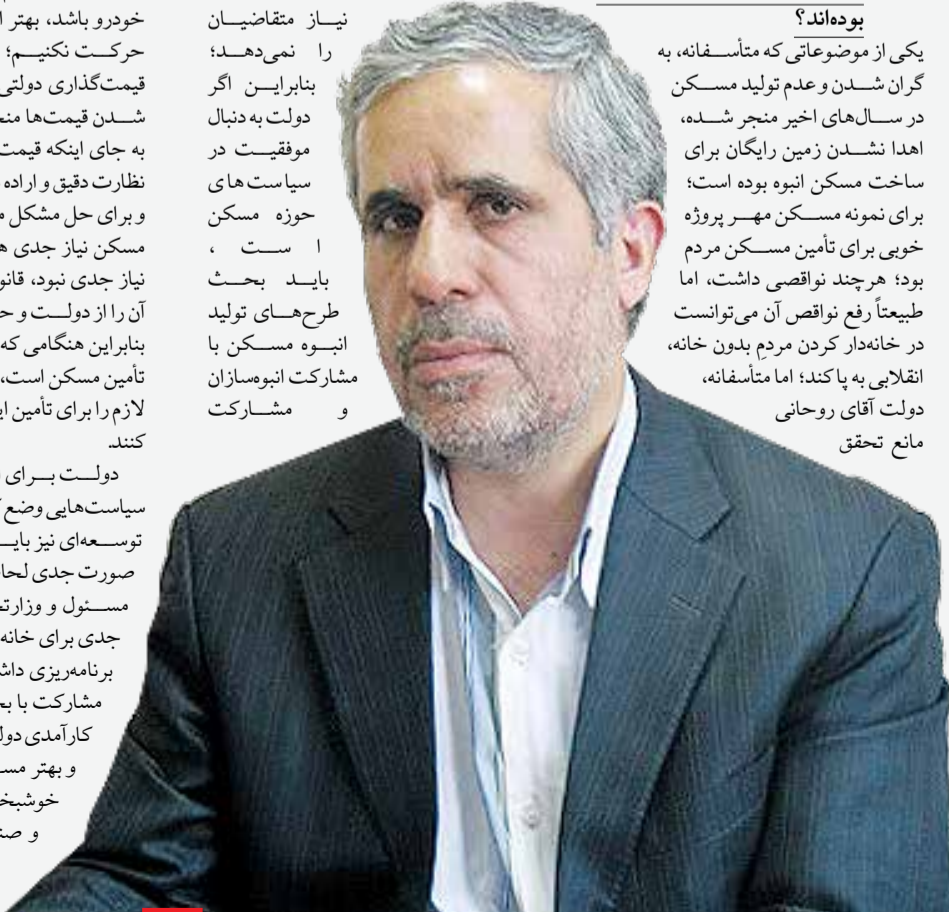
با توجه به رشد بازار سرمایه در یک سال اخیر، آیا بازار سرمایه هم می‌تواند در بخش مسکن کمک‌حال سازندگان و انبوه‌سازان باشد؟

قطعاً استفاده درست از سرمایه‌های خرد و کلانی که در بازار سرمایه هستند یا هدایت سرمایه‌های سرگردان به این بخش با یک برنامه‌ریزی قوی و درست می‌تواند بخش بزرگی از کمبود نقدینگی مورد نیاز تولید مسکن را حل کند. به نظر می‌رسد استفاده از بازار سرمایه فرصت مغتنمی است که باید از آن به بهترین شکل استفاده کرد.

اگر دولت برای این موضوع در بازار سرمایه بخشی ویژه و مستقل و گزینه قابل قبولی تعریف کند تا سرمایه‌گذاران وارد این بخش شوند، قطعاً سرمایه‌گذاران به دلیل سودآوری بخش مسکن به این گزینه علاقه نشان می‌دهند و می‌توانند در این بخش مؤثر واقع شوند. تحقق این موضوع به برنامه‌ریزی قوی و جدیت عمل دولت وابسته است؛ چراکه بازار سرمایه می‌تواند تا حد زیادی مشکل مسکن را حل و قیمت را متعادل و منصفانه کند.

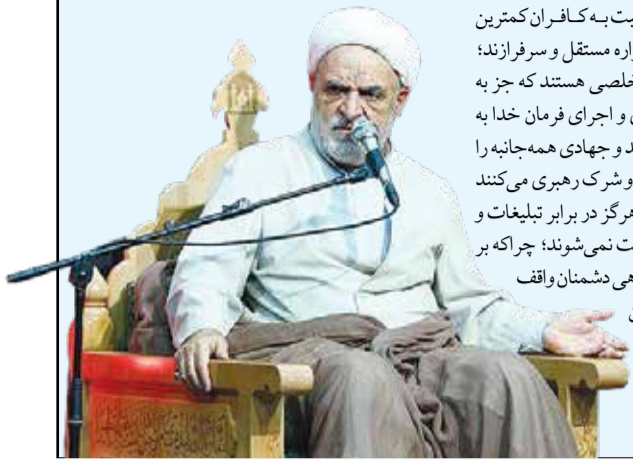
به نظر تان اخذ مالیات از خانه‌های خالی می‌تواند به کمک بخش مسکن بیاید و تا حدودی به کاهش قیمت‌ها، اعم از اجاره‌بها یا قیمت خرید مسکن منجر شود؟

این کار حتی اگر تأثیر چندانی نداشته باشد، به هر شکل یک راهکار است و حق همه مردمی به‌شمار می‌رود که برخی به اسم صاحب‌خانه و با استفاده از تسهیلات عمومی و زیرساخت‌های شهری خانه‌دار شده‌اند. عده‌ای با خرید چندصد دستگاه آپارتمان از مالکان و محتکرانی به شمار می‌روند که خانه‌های خالی را برای سودآوری بیشتر، بدون پرداخت کمترین مالیاتی نگه داشته‌اند و بسیاری از مردم را از خرید و اجاره ملک مورد نظر بازداشته‌اند؛ از این رو استفاده از خانه‌های خالی حق مردم است؛ بنابراین یکی از راهکارهای مناسب، گرفتن مالیات از خانه‌های خالی است. بنده معتقدم دولت در این باره نباید به مالکانی که برای سوداگری و احتکار خانه‌های خود را خالی نگاه داشته‌اند، رحم کند؛ اگر مسئله از سوی دولت جدی گرفته شود و مالیات‌های سنگینی بر خانه‌های خالی وضع شود، قطعاً تا حدودی، هر چند کم، مشکل مسکن حل می‌شود؛ حداقل از بابت سوداگری و احتکار مسکن دستاوردی داشته‌ایم و مانع چنین حرکت‌های غیراقتصادی شده‌ایم.



عدالت و احسان در حکومت جهانی امام زمان (عج)

گفتاری از حجت الاسلام علی اصغر الهامی نیا



نیز او را دوست دارند؛ اینان با مؤمنان فروتن و بر کافران سرفرازند، در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند. این فضل خداست، آن را به هر که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست. (مانده/ ۵۴) گرچه مفسران، مصداق نخست این آیه را امیر مؤمنان (ع) و یاران باوفای پیامبر (ص) در صدر اسلام دانسته اند، ولی این نکته را نیز یادآور شده اند که آیه به عصر ظهور نیز نظر دارد و حضرت مهدی (عج) و یاران او مشمول این آیه هستند و پنج عنوان یادشده در آن، سرفصل ویژگی های آنها را بیان کرده است که عبارتند از: ۱- عشق راستین به خدا دارند؛ ۲- نسبت به مؤمنان در نهایت خضوع، غم خواری

حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) مانند سایر حکومت های بشری از سوی دولتمردان و کارگزارانی اداره می شود که پس از رئیس حکومت، بیشترین نقش را بر عهده دارند و انتخاب درست آنها کلید موفقیت حکومت است. حاکمی که از تیم عادل، همفکر، همراه، دلسوز، فهیم و کارآمد برخوردار نباشد، در اداره حکومت چندان موفق نخواهد شد. موضوع مهم یاران حضرت مهدی (عج) که در طرح حکومت جهانی پیش بینی شده و نخست قرآن مجید درباره آنها فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خداوند گروهی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان

و همکاری هستند؛ ۳- نسبت به کافران کمترین سازش را ندارند و همواره مستقل و سرفرازند؛ ۴- مجاهدان پرشور و مخلص هستند که جز به پیروزی حکومت مهدوی و اجرای فرمان خدا به کار دیگری مشغول نیستند و جهادی همه جانبه را ضد جبهه شیطان، کفر و شرک رهبری می کنند تا بر آنها فائق آیند؛ ۵- هرگز در برابر تبلیغات و جنگ روانی دشمن، سست نمی شوند؛ چرا که بر دستی راه خویش و گمراهی دشمنان واقف هستند. به راستی که چنین روحیاتی، فضل الهی است که به همه کس عطا می شود.

لازمه تولی و تبری



محمد عینی زاده موهود
دکترای تفسیر تطبیقی قرآن

در دین مبین اسلام، تولی و تبری دو اصل مهم به شمار می آیند که ضامن حیات و بالندگی و مایه هویت و تمایز جریان زلال حق پویان از جریان های باطل و انحرافی است.

لازمه تولی و تبری معرفت نسبت به مصادیق ولی الهی و یاوران جبهه حق، چگونگی تولی نسبت به ایشان متناسب با اقتضات زمان و نیز شناخت جبهه مقابل و راه های دشمنی و نفوذ آنان است. مودت و اتصال نسبت به ولی و اعضای جبهه حق و دوری و بیزاری از اولیای شیطان، تجلی تولی و تبری در حوزه گرایش و قلبی است، و تسلیم و اطاعت کامل در برابر ولی و ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان دین، حقیقت تولی و تبری را تشکیل می دهد.

این دو اصل مبنایی دینی در مسیر تاریخی خود به آسیب هایی مبتلا شده اند که مهم ترین آنها اختصاص تولی و تبری به زمان گذشته، به انتمه معصوم (ع) و قاتلان و معاندان ایشان، زمان شناسی در تولی و تبری، تمیز ندادن مرزها در تولی و تبری و باز نشناختن جایگاه ولایت و مرجعیت است که به تبری از ولی، تولی به دشمنان، نشناختن یاوران حقیقی و آمیخته شدن مؤمنان و منحرفان منجر شده است و موجب می شود ولی جامعه حمایت کامل ویی منازع در همه عرصه ها نداشته باشد.

در عصر غیبت امام معصوم (ع)، فقهی که شرایط عام نیابت از امام عصر (ع) را داشته و بر اساس شرع و قانون گام پیش گذاشته و مسئولیت رهبری را پذیرفته باشد، رهبری در او متعین است و ولایت او بر همگان، از جمله سایر فقها، نافذ خواهد بود. در این مسئله هیچ گونه تشکیک جایز نیست؛ کسانی که با عنوان اعلی، مرجعیت و مانند آن در ولایت فقیه عادل تشکیک می کنند، عزت و اقتدار دین را خدشه دار می کنند و عموماً آیات، روایات و حکم عقل را که بر ضرورت اجرای حدود الهی در همه زمان ها دلالت دارند، نادیده می گیرند.

در برهه کنونی، ولایت حضرت آیت الله العظمی خامنه ای محرز و تولی نسبت به ایشان متعین است و باید لوازم و مراتب تولی، از جمله معرفت، مودت و حمایت درباره ایشان رعایت شود.

برای رسیدن به اهداف بلند دین، باید با پیوندی مستحکم به همدیگر متصل بود و از جبهه ها و قطب های دیگر خود را کنار کشید تا ماندگار شد. «ولی» باید در جامعه مشخص و منشأ و الهام بخش همه نیروها، نشاطها و فعالیت ها باشد. در دوره حاکمیت غیردینی، باید برای قدرت دادن به ولی الهی کوشید و در زمان حاکمیت او، باید او را در راه اجرای احکام الهی و برقراری نظام عدل و ساختن جامعه دینی یاری کرد، از ولایت طاغوت و پیوند با آن دوری کرد و در مصاف حق با جریان باطل کنار ولی الهی و در جبهه حق بود.

بی طرفی در اینجا واژه ای بی معناست؛ باید با دوستی، برادری و اتحاد با دیگر مسلمانان به کفار و دشمنان اجازه نداد از تفرقه امت سوء استفاده کنند و به جدایی آن دامن بزنند و بالاخره، با گسترش امید، شعله آرزمان را فروزان نگه داشت و حرکت به سوی اهداف و ایستادگی در برابر مشکلات و سختی ها را تضمین کرد.

پیروزی در همه میدان ها با تلاش و دعا

به مناسبت شروع جنگ خندق و کشته شدن عمرو بن عبدود به دست امام علی (ع) در ۱۷ شوال سال پنجم هجرت

دیگر فرمود مبارزه علی (ع) با عمرو، از همه اعمال امت من تا روز قیامت برتر است. (المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۲) رسول خدا (ص) این روایتی را چنین نیز تصویر کردند: «همه اسلام (یا ایمان) در برابر همه کفر (یا شرک) قرار گرفته است.» (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۶) مشرکان ۱۵ روز پس از کشته شدن عمرو و پشت خندق منتظر ماندند، اما جز چند حرکت نمایشی کار دیگری نکردند. (انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۱۲)

در این ۱۵ روز حضرت علی (ع) از خندق عبور و در کنار مشرکان نماز اقامه می کردند، اما هیچ کس جرئت نزدیک شدن به ایشان را نداشت. بسر «کوه ذباب» و «کوه سلع»، در جایی که پیامبر اکرم (ص) بر کار خفر خندق نظارت می کردند و خیمه آن حضرت برپا بود و نماز می گذاردند و جایی که حین جنگ خیمه پیامبر (ص) برپا بود و نماز می گذاردند و برای پیروزی مسلمانان دعا می کردند، مساجدی بنا شد که به مساجد فتح و مساجد سبعه (هفت گانه) موسوم اند.

ابن سعد در الطبقات الکبری به نقش دعای پیامبر (ص)، استیجاب آن و امدادهای غیبی اشاره کرده است. پیامبر (ص) دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه در مسجد احزاب دعا کردند: «خدایا، احزاب را فراری و شکست بده.» (تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۷۹) قرآن نیز از این امداد الهی آیه ۲۳ در سوره احزاب یاد کرده است و کسانی را که با دعا از خداوند پیروزی درخواست کردند، مؤمن نامیده و فرموده است: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللّٰهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا».

به جنگ احزاب شهرت یافت. وقتی دشمنان به قصد فتح مدینه عزیمت کردند، پیامبر اسلام (ص) با یاران خود مشورت و پیشنهادهای مختلف را بررسی کردند. از میان پیشنهادها، کندن خندق را که طرح سلمان فارسی بود، پذیرفتند و دستور دادند مسلمانان راه های ورودی مدینه را با خفر خندق مسدود کنند؛ اما خیانت قوم بنی قریظه کار را بر مسلمانان سخت تر کرد. مسلمانان از پشت سر خود از جانب بنی قریظه نسبت به خانواده های شان ایمنی نداشتند و نیز از مقابل، با سپاه انبوه مشرکان که هر چندگاه از قسمت های تنگ خندق می گذشتند، درگیر بودند. (المغازی، ج ۲، ص ۴۶۴) از شاخص ترین اتفاقات این جنگ، نبرد امیرالمؤمنین (ع) با عمرو بن عبدود بود. وقتی عمرو و هموار می طلیس، پیامبر (ص) عمده خود را به حضرت علی (ع) دادند و ایشان را رهسپار میدان جنگ کردند. عمرو می خواست جنگ با یک جوان کم بسن را رد کند، اما درگیر شد و با ضربات شمشیر حضرت علی (ع) از پا درآمد. حدیث معروف پیامبر (ص) پس از این پیروزی شنیده شد که: «ضربه علی (ع) از عبادت ثقلین (جن و انس) بهتر یسا برتر بود و به روایتی

از طرفی به ما دستور داده شده است برای تحقق خواسته های مان دعا کنیم و از طرفی باید برای تحقق آنها تلاش کنیم.

یکی از غزوات مهم اسلام، جنگ خندق بود که در ۱۷ شوال سال پنجم هجری قمری رخ داد. این جنگ با توطئه قبیله بنی نضیر آغاز شد. وقتی پیامبر (ص) بنی نضیر را به دلیل خیانت از سرزمین شان اخراج کردند، آنان راهی مکانی به نام خیبر شدند و دیگر یهودیان را به جنگ با پیامبر (ص) تحریک کردند. پس از آن، یهودیانی از بنی نضیر و بنی وائل به مکه رفتند و ابوسفیان و قریش را به جنگ با رسول خدا (ص) برانگیختند. ابوسفیان از پیشنهاد آنان استقبال کرد و یهودیان و قریش با یکدیگر هم پیمان شدند؛ سپس آن یهودیان نزد قبیله غطفان رفتند و با وعده دادن یک سال خرمای خیبر، آنان را برای جنگ با پیامبر (ص) با خود همراه کردند. آن گاه نزد بنی سُلَیْم بن منصور رفتند و موافقت ایشان را نیز به دست آوردند. با این همراهی ها جمعیت دشمنان به ۱۰ هزار نفر رسید، در حالی که تعداد مسلمانان فقط ۳ هزار نفر بود. (تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۷۰-۵۶۶) به همین دلیل این جنگ

حجت الاسلام سید حسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



خداوند در روشها، امکانات و نعمتهایی برای زندگی انسان قرار داده است که انسان باید با تلاش به آنها دست پیدا کند، به اختیار درآورد و از آنها برای گذراندن امور خود استفاده کند. هر پیش آمد عقلانی در زندگی انسان با همین اسباب حل می شود. در مشکلات و سختی ها هم تلاش و کوشش موجب موفقیت انسان می شود؛ اما این به معنای دوری از مسبب الاسباب نیست؛ یعنی باید همیشه فراهم شدن اسباب را از خداوند بخواهیم که خالق است و مخلوق باید از او مدد بگیرد؛ پس دعا کردن باید با سعی و کوشش جمع شود تا انسانها بتوانند از مشکلات زندگی عبور کنند. امام صادق (ع) در حدیثی می فرمایند: «خداوند برای بندگانش مقرر فرموده مقاصدشان را با اسبابی از او درخواست کند که برای رسیدن به آنها قرار داده است و آنان را به این قانون امر کرده است.» (بصائر، ج ۱، ص ۶) همچنین می فرمایند: «خداوند کاری را بدون استفاده از اسباب انجام نمی دهد.» (کافی، ج ۱، ص ۱۸۳) از آنجا که تحقق امور فقط مربوط به اراده و تصمیم ما نمی شود و مسائل فراوان دیگری در این باره باید دست به دست هم بدهند، با دعا کردن از خداوند می خواهیم دیگر امور را که در اختیار ما نیست، در راه تحقق این خواسته برای ما فراهم کند؛ از این رو در روایات ما، عمل و اراده انسان با دعا کردن همراه شده است؛ یعنی



طعام پاک برای همه انسان ها

در شماره های قبیل از دستورهای خداوند درباره طعام حلال و پاکیزه و لزوم تبعیت انسان ها از آنها گفتیم. این دستورها نه فقط برای مسلمان ها، بلکه برای همه انسان ها صادر شد، اما بی توجهی به آن موجب شد انسان ها در طول زندگی شان با مشکلات بسیار زیادی مواجه شوند و نعمت حقیقی خوردن و آشامیدن برای آنها به نعمت تبدیل شود. گویا مسلمانان نتوانستند غیر مسلمانان را به خوردن غذاهای حلال و پاکیزه ترغیب کنند، جز آنکه نشان «حلال» را که یک نشان تجاری است و مشخصاً برای مسلمانان به کار می رود، به کار گیرند؛ به عبارتی مسلمانان حصار دور خود کشیدند، غذای خود را از غیر مسلمانان جدا کردند و برای آگاهی انسان های این کره خاکی از موضوع طعام های حلال کار خاصی نکردند. ما با بسیاری از دستورهای اسلام این طور رفتار کردیم و نخواییم دیگر انسان ها را از فواید آنها آگاه کنیم. شاید بیشتر بر مسلمان شدن آنها تأکید داشتیم تا اسلامی رفتار کردن شان؛ در حالی که می توانستیم با نشر زیبایی های دین، آنها را با آداب دینی آشنا کنیم سپس به دین مبین اسلام دعوت شان کنیم.

مطمناً از دلایل دیگر این اتفاق، شناخت ناکافی ما از دستورهای دین است؛ چه آنکه مدام در پی این هستیم که دلایل علمی امروز، دستورهای دین ما را تأیید کنند، در حالی که علوم جدید خود را در همین دستورها پیدا کرده اند. علم امروز بشر دانشی نسبی است و نمی تواند همه دستورهای الهی را که منبعث از علم لایزال الهی است بررسی کند؛ از این رو اگر اکنون علم بگوید گوشت مردار ضرری برای انسان ها ندارد، نباید به آن اعتنا کنیم چرا که در آیه ۱۱۵ سوره نحل می خوانیم: «خداوند فقط مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را با نام غیر خدا سر بریده اند، بر شما حرام کرده است...» خداوند در آیه های بعد از آن می فرماید رد و تأیید انسان ها نسبت به دستورهای مؤکد دین را مردود می شمارد و آنها را دروغ بستن به خداوند می داند و به عذاب دردناک وعده می دهد.

اگر تقوا و ولایت ممداری نباشد...

یکی از مسائلی که اسلام از همان ابتدا در برابر آن قرار گرفت عصبیت بود؛ عصبیتی که در هر انسانی وجود دارد و حالت فخر فروشی و تکبر به او می دهد. اگر این حالت درون انسان ها باشد، نمی توانند اسلام بیاورند و تسلیم دستورات خداوند شوند؛ پس اولین قدم برای خدایی شدن، دور شدن از غرور، تکبر و خودبرتربینی است؛ این حالت نه تنها انسان را در مقابل خدا قرار می دهد، بلکه رابطه اش با هم نوعان خود را نیز از بین می برد. انسان متکبر نمی تواند خود را سالم نگه دارد و جامعه ای سالم بسازد؛ بدتر از آن اینکه برخی افراد نسبت به مادیات، جسم و شکل و شمایل خود حالت غرور دارند و آن را مایه فخر فروشی قرار می دهند، در حالی که دین اسلام تقوا را ارزش می داند.

حضرت اباعبداللّه (ع) نقل می کنند روزی در حضور امیرالمؤمنین (ع) دو نفر با هم بحث می کردند و بر یکدیگر تفاخر می نمودند. حضرت فرمودند: «آیا به این جسدهایی که پوسیده می شوند و ارواحی که در دوزخ قرار می گیرند افتخار می کنید؟» سپس یکی از آن دو را مخاطب قرار دادند و به او فرمودند: «اگر عقل صحیح و سالم داشته باشی، می توان گفت خلقتی ممدوح و قابل افتخار داری، یا اگر تقوی و پرهیزکاری داشته باشی، کرامت داری و می توانی به آن افتخار نمایی و اگر هیچ یک از این دو را نداشته باشی، درازگوش از تو بهتر است و از احدی بهتر نخواهی بود.»

حضرت امسام صادق (ع) شنیدند مردی از قریش با شخصی سخن می گفت؛ مرد قرشی به سبب قریشی بودن خود را بر آن مرد برتری می داد و آن شخص در مقابل قریشی بودن خویش خوار و ذلیل می پنداشت؛ حضرت به او فرمودند: «جواب او را بده، چه آنکه تو به سبب داشتن ولایت و محبت ما، از حیث نسب شریفتر از وی هستی.»

از دیگر امتیازات داشتن ولایت است؛ البته نه برای فخر فروشی، بلکه برای تشبه و تمسک به اهل بیت (ع).

چهار چرخ

بررسی علل آشفته‌گی و پشت‌پرده بازار خودرو

پشت پرده

- عدم وجود ابزارهای پوشش ریسک نوسانات ارزی: تلاطمات ارزی به دلیل نبود ابزارهای پوشش ریسک نوسانات ارزی در دهه‌های اخیر، صنایع کشور را با چالش‌های جدی و خطرناکی مواجه کرده است.
- قیمت‌گذاری دستوری اشتباه در کنار محدودیت عرضه: تبعیت از قیمت‌های دستوری و تکلیفی اشتباه در این شرایط، دو گروه تولیدکننده و مصرف‌کننده نهایی را متضرر و منافع عظیمی را به جیب واسطه‌ها سرازیر کرده است.
- توسعه استانداردهای صنعت خودرو: لابی خودروسازان در به تعویق انداختن اجرای استانداردها و در نهایت عدم نظارت دقیق و وجود رانت در ارائه مجوز برای شرکت‌های بازرسی تأیید صلاحیت‌شده و بالطبع عدم تضمین کیفیت محصولات تولیدی تحت نظارت ایشان از دلایل ناکارآمدی این بخش است.
- نهادهای نظارتی، قضائی و امنیتی: گوناگونی نهادهای امنیتی، نظارتی و قضائی در صنعت خودروسازی نیز علاوه بر ایجاد فضای عدم اطمینان، بی‌انسجامی و ناهماهنگی را در نوع و سطح برخورد با مسائل و مشکلات صنعت موجب می‌شود و بعضاً بر مبنای شواهد، خود موجب فساد در سطحی است که برخورد با آن مقوله‌ای سخت و بعضاً نشدنی است.
- سهم پایین تحقیق و توسعه: نداشتن برنامه‌ریزی راهبردی در حوزه مدیریت فناوری و سهم پایین هزینه‌کرد در فرایندها و پروژه‌های منجر به توسعه تکنولوژی از مصائب دیروز و امروز صنعت خودروسازی است.
- بالا بودن هزینه لجستیک در صنعت خودرو: بیش از ۲۰ درصد از هزینه‌های بخش تأمین، مربوط به هزینه‌های لجستیک است که دو برابر استانداردهای حداقلی دنیاست.
- نیروی انسانی مازاد: بررسی‌ها نشان می‌دهد بیش از ۱۲ درصد بهای تمام‌شده مربوط به هزینه‌های حقوق و دستمزد است (حدود سه برابر استانداردهای جهانی).

- نظر به مشکلات موجود در صنعت خودروی کشور و همچنین ضرورت بررسی علل ناکارآمدی صنعت خودرو، تحقیق و تفحص از این صنعت در مجلس انجام گرفت. اهم یافته‌های کلیدی این بررسی به شرح زیر است:
- ضعف سیاست‌گذاری‌های کلان صنعتی (عدم کفایت، تناسب و هم‌راستایی): در سطح کلان، با وجود تدوین برنامه ۱۴۰۴ صنعت خودرو، عدم وجود هم‌راستایی استراتژی و اسناد کلان با برنامه‌های اجرایی و نحوه ارتباط بخش‌های مختلف فنی و اقتصادی با برنامه‌های توسعه صنعتی بخش‌های فنی و فزاینده، از ضعف‌های اساسی موجود در این صنعت است.
 - تضاد بین مالکیت و مدیریت (مشکلات حاکمیت شرکتی): با وجود اینکه به‌ظاهر، دولت در شرکت‌های خودروسازی سهام غیرکنترلی دارد، به دلیل سهام‌داری شرکت‌های زیرمجموعه و سازوکارهای پیچیده و کالت طراحی شده بین این شرکت‌ها، عملاً دولت در مجامع عمومی این شرکت‌ها بازیگر اصلی است.
 - بنگاه‌داری خودروسازان: در پایان سال ۱۳۹۷، شرکت ایران خودرو مجموعاً دارای ۱۰۷ شرکت بوده است که تعاونی‌های خاص و اعتبار کارکنان نیز دارای ۱۲ شرکت فعال است. شرکت سایپا هم کنترل ۶۴ شرکت فعال و ۱۲ شرکت غیرفعال را در اختیار دارد.
 - مصنوعی بودن نرخ ارز: حساسیت سیاست‌گذاران در دوره‌های مختلف، به تعیین مصنوعی نرخ ارز منجر شده است و این امر، موجب برهم خوردن تعادل واقعی و صرفه اقتصادی تولید در بسیاری از فعالیت‌های صنعتی (از قبیل قطعه‌سازی، خودروسازی و...) می‌شود.
 - نبود زیرساخت‌های مناسب مالی در سیستم بانکی کشور: این موضوع موجب تحمیل هزینه‌های بسیار بالای تأمین مالی در این بنگاه‌ها شده است.

امیرحسین کاکایی، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت

قیمت‌گذاری اشتباه بازار خودرو را آشفته کرده است



این روزها، بازار خودرو با بحران‌های شدید تولید، عرضه و تقاضا رویه‌روست که هم مردم و هم خودروسازها دچار ضرر و زیان شده‌اند. در این بین کارشناس‌ها دخالت دولت در تعیین قیمت‌ها را مناسب نمی‌دانند و راه‌های دیگری پیشنهاد می‌دهند که البته هر کدام خسارت‌ها و ضررهای خود را دارد؛ اما باید با بررسی‌های کارشناسانه سود و ضرر هر کدام مشخص شود و هر روشی که ضرر کمتری دارد، برای حل این بحران در نظر گرفته شود. به همین منظور با «امیرحسین کاکایی» کارشناس حوزه خودرو و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

زهره اظہر وند
خبرنگار



ماجرای جدی است؛ پس باید خیلی جدی با مسائل رویه‌رو شویم. نظر بنده این است که باید قیمت‌ها منطقی شود که چند راه‌حل برای آن وجود دارد؛ اولین آن، قیمت آزاد بازار با ۵ درصد سود پایین است؛ یعنی قیمت خودرو ۵ درصد حاشیه بازار باشد یا برعکس، ۵ درصد سود برای خودروسازان باشد که این در روش با هم فرق دارند. روش اول در کوتاه‌مدت تنش زیادی در بازار ایجاد می‌کند، اما تکلیف بازار را مشخص می‌کند و خودروساز با سود بسیار زیادی که می‌تواند به دست بیاورد، می‌تواند خسارت‌ها را جبران و سرمایه‌گذاری کند و به سمت افزایش تولید برود. در روش دوم سرمایه‌ای بودن خودرو همچنان در جای خود باقی می‌ماند، اما در این روند خودروساز ضرر نمی‌کند و به تدریج زنده می‌ماند و رشد می‌کند، البته جهش نمی‌کند. راه‌حل سوم که تئوریکال است، این است که دولت همه پول خسارت را بدهد که خودروسازها جهش تولید پیدا کنند که این از نظر عملی غیرممکن است؛ چون دولت الان در کمترین درآمدها به سر می‌برد و لطمات این دو سال از منظرهای مختلف خیلی زیاد بوده است. روش چهارم این است که فولادسازها و پتروشیمی‌ها قیمت مواد اولیه را پایین بیاورند که این هم بدترین راه‌حل است؛ چون رانت‌خواری را از بخش خودرو به لایه‌های بعدی می‌برد که بسیار خطرناک‌تر است؛ چراکه فولاد و پتروشیمی غیر از خودرو مصارف دیگر هم دارند. همه روش‌هایی که بنده ذکر کردم، خسارت‌هایی دارد؛ اما نکته مهم و کلیدی این است که در شرایط بحرانی نمی‌شود منافع را بیشینه کرد، بلکه در این شرایط باید مضرات و زیان‌ها را کمینه کرد.

بنابراین اول باید زیان‌ها را کم کرد و فعلاً جلوی زیان‌دهی طرفین گرفته شود، سپس دولت نظارت کند تا تولید بالا رود و بعد به تدریج خود به خود زیان مردم هم کم خواهد شد و در عرض دو الی سه سال کم‌کم همه از این وضعیت نفع خواهند برد؛ چون درآمد مردم بالا خواهد رفت و اقتصاد کم‌کم خود را پیدا می‌کند و خودروساز نیز خود را پیدا می‌کند و بقیه اقتصادها هم سر جای خود بازمی‌گردند؛ مثل اتفاقی که سال ۱۳۹۵ به وجود آمد و قبل از برجام، کم‌کم همه چیز داشت به حالت تعادل می‌رسید؛ پس فعلاً باید به دنبال کم کردن زیان‌ها باشیم، اما نباید همه چیز را رها کنیم تا خودروساز هر کاری خواست انجام دهد؛ البته الان خود به خود خودروسازها تحت نظارت شدید دولت و دستگاه‌های نظارتی هستند.

برای مثال ابتدای صبح یک محموله هزارتایی را حراج کنید، یعنی هزار تا را یک نفر یک‌جا بخرد؛ اما در وضعیت فعلی ما می‌خواهیم هزار خودرو را به هزار نفر بدهیم و باید مزایده بین جمعیتی حدود ۳۰ هزار تا یک میلیون نفر انجام شود که من نمی‌دانم به چه طریق می‌خواهد این کار انجام شود و اصلاً شدنی نیست. اگر سه سال پیش که کسی با دید سرمایه‌گذاری خودرو نمی‌خرید، خودرو را در بورس عرضه می‌کردیم، آن زمان این طرح شدنی بود؛ چون سرمایه‌داران بزرگ وارد می‌شدند و چوب حراج می‌زدند و بعد از خرید چند هزار تا، آنها را با سودی محدود در بازار می‌فروختند. بورس در شرایطی خوب کار می‌کند که تعادل وجود داشته باشد؛ در شرایط عدم تعادل همیشه متخصص‌ها و کسانی که پولدار هستند، برنده می‌شوند. در حال حاضر هدف ما از این کار این است که در این بین خودرو، به افرادی برسد که نیازمندتر هستند که این کار به نظر بنده از نظر تکنیکال شدنی نیست. مشکل اصلی، مدیریت بازار نیست و به علت قیمت‌گذاری غلط و تحریم است که تولید کاهش پیدا کرده است. ما باید دنبال این برویم که راه‌حل پیدا کنیم تا تولید بالا برود؛ از این رو باید قیمت‌ها آزاد شود، یا دولت سوبسید دهد تا خودروسازها برای مردم تولید کنند. اقتصاد با شعبده‌بازی و فرقه‌کشی درست نمی‌شود.

در حال حاضر خودرو با سیاست‌های غلط از کالایی مصرفی به کالایی سرمایه‌ای تبدیل شده است؛ چه راه‌حلی برای این معضل وجود دارد؟

در ابتدا باید این واقعیت را بپذیریم که این اتفاق افتاده است و با آرزو کردن، مشکلات واقعی حل نمی‌شوند.

ما با آمریکای جهان‌خوار در افتاده‌ایم و

بنابراین با توجه به صحبت‌های شما، دخالت دستوری دولت نمی‌تواند بازار خودرو را کنترل کند؟

دولت با دستور در بازار نمی‌تواند آن را کنترل کند؛ در واقع، وقتی می‌توانستیم انتظار کنترل بازار را داشته باشیم که تولید دست دولت بود، اما الان با کاری که خود کرده، تولید از دست دولت خارج شده است؛ یعنی ضرباتی به تولید وارد شده است که نمی‌تواند سرپا شود. در اینجا باید این نکته را یادآور شوم که بحران مدیریت در بخش تولید نیست و بدون پول توانسته‌اند کار انجام دهند؛ اما الان این صنعت پول لازم دارد و از این به بعد صاحبان نمی‌توانند قدم از قدم بردارند و اگر این قیمت‌گذاری ادامه پیدا کند، همین توان موجود هم به تدریج مستهلک خواهد شد؛ چرا که در حال حاضر هر خودرویی که تولید می‌شود، خودروساز با قیمت‌گذاری جدید هم به طور متوسط بالای ۳۰ میلیون تومان زیان می‌کند. اقتصاددان‌های بزرگ پیش‌بینی کرده‌اند تا پایان سال حدود ۴۰ درصد تورم خواهیم داشت؛ از این رو با این افزایش قیمت محدودی هم که الان داده شده، قیمت‌ها همچنان عقب است، حتی از قیمت تمام‌شده تولید خودرو؛ بنابراین عملاً اوضاع تحت کنترل دولت نیست.

برخی برای سامان‌دهی بازار خودرو و متعادل شدن قیمت‌ها، عرضه خودرو در بورس را مطرح کرده‌اند؛ به نظر شما این کار برای حل بحران بازار خودرو مناسب است؟

این پیشنهاد فشنگی است و افرادی که این پیشنهاد را داده‌اند به دنبال این هستند که قیمت واقعی خودرویی که خودروساز زیان نمی‌دهد، به دست بیاید؛ اما از نظر مکانیسم پول شدنی نیست. بر اساس دانشی که بنده از بورس دارم، بورس وقتی جواب می‌دهد که

عده‌ای از کارشناس‌ها آشفته‌گی موجود در بازار خودرو را ناشی از بحران مدیریتی می‌دانند، نظر شما در این باره چیست؟ آیا واقعاً همینطور است؟

بحران فعلی بازار خودرو سه ریشه دارد که یک ریشه آن بلندمدت است و فعلاً به آن کاری نداریم؛ چرا که در وضعیت فعلی نمی‌توان آن را بررسی کرد؛ یک ریشه کوتاه‌مدت دوساله دارد و آن تحریم‌ها بود که موجب شد تمام برنامه‌های اصلی خودروسازها در پنج سال گذشته از بین برود؛ اگر برجام پاره نشده بود، سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ سال شکوفایی صنعت خودرو بود، هیچ کس هم دنبال خودرو نمی‌دوید و هر فرد هر زمانی که می‌خواست با آرامش بهترین خرید را انجام می‌داد؛ اما وقتی تحریم شدیم، فشار زیادی وارد شد؛ البته برنامه‌هایی که در مقابل تحریم‌ها طراحی شدند، مناسب بودند؛ اما در یک نکته کلیدی اشتباه داشت و آن هم از آنجا شروع شد که دولت در ابتدای کار برآورد کرد می‌تواند ارز مورد نیاز را با قیمتی که خود تعیین می‌کند و به مقدار کافی به صنایع و کالاهای اصلی بدهد و با این احتساب شروع به کنترل برخی کالاها کردند، در حالی که بسیاری از عوامل دیگر تحت کنترل نبودند.

برای نمونه قیمت فولاد، مس، آلومینیوم و مواد پتروشیمی که در ایران تولید می‌شود، متناسب با قیمت واقعی ارز بالا رفت و پشت‌بند آن نتوانستند ارز کافی را تأمین کنند، تا جایی که امروز بیش از دو ماه است که ارز آزاد نیز تخصیص داده نشده است؛ از این رو این فرض اشتباه حاکم شد که چون می‌توانیم ارز لازم را تأمین کنیم، قیمت برخی کالاها، مثل خودرو و بازار آن را نیز می‌توانیم کنترل کنیم؛ اما جز خودرو، کالاهای دیگر مثل موبایل را رها کردند و تا این تاریخ خودرو همچنان تحت قیمت‌گذاری مستقیم قرار دارد؛ از آن طرف مواد اولیه و قطعات آزاد است که نتیجه آن کمبود شدید تولید در خودروسازی شد؛ اما اگر قیمت‌ها آزاد بود، بعد از دو سال، امروز خودروسازی می‌توانست سرمایه‌گذاری‌ای را انجام دهد که حداقل ظرفیت تولیدات‌شان به سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ برگرده؛ اما متأسفانه به دلیل قیمت‌گذاری اشتباه، رسماً بالای ۴۰ هزار میلیارد تومان به این صنعت، خسارت وارد شد و بانک‌ها دیگر وام ندادند که در چنین شرایطی با وجود تمام تلاش‌ها، به‌ویژه در هفت ماه گذشته که در زمینه نهضت داخلی‌سازی انجام شد، به دلیل اینکه سرمایه لازم وجود نداشت، نتوانستند به جهشی که می‌خواهند برسند؛ در نتیجه الان نصف تقاضای موجود تولید داریم و از تقاضا خیلی دور هستیم.





دکتر جعفر قادری

اقتصاددان و نماینده شیراز در مجلس

مشکل را باید در بازارهای دیگر جست و جو کرد

قبل از اینکه به حل نابه‌سامانی بازار خودرو فکر کنیم، باید مشکل آن را و روی بازار خودرو ببینیم و طبعاً اگر این نگاه کلان را نداشته باشیم، ممکن است تحلیل‌های مان دچار اشکال بشوند. ما راهی نداریم جز اینکه بحث نقدینگی و بازارهای غیرمولد را تحت کنترل در بیاوریم و راه را برای جذب نقدینگی در بخش‌های تولیدی فراهم کنیم تا در درجه اول، رشد نقدینگی از رشد بخش تولید بیشتر نباشد و در درجه دوم، اگر نقدینگی ایجاد شد، به سمت تولید، کانالیزه شود که اگر این کار انجام شود، طبیعی است که خودرو را در حد نیاز تقاضا می‌کنند و دلیلی ندارد مازاد بر نیاز تقاضا شود و بخواهد مشکل ایجاد کند. در حال حاضر طی سال و در حالت عادی، شاید حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار الی ۳۰۰ هزار خودرو پاسخ‌گوی نیاز مصرفی کشورمان باشد؛ اما وقتی خودرو به یک کالای سرمایه‌ای تبدیل می‌شود، افراد به سمت این بازار می‌روند و از آن برای حفظ قدرت خرید استفاده می‌کنند؛ بنابراین در وهله اول بحث خودرو را باید در کلیت اقتصاد ببینیم، نه در مسائل و مشکلاتی که وجود دارد.

در عین حال، مقصود بنده این نیست که داخل بخش خودرو مشکل نداریم، کم‌اینکه یکی از مشکلات این بخش این است که طبق سیاست‌های اصل ۴۴، خودرو باید کالایی باشد که دولت اصلاً در آن دخالتی نداشته باشد و از سوی بخش غیردولتی تولید شود؛ اما متأسفانه دولت‌ها از بازار خودرو خارج نمی‌شوند؛ چراکه این بازار حیاط‌خلوتی برای آنها ایجاد کرده است و نیروهایی که نمی‌توانند به کار بگیرند، در بخش خودرو به کار گرفته می‌شوند و در عین حال که خود این بخش زیان‌ده است، دولت می‌تواند از منابع مالی آن برای اهداف خود استفاده می‌کند؛ بنابراین دولت به بهانه‌های مختلف، قصد واگذاری صنایع خودرو را ندارد و این موجب شده است ما مشکلات جدی در این بخش داشته باشیم و نیروی مازاد در بخش خودرو، تکنولوژی‌های عقب‌افتاده و مسئله‌دار، مدیریت‌های ضعیف، ائتلاف منابع مالی و تصمیم‌گیری‌های بد، همگی موجب شده است بهره‌وری و کارایی در بخش خودرو بسیار پایین و هزینه تمام‌شده بسیار بالا باشد که این مسائل عملاً سبب شده است خودروساز داخلی نتواند، نه در بازارهای داخلی و نه در بازارهای خارجی، با خودروهای خارجی رقابت کند و پاسخ‌گویی انتظارات مردم باشد. همچنین انحصاری بودن و حمایت‌های بی‌حدوحصر از این بازار نیز به عدم پیشرفت این صنعت ایجاد مشکلات منجر شده است. با حمایت‌ها و ممنوعیت‌های تعرفه‌ای، اجازه واردات خودرو داده نمی‌شود؛ البته این صحبت به این مفهوم نیست که بنده طرفدار باز کردن دروازه‌ها به روی خودروی وارداتی باشم؛ اما معتقد هستم حمایت‌ها

باید زمان‌دار و هدفمند باشند و این طور نباشد که صنایع نوزاد داخلی برای همیشه نوزاد باقی بمانند. صنایع تولیدکننده کالای داخلی، از جمله خودرو، باید طی برنامه‌های فرآیندی زمان‌دار حمایت شوند و به سمت و سوی برویم که از بخش‌هایی حمایت کنیم که مزیت نسبی دارند؛ اگر در بخشی مزیت نسبی نداریم، دلیلی ندارد بخواهیم از آن حمایت کنیم و این حمایت‌ها برای مدت زمانی طولانی ادامه پیدا کند و عملاً در آن بخش هم رشد و توفیقی نداشته باشیم. نکته بعدی بحث عرضه خودرو در بورس است که بنده آن را منطقی نمی‌دانم؛ چراکه عرضه کالایی در بورس معنی دارد که عملاً انحصاری نباشد؛ اما وقتی انحصار ایجاد شده است و اجازه واردات خودروی خارجی داده نمی‌شود، طبیعی است که اینجا ممکن است عملاً خریداران انحصاری وجود داشته باشند که سرمایه‌های کلانی دارند و خودرو را با قیمت‌های بالا خریداری می‌کنند و با ایجاد انحصار و محدودیت، همان خودروها را با قیمت بالا در بازار می‌فروشند. کالایی می‌تواند شرایط رقابت داشته باشد که با کاهش عرضه زیاد داشته باشد و با افزایش قیمت، بلافاصله امکان افزایش عرضه داشته باشد، یا امکان واردات وجود داشته باشد و مصرف‌کننده محدود و محکوم به خرید خودروی داخلی نباشد و قدرت مانور داشته باشد؛ اما وقتی این شرایط وجود ندارد، عرضه خودرو در این بازار موجب می‌شود نوعی رانت برای تولیدکنندگان ایجاد کند و مصرف‌کنندگان متضرر شوند.

بررسی راه‌حل اساسی مشکلات بازار خودرو در گفت‌وگو با رئیس انجمن صنایع همگن قطعه‌سازی

ریشه رانت و دلالتی خشکانده شود

به نظر شما دخالت دستوری دولت‌ها چقدر در این نابه‌سامانی بازار خودرو تأثیرگذار است؟
از زمانی که دولت دخالت کرد، روش را به هم زد و قیمت‌گذاری کرد، چندین ائتلاف افتاد و یکی از آنها این بود که خودروسازها ضرر ۴۰ هزار میلیارد تومانی داشتند و قطعه‌سازان نیز ۱۹ هزار میلیارد تومانی دیدند که این موجب شد توان مالی صنعت خودروسازی از بین برود؛ از این‌رو وقتی توان مالی این صنعت از بین رفت، دیگر نتوانست پول قطعه‌ساز را به‌موقع بدهد و قطعه‌ساز هم نتوانست قطعات را تأمین کند و در نتیجه ضعیف شد و تولید کاهش یافت؛ وقتی تولید کم شد، این اختلاف زیاد قیمت در بازار همه را به این سمت کشاند که موجب ایجاد یک رانت ۵۰ هزار میلیارد تومانی در بازار شد.

اکنون راه‌حل این نابه‌سامانی بازار خودرو همان روش ذکر شده است و با قرعه‌کشی و هر کار دیگری که انجام دهیم، فقط رانت ایجاد می‌کنیم. روش باید بقدری درست باشد که فقط مشتریان واقعی وسط بیایند؛ برای نمونه اگر قیمت پراید در بازار ۸۰ میلیون باشد و آن را از طرف خودروساز ۷۵ میلیون اعلام کنند، در عرض کمتر از یک هفته قیمت بازار روی ۷۵ میلیون می‌آید و بعد به همین ترتیب قیمت را پله‌پله پایین بیاورند تا خودرو به قیمت واقعی خود برسد که در نتیجه مصرف‌کننده نهایی با قیمت واقعی خودرو می‌خرد و کسانی که به دنبال سود هستند، وارد بازارهای دیگر، مثل طلا و ارز می‌شوند.

به نظر شما عرضه خودرو به بازار بورس می‌تواند در سامان‌دهی و متعادل شدن قیمت‌ها اثرگذار باشد؟

در حال حاضر قیمت مواد اولیه ما، مثل فولاد، آلومینیوم، مس و مواد پتروشیمی به قول اهالی بورس، کشف می‌شود؛ یعنی مثلاً فولاد مبارکه، فولاد خود را به بورس می‌آورد و قیمت آن کشف می‌شود. حرف ما این است که وقتی ورودی‌ها را کشف قیمت می‌کنید، خروجی‌ها را نیز کشف قیمت کنید.

شما در نهایت چه راه‌حلی برای از بین رفتن این آشفتگی بازار خودرو پیشنهاد می‌دهید؟

برای برطرف شدن این مشکلات یا در حاشیه بازار قیمت‌گذاری کنند یا اینکه خودرو را در بورس عرضه کنند؛ به عبارتی، مادامی که صنعت خودروسازی ضرر و زیان دارد، تولید انجام نمی‌شود، یا تولید خیلی کم انجام می‌شود، قطعه‌ساز منتفع نمی‌شود و نمی‌تواند مواد اولیه را تأمین کند؛ بنابراین تیراژ تولید پایین می‌آید و قیمت‌ها بالا می‌رود. بحث عمده‌ای که اینجا اثرگذار است و همه از آن غافل هستند، قیمت ارز است؛ برای نمونه زمانی که قیمت دلار هزار تن بود، قیمت پراید ۳۰۰ هزار و ۲۰۰ الی ۲۱ میلیون تومان شد و حالا که قیمت دلار ۱۷ هزار تومان شده است، قیمت پراید چقدر باید باشد؟ بازار هوشمند است؛ یعنی تشخیص می‌دهد این قیمت بالا می‌رود یا پایین می‌آید و به همان تناسب قیمت می‌گذارد؛ از آن طرف هم خودروساز ضرر می‌کند و این وسط دلال سود می‌کند؛ بنابراین پیشنهاد بنده این است که یا خودرو را در بورس عرضه کنند که کشف قیمت شود، یا در حاشیه بازار قیمت‌گذاری شود. قیمت‌های دستوری اصلاً جواب نمی‌دهد و اقداماتی مثل قرعه‌کشی موجب می‌شود رانت باقی بماند.

بازار خودرو روزهای خوبی را نمی‌گذراند و هر از چند گاهی با افزایش قیمت خیره‌کننده خودرو مواجه هستیم که برخی علت آن را کاهش تولید و افزایش تقاضا، عده‌ای سوءمدیریت دولت و خودروسازها و بعضی‌ها نیز هجوم نقدینگی به این بازار به دلیل سود بیشتر نسبت به بازارهای دیگر می‌دانند؛ این در حالی است که خودرو باید کالایی مصرفی باشد، نه سرمایه‌ای. در همین زمینه با «محمد رضا نجفی منش» رئیس انجمن صنایع همگن قطعه‌سازی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

عده‌ای از کارشناسان آشنفتگی و نابه‌سامانی موجود در بازار خودرو را ناشی از نحوه مدیریت این بازار می‌دانند؛ به نظر شما سوءمدیریت چقدر این بازار را به چالش کشیده است؟

در این قضیه مهم‌ترین عامل، دخالت دولت در قیمت‌گذاری است؛ یعنی دولت با این کار به نظر خود می‌خواهد به مردم خدمت کند و عملاً قیمتی را تعیین کرده که تمام مردم سودی بین ۲۰ میلیون تا ۲۵۰ میلیون تومان ببرند و این موجب شده است تمام کسانی که اصلاً نیازی به خودرو ندارند نیز به قصد سود به این بازار وارد شوند؛ برای نمونه شخصی که نیاز به خودرو ندارد، می‌گوید پولم را اینجا سرمایه‌گذاری می‌کنم و علاوه بر دریافت سود، خودرو هم می‌گیرم؛ در نتیجه وقتی سایت فروش شرکت‌های خودروسازی باز می‌شود، در عرض چند ثانیه فهرست ثبت‌نام پر می‌شود، چراکه همه برای کسب سود به این بازار هجوم می‌آورند و برخی نیز با استفاده از روش‌های خاص بلافاصله موفق به ثبت‌نام می‌شوند.

با این تفاسیر و با توجه به اینکه این موضوع مدت‌هاست ادامه دارد، راه‌حل برطرف شدن این مشکل چیست؟

اگر بخواهیم ریشه این قضیه را بخش‌بندی کنیم، باید رانت از بین برود؛ چراکه ارائه هر کالای رایگان یا دارای سود بالا همه را وسوسه می‌کند که وارد بازار آن شوند و از آن استفاده کنند. برای بیان بهتر این مسئله یک مثال عرض کنم و آن اینکه همانند این رفتار را در دهه ۷۰ داشتیم که شورای اقتصاد روشی هوشمندانه برای قیمت‌ها برقرار کرد و اعلام کرد قیمت حاشیه بازار چقدر است؛ سپس اگر به عنوان مثال قیمت خودرو در بازار ۲۰ میلیون تومان بود، به خودروساز اعلام کرد ۵ درصد زیر این قیمت به خریدار بفروشد، یعنی به مبلغ ۱۹ میلیون تومان؛ بعد از این اقدام در کمتر از یک هفته قیمت خودرو در بازار نیز به ۱۹ میلیون تومان رسید، سپس قیمت کارخانه ۱۸ میلیون کرد و قیمت بازار هم به ۱۸ میلیون رسید و به همین ترتیب پله‌پله قیمت کارخانه و بازار یکی شد؛ در نتیجه دیگر کسی با فکر سوداگری به این بازار نیامد که خودرو بخرد و بعد گران‌تر بفروشد. در نتیجه این اقدام اولاً، قیمت‌ها متعادل شد و هیچ مشکلی در تأمین خودرو وجود نداشت و هر فردی که به خودرو نیاز داشت، می‌توانست بخرد؛ با اینکه تیراژ تولید هم پایین و حدود ۳۰۰ هزار خودرو بود. این قضیه به جایی رسید که سال ۱۳۹۰ یک میلیون و ۶۰۰ هزار خودرو تولید کردیم، در حالی که از آن طرف مشتری وجود نداشت و خودروسازها باروش‌هایی مثل قسطی کردن، تولیدات خود را می‌فروختند؛ یعنی تا این حد تولید افزایش پیدا کرده بود.

علت‌یابی و فهم چرایی نابه‌سامانی بازار خودرو در گفت‌وگو با عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت

خودروسازی در کشور متولی ندارد

آنها را اداره کند و در مقابل عملکرد دشان نیز پاسخگو باشد و این طور نباشد که تا می‌گوییم خودروسازی دولتی است، می‌گویند خصوصی است، یا وقتی می‌گوییم خصوصی است، می‌گویند دولتی است. دولت باید خودروسازها را تا جایی برساند که به حدی از سودآوری برسند، سپس آنها را به بخش خصوصی واگذارد.

اینکه اخیراً برای سامان‌دهی بازار خودرو، متعادل شدن قیمت‌ها و همچنین حذف رانت‌های موجود در این بازار، پیشنهاد عرضه خودرو در بورس را مطرح کرده‌اند، به نظر شما چقدر در سامان‌دهی آن مؤثر است؟

این پیشنهاد به صورت کوتاه‌مدت می‌تواند نوعی مُسکن بر دردهای بازار خودرو باشد و اینکه کالا را در بازار بورس عرضه کنیم، نمی‌تواند راه‌کار منطقی طولانی مدت باشد؛ اما در این شرایط که هجوم نقدینگی به بازار خودرو را با هدف سرمایه‌گذاری داریم، به شرکت‌های تولیدی ضرر وارد می‌شود؛ در نتیجه اگر خودرو را به بازار بورس ببریم که در گذشته هم امتحان شده است، احتمالاً موجب می‌شود خودروساز بتواند تا حدی قیمت را افزایش دهد، آن هم بدون اینکه خیلی تحت تأثیر فشارهای بیرونی قرار بگیرد.

به نظر شما پایگاه‌های آگهی و فروش در اینترنت چقدر در افزایش قیمت خودرو مؤثر هستند؟

این پلتفرم‌ها ابزار هستند و نمی‌توانند تقاضا ایجاد کنند؛ در واقع، ابزاری برای برون‌داد تقاضاهای موجود هستند که در همه دنیا نیز وجود دارند و می‌توانند موجب عرضه و تقاضا شوند یا زمینه‌ساز ارائه عرضه و تقاضا باشند. واقعیت این است که اگر ما این پلتفرم‌ها را ببندیم، به این معنی نیست که عرضه و تقاضا از بین رفته ممکن است و آن نقدینگی آنجا کار نکند و در بازارهای دیگر، مثل بازار ارز و طلا وارد شود؛ بنابراین نقدینگی دنبال راه یافتن به یک بازار است؛ قبلاً این کار را در بحث طلا انجام دادند؛ یعنی کانال‌هایی که قیمت طلا را اعلام می‌کردند، بستند؛ ولی عملاً اتفاقی نیفتاد و همچنان شاهد افزایش قیمت طلا هستیم.

در باره مبحث انحصار خودرو، به نظر شما انحصار در زمینه خودرو به پیشرفت تکنولوژی، کاهش قیمت تمام‌شده و افزایش کیفیت منجر شده و اگر نشده علت چه بوده است؟

در واقع نشده است؛ اما به این دلیل نیست که انحصار عامل پیشرفت نیست، در حالی که انحصار در دنیا عامل پیشرفت است؛ برای نمونه در کشور کره جنوبی به مدت ۱۰ سال به دلیل پیشرفت صنعت، واردات خودرو ممنوع شد که این اتفاق هم افتاد؛ اما اگر بخواهیم به دنبال چرایی عدم پیشرفت این صنعت در کشورمان باشیم، به این دلیل است که انحصار یکی از شرط‌های لازم است، اما کافی نیست و سایر شرایط ما نیز درست نبوده است؛ به عبارتی شرط لازم را که انحصار بوده است، ایجاد کرده‌ایم، اما شرط کافی را که مسائل مدیریتی صنعت خودروی مان است، حل و فصل نکرده‌ایم. اگر در مدیریت صنعت خودرو راهبردهای کلان داشتیم و آنها را پیگیری می‌کردیم، می‌توانستیم در کنار انحصار، پیشرفت کنیم؛ اما در حال حاضر این انحصار موجب شده است برخی افراد سود بیشتری کسب کنند و از طرفی، آن مجموعه خودروساز فشل ما، هر روز فشل‌تر از دیروز شود.

آشنفتگی بازار خودرو این روزها دیگر تازگی ندارد. هر از چند گاهی افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها و شکاف بزرگ قیمتی از خروجی کارخانه تا بازار را شاهد هستیم؛ نوساناتی که هر بار با ورود دست‌نچایه مسئولان امر و تصمیمات دفعی اندکی فروکش می‌کند، اما هیچ‌گاه از یک مُسکن مقطعی فراتر نرفته است. برای علت‌یابی و فهم چرایی این نابه‌سامانی‌ها، با دکتر «ابوالفضل خلخالی» عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی خودرو دانشگاه علم و صنعت ایران به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌آید.

به نظر شما ابهام قدیمی نحوه قیمت‌گذاری‌ها با توجه به هزینه تمام‌شده در بخش خودرو چگونه حل شدنی است؟

مادامی که قیمت‌گذاری حالت دستوری داشته باشد، این مشکل وجود دارد. رقابت به این معناست که شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی سعی می‌کنند قیمت تمام‌شده کالای خود را کاهش دهند تا بتوانند با قیمت کمتر در بازار رقابت داشته باشند و مشتری بیشتری جذب کنند. مادامی که کالایی به این صورت قیمت‌گذاری می‌شود، همه چیز روند طبیعی خود را دارد و ما شاهد چالش یا تنش نیستیم؛ اما در شرایطی که این فرایند به شکل طبیعی اتفاق نیفتد، یعنی عرضه و تقاضا قیمت را تشکیل ندهند، موجب ایجاد رانت و فساد می‌شود؛ این مسئله‌ای است که در کشور ما اتفاق می‌افتد؛ یعنی قیمت ما در بازار بر اساس عرضه و تقاضا و در حالت تعادلی تعیین نمی‌شود؛ بلکه به صورت دستوری تعیین می‌شود که در نتیجه نظارت‌ها پیچیده می‌شود و مسائلی که الان وجود دارد، پیش می‌آید.

بنابراین شما این موضوع را تأیید می‌کنید که دخالت دستوری دولت‌ها در عرضه خودرو، بنگاه‌داری و سهام‌داری آنها عامل اصلی این نابه‌سامانی‌هاست؟

من این بحث را قبول دارم، اما آن را به شکل دیگری بیان می‌کنم؛ حتی اگر دولت بخواهد مداخله کند، می‌تواند به نوعی باشد که جلوی مشکلات را بگیرد. اگر یک شرکت خصوصی باشد، بر اساس مدل اقتصادی صحیح شکل می‌گیرد و آن بنگاه‌دار به دنبال افزایش سود خود است؛ در نتیجه کاهش قیمت تمام‌شده و افزایش تیراژ و عرضه را به دنبال دارد که همه این‌ها به صورت پیش‌فرض اتفاق می‌افتد؛ چراکه در روند فضای اقتصادی سالمی اتفاق می‌افتد؛ اما وقتی سیستم را دولتی می‌کنیم، به این معنا نیست که این اتفاق‌ها نمی‌افتد؛ دولت هم می‌تواند بنگاه اقتصادی باشد و فعالیت اقتصادی کند، کما اینکه خیلی از دولت‌ها در دنیا این کار را انجام می‌دهند و در کشور ما نیز می‌تواند این اتفاق بیفتد؛ اما آن چیزی که در کشور ما اتفاق می‌افتد، این است که شرکت‌های خودروساز ما نه دولتی هستند و نه خصوصی؛ در واقع بی‌متولی هستند و نه دولت تصدی خودروساز را بر عهده می‌گیرد و نه بخش خصوصی، و به نوعی یک بخش رهائنده است که در این شرایط نمی‌توان خیلی از این بازار انتظار داشت. درست است که می‌گوییم مداخله دولت وجود دارد، اما این مداخله به معنای تصدی دولت نیست. بنده با این راه‌کار موافق هستم که این خودروسازهای بزرگ ما صددرصد دولتی باشند و دولت



دکتر ابوالفضل خلخالی

تقویم انقلاب

عاقبت جریان لیبرال
سال ۱۳۶۰سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

بعد از پیروزی انقلاب، دو جریان فکری در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در تقویم تاریخی انقلاب به ثبت رسیده است. این دو جریان در روند مبارزه با یکدیگر در تعامل بودند و بعد از پیروزی انقلاب در کنار هم قرار گرفتند؛ یکی جریانی با اعتقاد به عملیاتی شدن قانون شرع اسلام، قابلیت اجرایی شدن دستورهای آن در اداره امور کشور، تقید به بهره‌برداری از متون اسلامی و حاکم کردن شرع و ارزش‌های اسلامی مطابق نیازمندی‌های زندگی و معیشت مردم؛ این جریان فکری، برگرفته از اندیشه امام خمینی (ره) و شاگردان و هم‌راهان ایشان بود و شخصیت‌های شاخصی، نظیر شهید مطهری و شهید بهشتی برای تحقق بخشیدن به این فکر در تلاش بودند. در مقابل، جریان دیگری معتقد بود قانون اسلام در این دوره قابلیت اجرا ندارد و نمی‌شود در حاکمیت و جامعه آن راهی جاری و ساری نمود و باید از راهی که جامعه جهانی آن را طی نموده است، الگو برداری کنیم؛ این فکر متعلق به گروه‌هایی، نظیر نهضت آزادی، جبهه ملی و طرفداران رئیس‌جمهور وقت «ابوالحسن بنی‌صدر» بود.

برخوردی تشویش‌ناک و استفاده مناقبتین از موقعیت بنی‌صدر موجب شد در تاریخ ۲۰ خرداد ماه ۱۳۶۰، امام طی پیامی کوتاه خطاب به ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بنویسند: «آقای ابوالحسن بنی‌صدر از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار شدند.» پس از این حکم در روز ۲۱ خرداد، گروهک مناقبتین اطلاعیه داد: «در این شرایط حمایت از شخص رئیس‌جمهور و حفاظت از جان او یک وظیفه مبرم انقلابی در سراسر کشور تلقی می‌شود.» این پیام نشان داد بنی‌صدر و مناقبتین متحدان جدانشدنی هستند و مدارک به‌دست‌آمده از خانه‌های تیمی مناقبتین این موضوع را تأیید می‌کند. جبهه ملی در روز ۲۵ خرداد مردم را برای راهپیمایی فراخواند. امام خمینی (ره) همان روز، در دیدار با جمعی از علما و روحانیون استان مازندران صریحاً شرکت در راهپیمایی را نفی نمودند و جبهه ملی را مرتد خواندند و به نهضت آزادی توصیه کردند راه خود را مشخص نماید؛ در پی این وضعیت، بلافاصله همه گروه‌ها و نهادهای انقلابی خود را برای رویارویی با راهپیمایی آماده نمودند. امام (ره) در ادامه سخنان‌شان فرمودند: «من متأثرم که اینها با دست خودشان گورشان را کنند. من نمی‌خواهم این‌طور بشود. من حالا هم توبه را قبول می‌کنم؛ اسلام توبه را قبول می‌کند. جبهه ملی محکوم به ارتداد است. نهضت آزادی همین بعد از ظهر از رادیو اعلام کند این اطلاعیه جبهه ملی کفرآمیز است.» امام (ره) سعی نمودند با هدایت، آنها را به خدمت ملت درآورند؛ اما مناقبتین و بنی‌صدر نظرات امام (ره) را موضع ضعف تحلیل کردند. عصر روز ۲۵ خرداد ۱۳۶۰، طوفان حزب‌الله فرا رسید و یک‌باره راهپیمایی راعلیه بنی‌صدر، جبهه ملی و اتحاد ضد انقلاب برگرداند و شعار «ملی‌ها کوشند؟ تو سوراخ موشند» همان روز بر زبان حزب‌الله جاری شد و از حنجره عاشقان انقلاب چون غرش رعد برخاست. عاقبت، جریان لیبرال داخل حاکمیت از همه راه‌ها رانده و از همه جا مانده شد.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

نظام‌های سیاسی آن‌گاه خواهند توانست با تمام توان در مسیر پیشرفت و توسعه کشور و غلبه بر مشکلات قدم بگذارند که مردم با همه توان از مسئولان و کارگزاران حمایت کنند و به ایشان اعتماد داشته باشند؛ به‌واقع هر چقدر شکاف بین دولت و مردم تنگ‌تر باشد، نظام سیاسی از اقتدار بیشتری برخوردار است و هر چقدر دیواری اعتماد بین مردم و دولتمردان مرتفع‌تر شود، آن حکومت مشروعیت و اقتدار خود را متزلزل خواهد یافت.

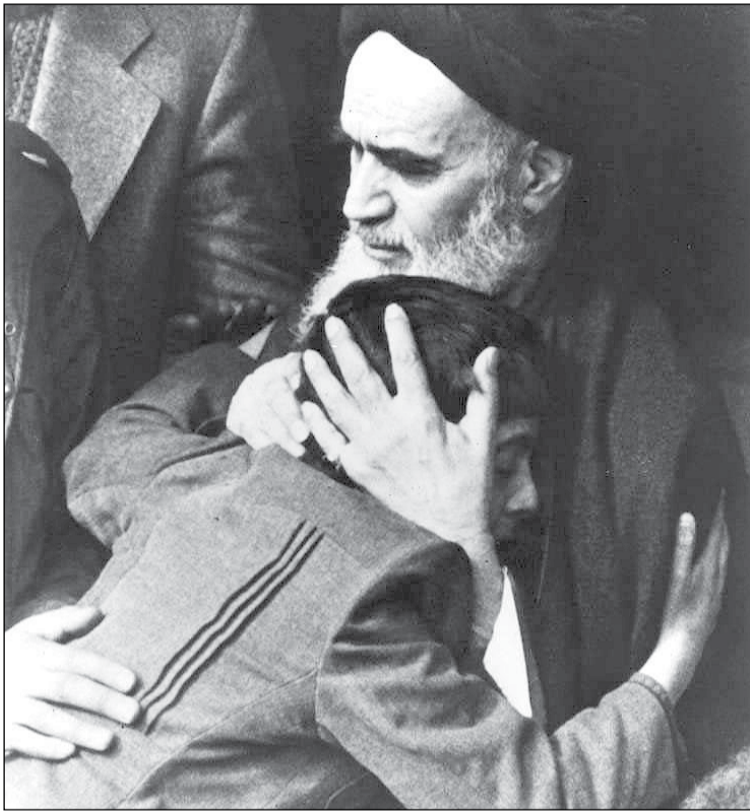
حضرت امام (ره) به خوبی به این قاعده و سنت الهی آگاه بودند و به همین علت با همه توان، با تمسک به راه‌کارهای ارائه‌شده در آموزه‌های دینی، در مسیر جلب اعتماد ملت قدم گذاشتند و توانستند اعتماد ایشان را جلب کنند و همین اعتماد مردم به ایشان بود که ثمره ارزشمند نهضت اسلامی ملت ایران را به بار نشاند؛ به‌واقع حاصل چنین باوری به ملت، که هم در نظر و هم در عمل خود را عیان کرده بود، این بود که ملت نیز کاملاً به امام (ره) اعتماد کردند و از ایشان مردمی‌ترین رهبر تاریخ ایران زمین را ساختند. به فرموده حکیم انقلاب اسلامی: «امام (ره)، ملت را به صحنه آورد، به مردم اعتماد کرد. وقتی او به مردم اعتماد کرد، مردم هم به او اعتماد کردند.» (۱۳۸۵/۵/۳۱)

این اعتماد، البته، محصول اخلاص، صداقت، شجاعت و کارآمدی امام (ره) بود که با خود محبوبیت و اعتبار آورده بود. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، امام (ره) از جنس مردم بودند و درد آنان را می‌شناختند و به زبان آنان سخن می‌گفتند. ایشان با زبانی ساده و خودمانی، پیچیده‌ترین مبانی اعتقادی و مسائل سیاسی را با مردم ساده‌کوجه و بازار در میان می‌گذاشتند و قدم به قدم جامعه را به سوی بیداری پیش می‌بردند و مردم نیز در سخنان ایشان گم‌شده فطرت خود، یعنی عزت، استقلال و خداجویی را می‌یافتند و این چنین بود که امام خمینی (ره) برای ملت ایران چون جانی برای کالبدی خاکی شدند که فقط با ایشان زندگی و نشاط ممکن می‌شد.

در همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی،

مردمی‌ترین رهبر

اعتراف مخالفان به پشتوانه مردمی حضرت امام خمینی (ره)



امروز شما را بین شاه و امام خمینی مخیر کنند، کدام‌شان را می‌پذیرید؟»، پاسخ داد: «اگر فرض کنیم که هیچ اختیاری نداشته باشیم، جز اینکه یا شاه یا آقای خمینی، یکی را انتخاب کنیم، بنده صددرصد آقای خمینی را انتخاب می‌کنم؛ برای اینکه آقای خمینی، مردمی‌ترین رهبری بود که در تاریخ این کشور ظهور کرد. شما فقط کافی است که استقبال از او و بدرقه او را ببینید. ما در تاریخ ایران هیچ رهبری را نداریم که این‌طور در دل مردم جا داشته باشد. شاه که هیچ، پدرجد شاه هم خواب این جور پشتیبانی مردمی را نمی‌دید. مردم به هر حال یک چیزی دیده بودند، نشانه یک عشقی بود، نشانه یک عاطفه‌ای بود که معطوف به یک رهبری می‌شد که دوستش داشتند؛ در او چیزی دیده بودند. خمینی باسوادترین رهبر این کشور بوده تاکنون؛ از ایام اولیه حکومت هخامنشیان تا

«مهندس مهدی بازرگان» در مصاحبه‌ای با «اورینا فالچی» روزنامه‌نگار ایتالیایی اعتراف می‌کند: «امام خمینی و توده یک‌جور فکر می‌کنند، با یک منطق سخن می‌گویند؛ با یک اشاره ایشان ملت می‌فهمد امام چه می‌خواهند.»

«ابوالحسن بنی‌صدر» درباره شخصیت امام (ره) معتقد است: «امام قطعاً در تاریخ ما اگر بی‌نظیر نیست، حتماً بسیار کم‌نظیر است و من بدون اینکه شائبه‌ای وجود داشته باشد، به عنوان یک فرزند امام می‌گویم که شاید در تاریخ ما بی‌نظیر است که یک انسانی توانسته باشد یک ملتی را به همکاری بخواهد.»

۴۰ سال بعد نیز «عبدالکریم سروش» که خود از مخالفان و منتقدان گفتمان سیاسی حضرت امام (ره) به حساب می‌آید، به این حقیقت اعتراف می‌کند؛ وی در پاسخ به این پرسش که «اگر

روزگار حاضر هیچ کس به لحاظ علمی به پای او نمی‌رسید.»

سروش دلایلش را این‌طور برشمرد: «برای اینکه اولاً، فقیه درجه‌اولی بود، عرفان هم خواننده بود، فلسفه هم خواننده بود. شاه قبل از آقای خمینی که بود؟ یک جوان ۲۰ ساله که از سونیس بلند شد آمد ایران پادشاه شد. بعد از پادشاهی‌اش که درس و مکتب و مدرسه‌ای نبود؛ قبلش هم حداکثر یک دیپلم، اگر آن دیپلم را هم داشت، من خیر ندارم. سوادی نداشت. پادشاهان قبل از او چی؟ این را تواریخ برای ما نوشتند، اینها خواندن و نوشتن بلد نبودند. آن‌قدر فاصله زیاد است که لازم نیست ما بخواهیم شاهد تاریخی بیابوریم. نه فقط در ایران، شما سراغ پادشاهان انگلستان و فرانسه بروید؛ اینها آدم‌های با فکر، با علم و باسوادی نبودند. در تاریخ ما آقای خمینی واقعاً یک نمونه بی‌نظیر بود در مقام حکومت‌داری. خمینی سابقه خوبی داشت. در گذشته او هیچ چیز ناپاکی وجود نداشت؛ نه مال مردمی را خورده بود، نه آدمی را کشته بود، نه تجاوزی به حق کسی کرده بود، هیچ کدام اینها نبود. مرد شجاعی بود. ما آدم شجاع در تاریخ خودمان کم داشتیم؛ آدم قلدر داشتیم، ولی شجاعت یک فضیلت اخلاقی است؛ این غیر از این است که شما زورتان زیاد باشد. نادرشاه هم آدم قلدری بود؛ ولی شجاعت اصلاً حرف دیگری است. اختناق و خفقانی در زمان شاه بود که کسی جرئت سخن گفتن نداشت، یک کسی از قم برمی‌خاست و فریاد می‌کشید و مقابل حکومت شاه می‌ایستاد و می‌گفت من سینه‌ام را برای سرنیزه‌های شاه آماده کرده‌ام؛ این چه میزانی از شجاعت لازم دارد؟ بین شاه یا خمینی اصلاً جای مقایسه نیست. چه نسبت خاک را با عالم پاک؟ این کسانی که الان مدعی رهبری خارج از کشور هستند، تهی‌دست تهی مغز هستند. آخه شما یک چک خورده باشید، بعد ادعای رهبری کنید.»

این اعتماد مردم تا پایان عمر حضرت امام (ره) در عالی‌ترین سطح ممکن باقی ماند و تشییع جنازه باشکوه ایشان که تاریخ بشریت همتای آن را به خاطر ندارد، سند معتبری بر بقای این اعتماد بود. به‌واقع، ملت ایران همان‌طور که در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به استقبال امام آمدند، در نیمه خرداد ماه ۱۳۶۸ نیز همان‌گونه برای وداع با ایشان رفته بودند.

حافظه

جنابات فرانسوی‌ها در قاره آفریقا

کمپانی ساحل طلا

سکوتوره بر عهده داشت. در سال ۱۹۵۸، وقتی اهل گینه تصمیم گرفتند از زیر چتر امپراتوری استعماری فرانسه بیرون بیایند و استقلال این کشور را برگزینند، نخبگان استعماری فرانسه در پاریس از این بابت خشمگین شدند و در یک اقدام خشن تاریخی از عوامل خود در گینه خواستند در تمام این کشور، هر چیز که در نظر آنان بازممانده مزایای استعمار فرانسه بود، در هم بشکنند. سه‌هزار فرانسوی این کشور را ترک کردند، تمام دارایی‌های خود را بردند و هر آنچه قابل جابه‌جایی نبود، خراب کردند؛ مدرسه‌ها، مهدکودک‌ها، ساختمان‌های اداری-دولتی، اوتومبیل‌ها، کتاب‌ها، داروها، ابزارهای مؤسسه پژوهشی و تراکتورها ویران و خراب شدند؛ اسب‌ها و گاوها در مزارع کشته شدند و موادغذایی ذخیره‌شده در انبارها سوزانده یا مسموم شدند.

احمد سکوتوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رابطه خوبی با جمهوری اسلامی داشت. امام خامنه‌ای درباره وی چنین گفته است: «در دوره جنگ تحمیلی، شخصیت‌های متعددی به ایران می‌آمدند و می‌رفتند. یکی از شخصیت‌هایی که من او را فراموش نمی‌کنم، احمد سکوتوره است. او رئیس‌جمهور گینه کوناکری در غرب آفریقا و یکی از شخصیت‌های برجسته و بسیار محترم در قاره آفریقا بود... در زمان ریاست‌جمهوری و آن دوره‌ای که بنده در سیاست خارجی به‌طور اجرایی و عملی فعال بودم، از رجال سیاسی دنیا، کمتر شخصیتی را به قوت او دیدم.» (۱۳۸۰/۸/۱۲)

«جمهوری گینه» کشوری در شمال غربی آفریقا، در سواحل اقیانوس اطلس و پایتخت آن کوناکری است. این کشور در قدیم به یک رشته از پادشاهی‌های آفریقایی تعلق داشت. سده‌ها پیش، کشور گینه و مناطق مالی و سنگال امپراتوری بزرگی را تشکیل می‌دادند که از میان رفت. در سده ۱۵ میلادی، پرتغالی‌ها وارد این سرزمین شدند و در آن حکومت کردند. در سده ۱۷ میلادی، دولت اسلامی فولانی در منطقه «فوتالون» تشکیل شد.

حمله سپاهیان فرانسه به سرزمین گینه در غرب آفریقا در ۲۴ دسامبر ۱۸۴۹، مقدمه تسخیر این سرزمین زرخیز بود. قبل از این حمله، شرکتی تجاری به نام «کمپانی ساحل طلا» در گینه ایجاد شده بود که زمینه را برای ورود قوای فرانسه به این سرزمین فراهم کرد. پس از آن، دولت فرانسه پایگاه‌هایی در این منطقه ساخت و با انعقاد پیمان‌های متعدد با دیگر دولت‌های اروپایی، موقعیت خود را در گینه مستحکم کرد. به گفته «والتر رادنی»، در سال ۱۸۶۰ دولت فرانسه با حمله‌گری رؤسای ساحلی گینه را فریفت و به داخل گینه نفوذ کرد و در نهایت، سال ۱۹۱۱ تمام گینه مستعمره فرانسه شد. بعد از چند دهه، سرانجام مردم گینه در یک همه‌پرسی در سال ۱۹۵۸، خواستار رهایی از سلطه فرانسه شدند و گینه در ۲ اکتبر همان سال به استقلال رسید و «احمد سکوتوره» در روز ۱۵ ژانویه سال ۱۹۵۹ میلادی به ریاست‌جمهوری این کشور انتخاب شد. رهبری مبارزه برای استقلال گینه را احمد

دهلیز

تکاپوی رژیم پهلوی برای اسلام‌زدایی و اقتدارگرایی

سیاست تحقیر روحانیت

بیمارستان و مؤسسات بزرگ دارند و خیلی خدمت به مردم می‌کنند؛ اما در ایران روحانیون هیچ خدمتی از این دست ندارند.

گفتم: آقای پاکروان، اصل مطلب را بگوییم؟ گفت: بگویید. گفتم: آقای پساپ، رئیس روحانیت آیین مسیح مورد احترام تمامی سران کشورهای اروپایی و آمریکایی است. هر وقت رئیس‌جمهور یا رئیس‌الوزاری به رم می‌رود، به واتیکان هم می‌رود و به حضور پاپ می‌رسد، زانو می‌زند، احترام و ادب می‌کند و به کلیسا می‌رود. از طرفی تمام اموال و موقوفات دینی در دست کلیسا و روحانیون است. تمام مؤسسات آنها در اختیار خودشان است و کلیساها کاملاً در اختیار اعضا و کشیشان است. زمانی که در آلمان بودم، به من گفتند حتی دولت از حقوق بعضی کارکنان ماهانه پنج مارک به حساب کلیسا کم می‌کند و همه را به حساب مرجع روحانیت خود به خزانه‌داری می‌دهد؛ اما در ایران چندین سال است که عبا و قبای علما را قیچی کرده و موقوفات آنها را تصرف کرده‌اید. حتی بعضی از مساجد را ویران کرده‌اید. مدت‌های مدید است که مشاغل مخصوص روحانیون را از آنها گرفته‌اید؛ روحانیون محضر شرعی داشتند، دفتر اسناد و املاک و قبایله ازدواج و طلاق داشتند، خرید و فروش ملک به امضای آنها بود؛ شما همه را در ردیف دفتر اسناد رسمی گذاشتید و سرانجام به عنوان مفت‌خور و کلاش و عناوین دیگر آنها را مورد امانت قرار دادید.»



کرونا و دینامیسم هندسه قدرت

مصطفی قربانی

کارشناس سیاسی

چندی پیش، رهبر معظم انقلاب در خلال بیانات‌شان در ارتباط تصویری با ستاد ملی مبارزه با کرونا، با اشاره به ناتوانی غربی‌ها در کنترل اپیدمی کرونا، از «شکست غرب در آزمون جهانی مقابله با کرونا» سخن گفتند و فرمودند: «غربی‌ها انصافاً در این آزمون بین‌المللی شکست خوردند؛ در توانایی‌های مدیریتی‌شان شکست خوردند. با اینکه بیش از یک ماه دیرتر از کشورهای دیگر ابتلا پیدا کردند و فرصت آماده‌سازی داشتند، در عین حال نتوانستند مواجهه را آن‌چنان که باید و شاید ترتیب بدهند... در فلسفه اجتماعی هم شکست خوردند؛ فلسفه مادی که همه چیز را با پول محاسبه می‌کند. نوع نگاه اینها به کسانی که فایده مالی برای کشورشان ندارند، مانند سالمندان و... اینها را در دنیا انگشت‌نما کرد.»

به نظر می‌رسد شکست غرب در مقابله با کرونا فقط شامل شکست به معنای ناتوانی در کنترل این اپیدمی نیست، بلکه شکست در برخی بنیان‌های فلسفی، فکری و تمدنی نیز هست؛ به عبارتی، این شکست حداقل دارای دو بُعد مادی-عملی و فکری-فلسفی است.

هژمونی غرب در مدیریت بحران

اساساً، هیچ تمدنی در روند شکل‌گیری، صعود و دست یافتن به موقعیت هژمونیک، بدون توانایی گذر از بحران توانسته است به موقعیت برتری و سلطه در جهان دست یابد. درباره تمدن غرب نیز باید گفت یکی از مهم‌ترین دلایل نفوذ و گسترده‌گی جهانی این تمدن، در تلقی‌ای است که معتقد بود توانایی عبور از بحران‌ها را دارد؛ برای نمونه وقتی «کارل مارکس» به طور دقیق پیش‌بینی کرد پس از توسعه و اوج‌گیری نظام سرمایه‌داری، لاجرم انقلاب‌های کمونیستی رخ خواهند داد، کشورهای غربی با درک این هشدار دقیق مارکس، با تعدیل لیبرالیسم و آمیختن نسبی آن با سوسیالیسم، از بحرانی که مارکس پیش‌بینی کرده بود، خود را نجات دادند؛ به گونه‌ای که انقلاب‌های

کمونیستی نه در نظام‌های سرمایه‌داری، بلکه به طور عمده در جهان سوم صورت گرفت. نمونه دیگر، بحران مالی ۱۹۲۹-۱۹۲۸ میلادی است که با وجود سهمگین بودن، کشورهای غربی به راحتی توانستند از آن عبور کنند. در این میان، فقط دو کشور آلمان و ایتالیا بودند که با وجود توانایی فوق‌العاده در مدیریت بحران مذکور، در اثر پیامدهای آن گرفتار نازیسم و فاشیسم شدند. از جنگ جهانی اول و دوم هم باید به عنوان دو بحران بسیار بزرگ نام برد که کشورهای غربی را درگیر خود کردند؛ اما در نهایت و با وجود همه خسارت‌هایی که این جنگ‌ها برای کشورهای غربی به بار آوردند، ماحصل آنها تداوم روزافزون تمدن غرب و دست‌یابی کشورهای غربی به موقعیت برتر و بالاتر در مقایسه با سایر کشورها بود.

سایه هژمونی بحران بر تمدن غرب

بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ در غرب و ناتوانی در گذر موفق از این بحران، با وجود گذشت بیش از یک دهه، به نظر می‌رسد از توانایی غربی‌ها برای عبور از بحران‌ها کاسته شده است. جالب آنکه در شرایطی که غرب هنوز از بحران مالی سال ۲۰۰۸ عبور نکرده، با همه‌گیری کرونا مواجه شده و در مواجهه با آن هم تاکنون کارنامه‌ای ضعیف و غیرقابل دفاع ارائه کرده است؛ البته نباید فراموش کرد برخی کشورهای غربی در فاصله بحران سال ۲۰۰۸ تا فراگیری کرونا، با تحولاتی متفاوت با گذشته رویه‌ور بوده‌اند؛ مانند خروج انگلیس از اتحادیه اروپا (برگزیت) و وقوع اعتراض‌های جلیقه‌زرها در فرانسه که هر دوی آنها هنوز هم بدون نتیجه مشخص باقی مانده‌اند؛ بنابراین به نظر می‌رسد غربی‌ها در مقایسه با گذشته، دیگر نه تنها از توانایی لازم و کافی برای خاتمه دادن و عبور موفق از بحران‌ها برخوردار نیستند، بلکه در جنبه هژمونی بحران، با چالش هویت و قدرت مدیریت دست و پنجه نرم می‌کنند.

وجه دیگر شکست غرب، به شکست در اعتبار بخشی و صحت برخی بنیان‌های فکری-فلسفی آنها برمی‌گردد؛ در واقع، بنیان‌های انسان‌شناسی غرب، مانند مطلق دانستن بشر، ارباب واقعیت و محور هستی دانستن انسان، تک‌ساحتی دیدن وی و... به دلیل ناتوانی در مقابله با ویروس کرونا دچار

خنده جدی شده است؛ زیرا انسان اگر آن‌گونه که در بنیان‌های فکری-فلسفی غرب تصور می‌شود، قادر مطلق باشد، باید توانایی حل همه مسائل خود را داشته باشد و در مقابل ویروسی که اندازه‌اش به میلی‌متر هم نمی‌رسد، این‌گونه در مانده نشود، یا اگر انسان فقط دارای بُعد مادی بود، بلافاصله با همه‌گیری کرونا به دعا و تضرع به درگاه خدا در کلیساها و کنیسه‌ها رو نمی‌آورد.

ناکارآمدی فلسفه اجتماعی غرب

در ارتباط با فلسفه اجتماعی غرب هم باید گفت، ناکارآمدی این بُعد نیز بر مبنای سایر بنیان‌های فلسفی غرب، به اثبات رسیده است؛ زیرا اگر فلسفه اجتماعی غرب متقن، معتبر و نسخه‌ای برای همه مکان‌ها و زمان‌ها بود، امروز در مواجهه با اپیدمی کرونا، جوامع غربی باید کمترین آسیب‌پذیری را می‌داشتند. گفتنی است، «تقسیم کار اجتماعی، تخصصی شدن و انفکاک ساختاری» یکی از مهم‌ترین مبانی فلسفه اجتماعی و جامعه‌شناختی غرب است؛ جامعه‌ای با این ویژگی‌ها، اگرچه در شرایط عادی توانایی سیستم‌سازی دارد، اما در شرایط بحران به شدت آسیب‌پذیر است؛ زیرا تخصصی شدن رادیکال، اجازه شکل‌گیری حرکت‌های جهادی، ایثار و فداکاری را نمی‌دهد و اگر هم چنین مواردی در جوامع غربی وجود دارد، بر خاسته از وجدان بیدار برخی انسان‌ها در غرب است، وگرنه ساختارهای اجتماعی، مشوق و محرک آنها برای فداکاری و اقدامات انسان‌دوستانه نیستند. مجموع این تحولات نشان می‌دهد در برتری مبانی فلسفی غرب باید دچار تردید شد؛ این نکته بدون شک از دید آگاهان و اندیشمندان مغفول نخواهد ماند.

به نظر می‌رسد با توجه به تحولات مذکور، هندسه قدرت نظام جهانی، اکنون در حال تجربه نوعی تغییر و تحول باشد؛ توضیح آنکه به تعبیر رهبر معظم انقلاب، هندسه قدرت نظام جهانی دارای پایه فکری و ارزشی و پایه عملی است؛ «آن پایه اخلاقی و فکری عبارت بود از ادعای برتری فکری و ارزشی غرب» و «در بخش دوم که بخش

عملی است- که پایه دوم قدرت غرب و تسلط غرب بر مدیریت جهان بود- مسئله توانایی‌های سیاسی و نظامی (مطرح می‌شود)؛ بر این اساس از آنجا که با بحران کرونا، هم برخی برتری‌های فکری-ارزشی غرب دچار خدشه شده‌اند و هم برتری عملی آن با شکست مواجه شده است، می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً هندسه قدرت نظام جهانی، دینامیسمی هرچند گسند را تجربه خواهد کرد؛ البته باید توجه داشت در ارتباط با نقش کرونا در این میان نباید دچار غلو شد؛ در واقع، آنچه در اثر کرونا از غرب نمایان شد، حقایق و واقعیت‌هایی است که بن‌بست بسیاری از آنها، پیش‌تر از این هم ثابت شده بود؛ اما در این میان، بحران کرونا در برجسته‌سازی و باورپذیری بن‌بست‌های مذکور تأثیر جدی داشته است.



سیاست نامه

اندیشه سیاسی علامه نائینی - ۵

گونه‌شناسی حکومت و

رد استبداد

فتح‌الله پریشان

دبیر گروه اندیشه

همان‌گونه که در شماره پیشین اشاره شد، میرزای نائینی پس از طرح بحثی مبسوط و استدلالی درباره بایستگی تأسیس حکومت، درباره چگونگی حکومت و بنیان‌گذاری حکومتی شایسته بحث می‌کند و پس از تقسیم حکومت به استبدادی و مشروطه، تبدیل حکومت استبدادی به مشروطه را سفارش می‌کند و آن را در روزگار خود بهترین گونه حکومت ممکن می‌شمارد. از دیدگاه وی، حاکم در چگونگی حاکمیت دوگونه است: الف- تدلیک که با واژگانی همچون دل‌بخوانانه، خودسرانه، استبدادیه (برده ساختن)، استغاثیه (اجباری)، تسلطیه، تحکیمه و استبدادیه از آن یاد می‌کند؛ ب- ولایتیه که با واژه‌هایی چون مقیده، محلوده، عادل، دستوریه، مسنوله و مشروطه از آن یاد می‌کند. نائینی واژه‌های گوناگونی را به کار می‌گیرد تا شیوه حکومت استبدادی را توصیف کند. او پس از شناساندن چنین نظامی و نسبت دادن صفت‌های گوناگونی به آن، سرانجام واژه استبداد را برمی‌گزیند و آن را بارها به کار می‌برد.

مطابق با دیدگاه علامه نائینی در کتاب «تنبیه‌الامه» حاکم مستبد، کشور و مردم را از اموال شخصی خود به شمار می‌آورد و با مردم به سان بردگان، بلکه حیوان‌هایی که باید خواسته‌های او را برآورند، رفتار می‌کند؛ بر این اساس هر آنکه در رساندن وی به هدف تلاش ورزد، از نزدیکان می‌شود و هر فردی را ناسازگار با هدف‌های خود یابد، تبعید یا نابودش می‌کند. از نظر نائینی، در چنین نظامی شدت و ضعف استبداد و ظلم به ویژگی‌های شخصی حاکم و افراد پیرامون وی از یک سو، و میزان و حدود آگاهی مردم از حقوق خود و وظایف حکومت از سوی دیگر، بستگی دارد.

نائینی برای بدی استبداد و نامشروعی آن به پیامدهای زبان‌بار حکومت استبدادی و تجربه تاریخی صدر اسلام اشاره می‌کند و سرمنشأ بدی‌ها و زشتی‌های خانمان برانداز، ستم، تجاوز به حقوق مردم، کژی‌ها و کژراهه‌های مذهبی، هرج‌ومرج‌ها و... را که تا عصر خود دامن‌گیر ملت ایران شده بود، حکومت استبدادی می‌داند و عامل گسترش اسلام در صدر اسلام را به برکت حکومت بر اساس شورا و احترام به دیدگاه‌ها می‌داند که با آمدن بنی‌امیه تاروپود آن در هم پیچیده شد و مردمان به دوران جاهلیت برگردانده شدند.

مبانی نظری نائینی در نامشروع بودن حکومت استبدادی را می‌توان در استنادات وی به آیات قرآن کریم و روایات و احادیث رسیده از معصومان (ع) جست‌وجو کرد.

سپس نائینی به روایات و احادیثی از ائمه (ع) به ویژه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه و خطابه‌های امام حسین (ع) در برابر سپاه یزید نیز استناد می‌جوید؛ از جمله به بخشی از خطابه آن حضرت در روز عاشورا، هنگامی که سران کوفه پیشنهاد کردند به حکم پسرعمویت تن بده (انزل علی حکم بنی عتک) و خود را تسلیم کن. آن حضرت در پاسخ، ابتدا به حکومت استبدادی بنی‌امیه و جنایات آنان اشاره می‌کند و تن دادن به خواست آنان را بندگی می‌داند.

آفاق

نظریه نظام انقلابی - ۶

انقلاب اسلامی در نظریه نظام انقلابی

محسن محمدی الموتی

استادیار مجتمع آموزش عالی شهید مطهری (ره)



حزب یا جریان خاص، بلکه محصول تلاش و خواسته ملت مسلمان ایران می‌دانستند. عدم وابستگی به جریان‌های فکری و ساختار دو ابرقدرت شرق و غرب، از دیگر نکات برجسته در اندیشه امام‌راحل بود و ایشان انقلاب اسلامی را از هرگونه وابستگی غیرتوحیدی رها می‌خواستند؛ به همین ترتیب به عدالت اجتماعی، حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت اخلاقی و... در فرمایش‌های امام (ره) مکرراً تأکید شده است. رهبر معظم انقلاب با تأسی از سیره امام‌راحل (ره) انقلاب اسلامی را پایگاهی برای نجات دنیا از فساد، تباهی و رنج‌های روحی مردم می‌دانند که با این هدف، کعبه آمل و آرزوهای مستضعفان جهان است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، انقلاب یک حرف جامعه را مقدمه لازم برای تحقق انقلاب اسلامی می‌دانستند؛ از این رو علاوه بر تحول اساسی در تمام ارکان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بر جنبه‌های معنوی و محتوایی انقلاب، مانند تحول فکری، عقیدتی و فرهنگی تأکید داشتند. از نگاه امام خمینی (ره) برخی انقلاب‌ها به دنبال تغییر قدرت سیاسی هستند، درحالی‌که انقلاب اسلامی ایران علاوه بر انتقال قدرت، خواهان ایجاد تغییرات بنیادین در ارزش‌ها و دگرگونی در تمام ابعاد وجودی جامعه و فرد بود. علاوه بر این، حضرت امام (ره) بر خاستگاه مردمی انقلاب به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی تأکید داشتند؛ ایشان انقلاب اسلامی را نه محصول

ریزش‌ها

فراز و فرود بهزاد نبوی - ۴

متهم پرونده ۸ شهریور

شهید می‌سازد. بسیار ساده‌لوحانه است اگر گمان کنیم این اشتباه سهواً پدید آمده که تکه‌هایی به عنوان تکه‌های بدن «کشمیری» در یک کیسه پلاستیکی جمع شده که با عنوان شهید کشمیری مطرح شود، ولی جسد سالم برادر شهیدمان «دفتریان» تا ۴۸ ساعت به عنوان یکی از شهدای حادثه، اعلام نشود. شهید «لاجوردی» جزو افرادی بود که همواره اعتقاد داشت مجرم اصلی و کلیدی در پرونده ۸ شهریور، شخص بهزاد نبوی و تیم وی در دفتر اطلاعات نخست‌وزیری است...»

در نتیجه امام (ره) با توجه به شرایط حساس کشور در سال ۱۳۶۰ و شدت گرفتن درگیری‌های جمهوری اسلامی در دو جبهه داخلی (گروهک‌ها) و خارجی (جنگ با عراق) و همچنین پیچیدگی پرونده که می‌توانست ابهامات بیشتری به وجود آورد، ادامه رسیدگی به این پرونده در آن سال‌ها به صلاح ندانستند و آن را مختومه اعلام کردند.

شهید لاجوردی در زمان رسیدگی به پرونده ۸ شهریور، با دستگیری برخی عناصر مشکوک به سرعت به هسته اصلی طراحان این فاجعه نزدیک می‌شد؛ از جمله دستگیرشدگان فردی به نام «تقی محمدی» بود که نزدیک‌ترین فرد به کشمیری دانسته می‌شد و می‌توانست اطلاعات ذی‌قیمتی را درباره طراحان اصلی ترور شهیدان باهنر و رجایی در اختیار قرار دهد؛ اما در همان روزهای اولیه پس از دستگیری به صورت مشکوکی در سلول خود به قتل رسید.

پرونده ترور شهیدان «رجایی» و «باهنر» از جمله مسائل و پرونده‌هایی است که با نام بهزاد نبوی گره خورده است. در روز ۸ شهریور ۱۳۶۰، ساعت ۳ بعدازظهر و در جلسه شورای امنیت ملی، ضبط‌صوت بزرگ کشمیری که مخصوص ضبط جلسات بود، درست نزدیک رجایی و باهنر قرار گرفت و در اثنای جلسه منفجر و موجب شهادت رجایی و باهنر شد. بهزاد نبوی حکایت مظنون بودنش را در واقعه انفجار دفتر نخست‌وزیری به این صورت بیان می‌کند: «قرار بود من به عنوان سخن‌گویی دولت مصاحبه کنم و برای اینکه این امر موجب تضعیف روحیه رزمندگانی که قرار بود فردا حصر آبادان را بشکنند، نشود، این موضوع را برملا نکنم... البته بعدها با استفاده از این سخنان علیه من پرونده‌سازی شد؛ ضمن اینکه آن مصاحبه هم خاصیتی نداشت و رزمندگان از این جریان مطلع شدند.»

باید در نظر داشت صرفاً سخنان بهزاد نبوی نبود که علیه وی شک و شبهه ایجاد می‌کرد، بلکه مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهای وی تردیدبرانگیز بود. امام جمعه موقت تهران «آیت‌الله امامی‌کاشانی» در خاطراتش که در ماهنامه «شاهد یاران» به چاپ رسیده است، می‌گوید: «این سؤال پیوسته مطرح خواهد شد که عوامل نفوذی چگونه توانستند در این سطح رسوخ کنند... اندکی دقت نشان می‌دهد که وسعت اقدامات این گروه تا بدان پایه است که از عوامل واقعی جنایت دفتر نخست‌وزیری،

داستان

سنگ کوچک



نقیسه محمدی نویسنده

روز روز از دردرس و سختی را پشت سر گذاشته بودم. روزهای بعد از تعطیلات فشرده و پرکار بود؛ پر از ارباب رجوع، کارهای متفاوت و بدو بدو، خستگی چندبرابر و طبق معمول نه تشویقی، نه اضافه حقوقی. همین فکرها بیشتر آرام می داد. این وسط گاهی هم اتفاقی می افتاد که اوضاع خراب تر می شد. پرونده آقای ملکی که اتفاقاً آدم بدقلقی هم بود، بسا ده، دوازده پرونده دیگر روی میزم بود و دستم ناگهان به لیوان چایی خورد و اتفاقی که نباید می افتاد، افتاد. حس اینکه ارباب رجوع فکر کند آدم سلخته ای هستم، کلافه ام کرده بود. بدتر اینکه همان لحظه آقای ملکی رسید و دادوهور راه انداخت که بیشتر دوستان و همکارانم از اتاق های شان بیرون آمدند و هر کدام چیزی گفتند تا اوضاع را آرام کنند. یک لحظه دلم می خواست از اداره فرار کنم و چند ساعتی خیابان ها را زیرورو کنم.

به هر حال زیر بار فشارهای متفاوت، کارها انجام شد و با هر سختی که بود خودم را به خانه رساندم. خیلی کوتاه سلام کردم و دست هایم را شسته نشستم، کنار سفره نشستم. به غذا خوردن در اداره علاقه ای نداشتم و هرطور بود خودم را به خانه می رساندم. محبوبه ایسن روزها را خوب می شناخت، وقتی می فهمید از چیزی عصبانی و دلخورم، سکوت می کرد و به قول خودش سعی می کرد بپانه ای دستم ندهد. امین و سارا نبودند؛ یعنی معمولاً تا ساعت چهار کسی نمی ماند تا با من غذا بخورد، جز خود محبوبه. غذا را جلویم گذاشت. عدس پلو که دورتادورش را با خرما و کشمش تزئین کرده بود. بوی خوبی هم داشت. باعجله شروع به خوردن کردم، قاشق دوم را نخورده چیزی زیر دندانم صدا داد. همین جرقه کافی بود تا منفجر شوم. تکه سنگ کوچکی که احتمالاً محبوبه موقع پخت غذا ندیده و حالا زیر دندان من بود. باعصبانیت بشقابم را کج کردم توی سفره و مثل آقای ملکی چنان دادوبیدادی راه انداختم که کم مانده بود همسایه ها ماجرا را بفهمند. رتم توی اتاق و در را محکم بستم. به زمین و زمان و شلختگی محبوبه کلی بدویبره گفتم.

دقیق نمی دانم چقدر گذشت که بچه ها آمدند. صدای پیچ پیچ های شان را می شنیدم و خودخوری می کردم، انگار هنوز حرص خالی نشده بود. سارا، دخترم با بغض پرسید: «به خاطر همین سنگ کوچولو؟» می خواستم در اتاق را باز کنم و باز هم فریاد بکشم. اما جمله سارا خیلی معنا داشت. به خاطر سنگ کوچکی همه چیز را سر محبوبه خالی کرده بودم. مگر چقدر سخت بود تحمل این سنگ چند میلیمتری؟ چقدر می توانست نقش منفی در زندگی من داشته باشد؟ من که از رفتار ناشایست ارباب رجوع آن قدر به هم ریخته بودم، همان رفتار را با عزیزانم داشتم. بارها با خود تمرین کرده بودم که جلوی زیانم را بگیرم، اما باز هم موفق نشدم. باپشیمانی در را باز کردم. سفره جمع شده بود. سارا داشت ناشایانه بشقاب ها را روی میز می چید، با صدای در به سمت برگشت و دستپاچه گفت: «تولدت مبارک بابا...»

امین به خاطر لور رفتن جشن تولدم آه بلندی کشید و به مادرش نگاه کرد. باید سنگ کوچکی را که بین ما فاصله انداخته بود با کوه محبت عوض می کردم.

بورس و پیامدهای اجتماعی



حمیدرضا حیدری روزنامه نگار



بورس پدیده ای جدید و عجیب و غریب در ایران نیست؛ در واقع، بیش از پنج دهه است که سازمان بورس در کشورمان شکل گرفته و در مقاطع مختلف این تاریخ، نقش های مهم و قابل توجهی را ایفا کرده است؛ البته بورس هم مانند همه بازارهای رایج موجود، فراز و نشیب هایی را به خود دیده و بسیاری از اعضای خود را دچار این پستی و بلندی ها کرده است؛ اما طی یک سال اخیر، اقبال عمومی به سمت بورس افزایش چشم گیری داشته و بسیاری از کسانی که ممکن بود حتی کلمه بورس به گوش شان آشنا نباشد، در یک سال گذشته در این بازار سرمایه گذاری کرده اند. این موضوع عجیب نیست؛ چرا که هر از چند گاه تپ تند جامعه ایران را مبتلا می کند و از این رهگذر گروهی تا مدت ها با پیامدهای آن دست به گریبان می مانند.

بورس را باید بازاری دانست که همواره به کمک صنایع مختلف می آید و موجب رونق آن صنعت، رونق تولید، ایجاد اشتغال و افزایش صادرات می شود، اما فضای یک شبه پولدار شدن

نیست؛ در واقع، در کنار اینکه می تواند سود خوبی را نصیب مشتریان کند، به وجود آمده است که کمک حال صنعت و اقتصاد باشد. سرمایه گذاری در بازار بورس شبیه سرمایه گذاری در تمام بازارهای دیگر است. زمانی که می خواهید کسب و کاری را راه بیندازید، باید ابتدا مقدماتی را فراهم کنید و با تحقیق متوجه شوید به ازای سرمایه ای که وارد آن کسب و کار می کنید چه مقدار سود نصیبتان می شود؛ به غیر از شما چه کسانی قرار است از آن سرمایه گذاری سود ببرند و به اصطلاح نان چند نفر در گروی این کاری است که شما راه می اندازید؛ آیا اصلاً ممکن است که در این کسب و کار همه سودها را شما جمع کنید و مابقی فقط زیان ببینند؟

بورس هم یک صنعت است که باید در آن به پرسش های این چنینی پاسخ گفت. آیا قرار است در بورس فقط عده ای خاص برنده باشند؟ یعنی ما سهمی را خریداری می کنیم و آن را تا بالاترین سطح نگی می داریم و زمانی که متوجه شدیم قرار است سهم ریزش کند، آن را به دیگری واگذار می کنیم؟

بازار بورس، بازاری است که «صبر» در آن حرف اول را می زند، به اضافه اینکه باید همه با هم و در کنار هم سود کنند تا این بازار پایدار بماند و به هدف اصلی آن، یعنی رشد اقتصاد کشور، برسد.

نکته پایانی که باید به آن اشاره کنیم این است که گاهی افراد پس از اینکه پولی را وارد بازار بورس می کنند و سودی چشم گیر از آن به دست می آورند، به این فکر می افتند که همه اموال خود را نقد کنند و به میدان بیاورند و یکی از بخش هایی که به فکر نقد کردن آن می افتند تا در بورس سرمایه گذاری کنند، کسب و کارهای کوچک است.

ممکن است کسی توانسته باشد با سرمایه ای ۵۰ میلیون تومانی، حتی کمتر، کسب و کاری راه بیندازد و به واسطه آن چند نفری را هم مشغول کار کند؛ گاهی صاحبان این کسب و کارهای کوچک که عمدتاً با مشکلاتی هم مواجه هستند، به این فکر می افتند که کارگاه را تعطیل و سرمایه را وارد بورس کنند تا هم سود بیشتری ببرند و هم مشکلات کمتری سر راه شان باشد؛ اما اگر این اتفاق بیفتد، معلوم نیست تکلیف آن چند نفری که از این راه امرار معاش می کردند، چه خواهد شد؛ به اضافه، همین کسب و کارهای کوچک هستند که روزی به شرکت ها و کارخانجات بزرگ تبدیل می شوند و در اقتصاد کشور تأثیر گذار خواهند شد. پس باید این نکته را در نظر داشت که بورس فقط و فقط مخصوص سرمایه گذاری پول هایی است که در حساب های بانکی مانده است و به آنها نیازی نداریم.

خانه و اقتصاد خانواده

و طلبکاری حتی پس از ازدواج نیز ادامه یابد و چشم طمع به اندوخته های مالی والدین همواره باقی بماند.

برخی والدین بر این باورند که آگاهی از وضعیت مالی و دخل و خرج سبب می شود فرزندان با درک شرایط اقتصادی خانواده، نیازها و خواسته های خودشان را با درآمدها هماهنگ کنند و از سطح توقع شان کاسته شود؛ اما حقیقت این است که به تعادل رساندن نیازهای فرزندان باید از راه های اصولی و مناسب دیگر دنبال شود که خالی از آسیب ها و پیامدهای منفی باشد.

از سوی دیگر، اطلاع فرزندان از مسائل مالی خانواده علاوه بر بروز مشکلاتی در ذهن کودکان، ممکن است سبب شود در دنیای کودکانه خود میزان حقوق پدر و مادر و سایر مسائل معیشتی و اقتصادی خانواده را برای دوستان شان بازگو و آسیب های دیگری را ایجاد کنند

بنابراین لازم است همسران با دقت و هوشمندی، در کنار یکدیگر مسائل مالی خانواده را مدیریت کنند و ضمن خودداری از بیان دقیق میزان درآمدها، پس اندازها و حساب های بانکی به فرزندان، گفت و گوهای مالی را به پشت درهای بسته ببرند و این امور را به عنوان مسائل خصوصی پدر و مادر در ذهن فرزندان تثبیت کنند.

محبوبه ابراهیمی

فعال اجتماعی

گاهی والدین برای ایجاد صمیمیت و نزدیکی بیشتر در خانواده، تلاش می کنند فرزندان را در اتفاقات، مشکلات و تصمیم ها شرکت دهند و از آنها مشورت بگیرند یا آنها را در جریان امور و مسائل مربوط به خانواده قرار دهند؛ گاهی نیز با هدف تربیت مالی فرزندان، تمام مسائل مالی و معیشتی خانواده را با آنها در میان می گذارند و آنها را از تمام جزئیات حقوق دریافتی، هزینه های زندگی حتی پس اندازها باخبر می کنند. اما بازگو کردن مسائل اقتصادی و مشکلات خانواده، در اغلب مواقع نه تنها به صلاح فرزندان و والدین نیست، بلکه مسائل و آسیب هایی را برای آنها و در مجموع برای خانواده به همراه خواهد داشت.

یکی از آسیب های جدی در این زمینه، متوقع شدن فرزندان در مقابل والدین است؛ تا جایی که ممکن است آنها را برای نخریدن اسباب بازی های مورد علاقه یا تفریحات مطلوب شان بازخواست کنند. توقع دریافت پول بیشتر از پدر و مادر، داشتن امکانات رفاهی کامل و صرف هزینه های دلخواه از دیگر توقعات و پیامدهای منفی مطلع شدن فرزندان از درآمدها و پس اندازهای والدین است؛ تأسف بارتر اینکه ممکن است این توقع

راه نرفته

همراهانی همیشگی برای فرزندان

این است که توجه او را به خود جلب کنید؛ نه به زور، بلکه به آرامی رویه روی کودک زانو بزنید و بگذارید به سبب حرف های تان به شما توجه کند. ۵- به قولی که به کودک می دهید، پایبند باشید. ۶- حد و مرزی برای روابط تان تا حد امکان کم کنید. ۷- بگذارید مسئولیت کارهایش را به گردن بگیرد؛ در این صورت به او کارهایی که از عهده آن برمی آید، وی را سهیم کنید تا هم اعتماد بنفس و هم مسئولیت پذیری را در او پرورش دهید. ۹- لحن خود را به فرزندان هدیه دهید و با او شوخی و بازی کنید. ۱۰- در سن هشت سالگی مهارت های اجتماعی فرزندان رشد پیدا می کند و آسان به راحتی دوستان بیشتری پیدا می کنند و در کنار آن به فعالیت های خانوادگی علاقه کمتری نشان می دهند؛ این رفتار نیز نیازمند مدیریت و توجه کافی والدین است. ۱۱- ارتباط والدین با کودک، خیابانی دوطرفه است؛ اگر می خواهید فرزندان به شما گوش دهد، باید اول شما به حرف هایش گوش کنید. ۱۲- با حفظ آرامش خود و احترام در رابطه با فرزندان، همیشه چند گزینه در اختیار او بگذارید؛ مثلاً ساعت ۹ حمام می کنی یا ساعت ۹:۱۰- در نهایت صبور باشید تا مسائل را کنترل کنید.

مدیقه سادات شجاعی

مشاور خانواده



پرسش: فرزند هشت ساله ای دارم که در خیلی مسائل، از جمله حمام کردن، انجام تکالیف یا همراهی در مهمانی ها نافرمانی می کند؛ اما با دوستان و هم سن و سالانش بسیار آرام و دوستانه رفتار می کند. دلیل این رفتار را نمی فهمم و می خواهم راه حلی برای همراه کردن او پیدا کنم.

پاسخ: والدین مسئول خانه هستند؛ اما به این معنی نیست که در خانه نظام دیکتاتوری راه بیندازند. باید از اجبارها و قانون های سخت گیرانه و تهدید در خانه دست کشید. فرزند شما در اواسط دوران کودکی اش به سر می برد و والدین در این سن کودک با چالش های جدیدی رویه روستند. برای بهتر شدن شرایط، این توصیه های مهم را به کار ببندید.

۱- کودک تان آینه شماست؛ اگر فرزندان صدایش بلند شد، شما صدای تان را در حد معقول نگه دارید. ۲- در قبال رفتار وی احساسات خود را صادقانه به او نشان دهید. ۳- فرزندان را تشویق کنید؛ مثلاً اگر قبلاً تکالیف خود را به موقع انجام نمی داد و اکنون درست و به موقع انجام می دهد، او را تحسین کنید. ۴- یکی از راه های ارتباطی مثبت با کودک

چراغ

پنج شبه های مسجدی

احمد سلطانی فرمانده پایگاه نبی اکرم (ص) درباره طرحی می گوید که نوجوانان را جذب مسجد می کند

نخبگانی در آن حاکم است. این طلبه فعال می گوید: «در این شیوه آموزشی به جای صحبت کردن و آموزش مستقیم، تربیت و آموزش موضوعات مختلف به صورت غیر مستقیم و عملی آموخته می شود؛ مثل تئاتر، اردو رفتن و موارد مختلف؛ برای نمونه ممکن است یک دعوی ساختگی ایجاد کنیم و رفتار بچه ها را بسنجیم، بدون اینکه خودشان مطلع باشند، بعد نکات تربیتی و احکام را در قالب داستانی به آنها آموزش می دهیم و رفتارها را تحلیل می کنیم؛ به این روش، رشد در عین عمل می گوئیم که بعدها این شیوه به عرفان جهادی تبدیل می شود؛ رشد بچه ها فقط در خواندن و فکر کردن نیست و رشد در وسط صحنه جهاد است. همین بچه ها بین خودشان گروه جهادی دارند و از ابتدای نوروز تا الان نزدیک به چهار سری بسته های ارزاق و کمک های مؤمنانه برای نیازمندان این محله و محله های دیگر برده اند.»

رسیدیم. سلطانی ادامه می دهد: «شیوه این طور بود که برای تمام روزهای هفته برنامه داشته باشیم و روزهای پنجشنبه، مثل تمام هفته که بچه ها از ساعت ۷:۳۰ به مدرسه می روند، همین ساعت به مسجد بیایند و بعد از صحبت و بازی مختصر، خودشان را گروه بندی کنند و همه فعالیت ها، از صبحانه گرفته تا مدیریت کارها و برنامه ها با خودشان باشند. در این روز فقط بچه ها در مسجد هستند و چون همه کارها با آنهاست، از لحاظ فکری و روحی رشد می کنند و مردانه به تجارب مهم زندگی می رسند. بچه ها به سه گروه تقسیم می شوند که برای تابستان قرار است یک گروه چهارم هم به آنها اضافه شود؛ در هر گروه ۲۰ الی ۳۰ دانش آموز از پایه ۶ تا ۱۲ هستند.»

مساجد و پایگاه های بسیج همیشه انسان ساز بوده اند؛ طوری که بسیاری از شهدای جنگ تحمیلی و مدافع حرم از همین مراکز راهی دیار مبارزه با باطل شده اند. پایگاه بسیج نبی اکرم (ص) در یکی از محله های تهران نیز یکی از پایگاه هایی است که با ایده و طرح های نو دانش آموزان محل را جذب کرده است و با روش های تربیتی و آموزش عملی به آنها درس زندگی اسلامی می دهد. «احمد سلطانی» فارغ التحصیل رشته عمران دانشگاه صنعتی شریف، در حال حاضر طلبه حوزه علمیه مشکات و فرمانده پایگاه نبی اکرم (ص) است؛ او درباره طرح پنجشنبه های مسجدی می گوید: «دغدغه دوستان طلبه در حوزه مشکات این بود که چه کار کنیم تا معارف، قرآن و احکامی را که به ما رسیده است، با بیانی خوب و جذاب به بچه ها ارائه دهیم تا آنها را به مسجد جذب دهیم که در مجموعه تربیتی حوزه به یک مدل

نشر

بحران کاغذ

بهاره سحری

خبرنگار

امروز کاغذ بخش جدایی ناپذیر زندگی انسان شده است. این محصول در سال‌های اخیر در کشور ما چنان در پیچ و تاب بازار گرفتار شده که هر روز بیشتر از روز قبل گران می‌شود؛ اما مدتی آرامش به این بازار بازگشته بود تا اینکه بار دیگر در چند هفته گذشته، بازار کاغذ با افزایش قیمتی ۵۰ تا ۷۰ هزار تومانی ملتهب شد و این معنای نخواهد داشت جز کاهش مجدد قدرت خرید ناشران. در چنین شرایطی، به طور حتم بازار کتاب نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و این به معنای گرانی و کم‌پیدا بودن یکی از اساسی‌ترین محصولات فرهنگی تعریف‌شده برای انسان امروز است. به همین بهانه گفت‌وگوی کوتاهی با «بابک عابدینی» رئیس اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ ایران و عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران داشتیم و از او پرسیدیم چرا قیمت کاغذ بار دیگر و به صورت غیرمنطقی افزایش پیدا کرده است.

بابک عابدینی در گفت‌وگو با خبرنگار «صبح صادق» گذشته داستان گرانی کاغذ در کشورمان را چنین مرور کرد: «گرانی کاغذ از دو سال پیش با دخالت دولت و به هم ریختن عرضه و تقاضا شروع شد و با توجه به کاهش عرضه، قیمت کاغذ به گونه‌ای نابه سامان شد که حتی با قیمت دلار نیز هماهنگی نداشت. بعد از رفع و رجوع نسبی وضعیت و آزاد شدن عرضه و تقاضا، عرضه تا حدودی بیشتر و قیمت کاغذ برای مدتی متعادل شد. هم‌اکنون نیز با توجه به اینکه مدتی مرزها به دلیل شیوع ویروس کرونا بسته بودند، عرضه یسا موجودی کاغذ در بازار کاهش یافت و این موجب سیر صعودی نرخ کاغذ شد. افزایش قیمت ارز نیز تأثیر زیادی روی قیمت کالاهای وارداتی چون کاغذ و مقوا گذاشت.»

او بیان کرد: «کاغذ انواع مختلفی دارد و ما در ایران مزیت تولید کاغذ را نداریم؛ زیرا تولید کاغذ جدا از آنکه به پالپ و چوب نیاز دارد، صنعت آب‌بری است و کشور ما منابع زیاد آب شیرین برای تولید کاغذ ندارد؛ اما صنایع تبدیلی کاغذمان قوی است؛ بنابراین باید منبع مان را به گونه‌ای مدیریت کنیم که بتوانیم کالاهای استراتژیکی دیگرمان را وارد کنیم؛ از طرف دیگر اگر چه کشور در شرایط اضطرار است و ما درگیر جنگ اقتصادی هستیم، بانک مرکزی اعلام می‌کند بدون انتقال ارز اجازه واردات کالا را نمی‌دهم؛ این در صورتی است که کالاهایی، از قبیل ماشین‌آلات و مواد اولیه در راه و بنادر داریم که اجازه ورود به کشور را ندارند؛ ما در شرایط اضطرار و تحریم نباید خودمان را تحریم کنیم.»

عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران تصریح کرد: «هم‌اکنون در خصوص ماشین‌آلات خطوط تولید چاپ و بسته‌بندی نیز تصمیم دیگری گرفته شده و گفته می‌شود اجازه ورود ماشین‌آلاتی که بیشتر از ۱۰ سال قبل تولید شده باشند، داده نمی‌شود. این در صورتی است که ما تولید داخلی این ماشین‌آلات را نداریم و در چنین شرایطی باید ارز کافی برای خرید دستگاه چاپ داشته باشیم و این دستگاه بسیار گران است. هم‌اکنون هیچ چاپخانه‌داری نمی‌تواند برای ادامه بقای خود و افزایش توان تولیدش از ۱ تا ۲۰ میلیون یورو برای آوردن یک دستگاه چاپ هزینه کند. این تصمیمات به اقتصاد بخش خصوصی کشور لطمه می‌زند.»

که پیش‌روی طنز در روایت یک برهه مهم تاریخی کشورمان، یعنی تاریخ انقلاب دانسته می‌شود. این تابوشکنی با داستانی بسیار سنجیده جلو آمد و خیلی خوب توانست مخاطبان را نیز با خود همراه کند. داستان خسته‌کننده نبود و کم‌پیش می‌آمد مخاطب با خود بگوید: چقدر داستان را کش می‌دهند. تا بیننده کمی خسته می‌شد، داستان بلافاصله با ایجاد یک گره یا باز شدن گره دیگر مخاطب را سر حال می‌آورد. طنز فیلم سخیف و دم‌دستی نبود؛ همه چیز «زیرخاکی» برای مخاطب جدید بود، حتی نوع روایت از انقلابی که خودش با چشم دیده یا بارها تعریفش را از پدر و مادر، تلویزیون و سریال‌های دیگر شنیده بود؛ اما جنس روایت این داستان بسیار قوی بود. «زیرخاکی» از حیث روایت یک داستان خوب حتی از «پایتخت ۶» و «نون خ ۲» نیز پیشی گرفت؛ در واقع، می‌توان «زیرخاکی» را یکی از موفق‌ترین سریال‌های طنز سال‌های اخیر صداوسیما دانست.

مهندس ایرانی

و در پایان «بچه‌مهندس» که اتفاقی مخاطب هم‌نماند و بسیاری از افرادی که در فصل دوم تماشای این فیلم را رها کرده بودند، بار دیگر بیننده فصل سوم مجموعه شدند. داستان جذاب، آموزنده و جدید بود و با وجود تمام ضعف‌هایش، توانست بعد از «زیرخاکی» توجه مخاطبان را به خود جلب کند. موضوع فرار مغزها و همچنین توجه به علم و علم‌آموزی همان چیزی است که باید برای پیشرفت کشور و رونق تولید کنندگان آثار فرهنگی قرار بگیرد و این قطعاً بهترین و جدی‌ترین قدم در این حوزه، در شب‌های رمضان ۱۳۹۹ بود. «بچه‌مهندس» هم برای کودکان مناسب بود و هم برای بزرگسالان و می‌توانست تشویقی بسیار جدی در جهت علم‌آموزی برای کودکان باشد. هر چند تودرتویی و تصادفی بودن بسیاری اتفاقات، مانند ربط یک ماجرا به ماجرای دیگر گاهی بسیار بدون توجیه بود، اما در کل گره‌های زیاد داستان موجب می‌شد داستان مخاطب را برای باز شدن این گره‌ها به دنبال خود بکشاند. کالکوپرووری و قهرمان‌سازی حلقه مفقوده چندین سال اخیر، چه در حوزه سریال‌سازی و چه در سینما بوده است؛ اما «بچه‌مهندس» توانست جوایز جواد را که اتفاقاً پسری نه از قشر مرفه، بلکه از قشر سختی کشیده جامعه است، به عنوان یک قهرمان معرفی کند و در نشان دادن این قهرمان نیز اغراق نکرد، بلکه خطاهای او را نیز به تصویر کشید و توانست چهره‌ای واقعی از یک جوان سالم و پویای ایرانی ارائه دهد.

هشتگ سرباز

سریال سرباز در اولین روزهای پخش در زمان افطار گاهی انتقادات بسیاری را برانگیخت، نظریاتی که مختص منتقدان نبود، بلکه بسیاری از مخاطبان نیز از همان ابتدا وقتی با ریتم کند فیلم و همچنین شیوه متفاوت روایت‌گویی داستان مواجه شدند، نتوانستند آن‌طور که باید و شاید با سریال ارتباط برقرار کنند؛ اما برخی مخاطبان حوصله کردند و قسمت‌های ابتدایی را دنبال کردند و اتفاقاً، این افراد از کسانی بودند که رفته‌رفته نه تنها جذب سریال شدند، بلکه بیش از دیگر سریال‌ها، به «سرباز» دل‌بسته شدند. در واقع می‌توان گفت «سرباز» مخاطبان صفر و صدی داشت؛ عده‌ای که این سریال را بیش از دیگر سریال‌های رمضان دوست داشتند و عده‌ای که حتی حاضر نبودند برای گذران وقت آن را ببینند. جدیدترین ساخته هادی مقدم‌دوست که متأسفانه زمان پخش آن متناسب با فرم و محتوای متفاوتش نبود نتوانست طیف وسیعی از بینندگان را مشتاق خود کند؛ اما مخاطبان محدودش را نیز راضی نگه داشت. به علاوه این اشکال که سریال رمضان شبکه سوم وارد است که برخی قسمت‌ها آن‌قدر کش داده می‌شود که حتی مخاطب مشتاق را نیز دل‌زده می‌کند؛ مانند همین چند قسمت اخیر که قهر یلسدا و یحیی را روایت کرده است؛ اما با این همه نمی‌توان این مسئله را نادیده گرفت که این سریال، سریالی متفاوت بود، با شیوه‌ای ابتکاری و جدید که چه از لحاظ نویسندگی، به‌ویژه دیالوگ‌هایش، و چه از حیث آموزش‌ها و حرف‌های زیادی که برای گفتن داشت و دارد، می‌توان آن را سریالی بسیار آموزنده و سالم دانست. شخصیت‌پردازی‌های سرباز بسیار درست و به‌جاست و جای هیچ‌گونه نقدی را باقی نمی‌گذارد؛ از یلسدا تا یحیی، حتی دریا و محمدظاهر دقیقاً همان جایی قرار دارند که باید باشند. به عبارت دیگر می‌توان «سرباز» را گامی برای تغییر ذائقه مخاطب دانست؛ مخاطبی که به سریال‌های پرهیاهو با داستان‌های ضعیف و شخصیت‌پردازی‌های ناقص عادت کرده است و حالا سرباز ۵۰ قسمتی آمده است تا کمی از این هیاهوها بکاهد.

زیرخاکی شاد

اما سریال شبکه اول سینما، «زیرخاکی» که تلویزیون در ایام رمضان آن را رو کرد؛ هر چند این رو کردن فقط به علت وضعیت اضطراری کرونا و تغییر در کنساکتور برنامه‌های تلویزیونی بود، اما «زیرخاکی» نیز یک گام بسیار موفق در سریال‌سازی بود؛ سریالی



نسیم اسدپور

دبیر گروه فرهنگ



برداشت

بازی در ساخت صهیونیستی!

پدیده‌ای که فرهنگ کودکان را تهدید می‌کند

حامد کرمانی زاده

خبرنگار

دنیای کودکان و نوجوانان امروز با دنیای کودکان دو یا سه دهه پیش و قبل از آن، حساسی فرق کرده است؛ نه از آن بازی‌های کودکان دهه شصتی‌ها خبری هست و نه حال و هوای بچه‌های امروزی خیلی شبیه نسل آن روزهاست؛ اما تا دل‌تان بخواهد ابزارهای نوین سرگرمی در دسترس نسل امروز قرار دارد که گاهی حتی انتخاب را برای‌شان سخت و پیچیده می‌کند؛ از بازی‌های رایانه‌ای گرفته تا انیمیشن‌های رنگارنگ داخلی و خارجی و اسباب‌بازی‌های جذاب و البته پر معنا و

مفهوم، همه و همه دنیای سرگرمی و بازی کودکان و نوجوانان امروز را شکل داده‌اند. در میان همه این ابزارهای نوین سرگرمی، بازی‌های رایانه‌ای به‌تهدیه داستان مفصلی دارند. بازی‌های رایانه‌ای یک یا حداکثر دوده پیش، به چند قلم بازی مهیج آن روزها، مثل آتاری، سبگا و... محدود بود که هم سرگرمی بود و هم رقابتی محدود و سالم میان نوجوانان یک یا چند خانواده؛ اما امروز شرایط کاملاً فرق کرده و سرعت تولید و عرضه انواع مختلف بازی‌های رایانه‌ای در دنیا، فراتر از حد تصور رفته و جالب است که طراحان این بازی‌ها برای ایجاد جذابیت ظاهری برای مخاطبان، گوی سبقت را از همدیگر می‌ربایند؛ اما نکته مهم در

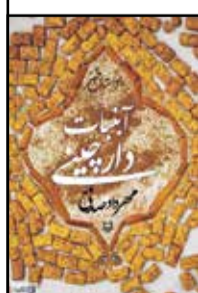
میان انواع این بازی‌ها، پیام تربیتی و اجتماعی خاصی است که لابه‌لای مراحل مختلف بازی به کودک و نوجوان ما انتقال می‌دهند. بی‌شک، بازی‌های به‌ظاهر سرگرم‌کننده‌ای که عادات رفتاری و فکری خاص، از خشونت گرفته تا ابتذال و بی‌بندوباری اخلاقی را به زیرکانه‌ترین شکل ممکن به کودکان و نوجوانان امروزی آموزش می‌دهند، پدیده‌ای نوین برای تغییر در «سبک زندگی» امروز و فردای جامعه ایرانی هستند؛ حالا این وسط هر چقدر هم عده‌های بخواهند بر طبل اباحی‌گری و خوش‌خیالی بکوبند، از حقیقت ماجرا چیزی کم نمی‌کند. سال ۱۳۹۱ «مسعود مینایی» مدیرعامل وقت

بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها، هشدار داد عمده‌بازار بازی‌های رایانه‌ای در دست صهیونیست‌ها و فراماسون‌هاست. حالا هشت سال از آن هشدار گذشته و جای بررسی دارد که اولاً، مدیران و برنامه‌ریزان فرهنگی و هنری کشور چقدر به دفع خطر تهاجمی دشمن در این عرصه اهتمام داشته‌اند و مسئولانه کار کرده‌اند و ثانیاً، چقدر عرصه طراحی بازی‌های رایانه‌ای بومی و جذاب برای استعداد‌های جوان، خلاق و متعهد فراهم شده است. پاسخ این پرسش‌ها هر چه باشد، قطعاً می‌تواند سرآغاز یک دوره تحول برای پاسخ به نیاز نسل امروز در دنیای بازی‌های رایانه‌ای باشد.

نسخه صوتی

آب‌نبات دارچینی

ماجراهای محسن با صدای مظلومی



نسخه صوتی کتاب «آب‌نبات دارچینی» نوشته مهرداد صدیقی، به‌تازگی با صدای میرطاهر مظلومی از سوی انتشارات سوره مهر منتشر و در دسترس علاقه‌مندان به ادبیات طنز قرار گرفت. این اثر داستان جوانی به نام محسن را روایت می‌کند که با ماجراهای پیش‌بینی نشده‌ای مواجه می‌شود؛ این ماجراها ناخواسته هم در زندگی خود او و هم در زندگی اطرافیانش تأثیرگذار است. ماجرای «آب‌نبات دارچینی» که جلد بعدی کتاب «آب‌نبات هل‌دار» است، بین سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ می‌گذرد.

کتاب

آن مرد با باران می‌آید

چاپ نوزدهم اثر وجیهه سامانی



با استقبال نوجوانان «آن مرد با باران می‌آید» از سوی انتشارات کتابستان معرفت به چاپ نوزدهم رسید. این کتاب روایت داستانی زندگی خانواده‌ای از طبقه متوسط در دوران انقلاب است و وقایع آن حول یک گروه نوجوان که در رأس آنها شخصیتی به نام «بهباد» است، اتفاق می‌افتد. «وجیهه سامانی» در «آن مرد با باران می‌آید» داستان به‌زاد را روایت می‌کند که ناگهان در مسیر انقلاب قرار گرفته است.... این رمان در دهه فجر سال گذشته، تأیید و تقریظ رهبر معظم انقلاب را به دست آورد.

تلویزیون

بوقلمون

سریال جدید محمدحسین لطیفی



تازمترین تدارک رسانه ملی برای مجموعه‌های تلویزیونی سریال بسا کارگردانی محمدحسین لطیفی است. سریالی که ابتدا قرار بود با نام «پله پله» به نویسندگی حسن وارسته و امیرعباس پیام ساخته شود، اکنون به «بوقلمون» تغییر نام داده است. نگارش این سریال ۳۰ قسمتی در این روزها در مرحله طرح قرار دارد و برای شبکه دو آماده می‌شود. این سریال از مضمون طنز برخوردار است و با پایان مرحله نگارش، وارد پیش‌تولید و انتخاب بازیگران خواهد شد. نعمت چگینی نیز تهیه‌کنندگی «بوقلمون» را به عهده دارد.



آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی: بزرگداشت خاطره ۱۵ خرداد به این معناست که ما حرکت مقدس مردمی که حاضر شدند برای جان رهبرشان در یک روز چند هزار شهید بدهند را تقدیس می‌کنیم، ما هم آماده‌ایم همین راه را ادامه بدهیم.



عبدالله گنجی: نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی از جمله محورهای سخنان ۱۴ خرداد رهبری که باید تبیین کنند، تفاوت سه مقلوه «تجدد، استحاله، تحول» است. راز توفیق امام از نگاه رهبری-که باید از آن الگو بگیرند تا اسیر مدرنیته غربی و روشنفکری نشوند، توجه به تعبیر در عین نواندیشی و روزآمدی است.



سعید جلیلی: نظارت جدی و مؤثر بر عملکرد شرکت‌های دولتی که با بودجه بیش از هزار میلیارد تومان به شکلی غیرمنطقی از دامنه رصد و بررسی مؤثر مجلس کنار گذاشته شده است، می‌تواند از اولویت‌های نخست مجلس یازدهم باشد.



علیرضا زاکانی: کشتی‌های حامل سوخت فورچون، فارسست، فاکسون، تپونیا و کلاول یکی بعد از دیگری در ونز ونلا پهلوی می‌گیرند. این یعنی افول آمریکا و ظهور قدرت فرامنطقه‌ای به نام ایران که امنیت و منافعی را در عمق دنیای غرب مقتدرانه تأمین می‌نماید. ملت ایران امروز، الگوی خودباوری و عزت‌خواهی مظلومین جهان شده است.



سیدعباس صالحی: قطرات خون شهید سلیمانی یادآور خون حیحیایی نبی است که می‌جوشید و نمی‌خشکید. ترامپ و قاتلان او تا پایان عمر نفس خوشی نخواهند داشت. بیهوده دستکش مخملین خونین را پیش نیاورند، انتقام سخت الهی برای‌شان آغاز شده است.



حسن خجسته: حق شهروندی و حقوق بشر تا قبل از امنیتی شدن مسئله در غرب است، موضع ترامپ بیانگر آن است. به نقل از «صبح نو»: او که از حوادث مینیپولیس خشمگین شده، با جانی خواندن معترضان، تهدید به شلیک کرد: من با فرماندار تیمس و آلز صحبت کردم و گفتم ارتش با اوست. هر زمانی که غارت شروع شد، تیراندازی آغاز می‌شود.

نقدی بر یادداشت **سعید حجاریان** با عنوان «سوسیالیسم با چهره انسانی - اسلام با چهره رحمانی»

اسلام‌ستیزی

با نام‌های فریبنده!

این حجم از قلب واقعیت و وارونه‌نمایی مطالب، جز از مغز متفکر اصلاحات بر نمی‌آید. در همین راستا، باز آقای حجاریان مصادیق جالبی را ذکر کرده است و می‌نویسد: «چنانکه می‌بینیم گفتارها و کردارهای ضدین بسیار شدت گرفته است، به‌حدی که انسان از نگارش آنها شرم دارد. سابق بر این جاذبه ماه رمضان به حدی بود که افراد تارک‌الصلاح، روزدهار می‌شدند؛ اما گویا این الگوی دین‌داری هم دستخوش تحول شده است و بسیاری از مردم هر دورا و نهاده‌اند.»

اولاً، این گونه آمار دادن از یک تحلیلگر سیاسی عجیب است و معلوم نیست منبع استقرا ایشان چیست؛ چراکه برخی آمارهایی که با مشاهدات نیز هم‌خوانی دارد، خلاف این را می‌گویند؛ چنانکه گرایش بر زیارت، اعتکاف، عزاداری، پیاده‌روی اربعین و حضور در بسیج و حوزه علمیه و مساجد از سوی جوانان افزایش چشمگیری داشته است و ظاهراً فرنیطیه دوران کرونا بر آقای حجاریان و آمارگیری او اثر داشته و فقط ظرف زمان کرونا را لحاظ کرده که همه جا را خلوت دیده است.

ثانیاً، باز هم ایشان قلب معنا کرده است و زندانه از این مطلب گریخته است که سال‌ها دوستان ایشان در رسانه‌ها و دانشگاه‌ها بر احکام دینی، قرآن و معصومین تاختند و ذهن جوانان را پر از شبهه و انحراف کردند و تا ساهل و تسامح را راه بر لایابالی‌گری باز کردند و اکنون ایشان بدون توجه به این امور، احساس شرم از بیان برخی امور می‌کنند که یاران ایشان با وقاحت آن را ترویج می‌کردند؛ البته این هم تمام ماجرا نیست و یقیناً گرایش‌های غیردینی در بخشی از جامعه علت‌های فراوانی دارد؛ اما یقیناً نقد به اسلام رحمانی در این علت‌ها نیست؛ بلکه به عکس، ترویج بی‌محابای اسلام رحمانی خود یکی از علل این اتفاقات است، نه آنکه پذیرش آن، راه در مان آن باشد. عجیب است که منشأ آرد را به عنوان دارو می‌کنند!

خوب است بین کسانی که دنبال گرین‌کارت و اقامت در کشور دیگری هستند یا از تارک‌الصلاح و تارک‌الاصوم تحقیقی شود تا مشخص شود اینان از نزدیکان فکری آقای حجاریان هستند یا جریانی که آقای حجاریان به آن می‌تازد؟

حجاریان در پایان نوشته خود، چهره واقعی اسلام رحمانی منظورش را عیان می‌کند و بار دیگر به قانون قرآنی قصاص می‌تازد تا نشان دهد مشکل داعیه‌داران اسلام به اصطلاح رحمانی، جمعی خشکه‌مقدس قشری نیستند؛ بلکه ایشان از اساس با قرآن و قوانین اسلام مشکل دارند؛ ایشان نوشته است: «در پایان باید گفت، به‌لحاظ نظری و عملی به پایان منطق «چشم در برابر چشم»، «ما و آنها»، «دشنام در برابر دشنام»... رسیدیم و نباید سنگر ثبات نسبی و همبستگی ملی را بر پایه منطقی ناروشن از کف بدهیم و مردم را در مقابل مردم قرار دهیم و با تقابل گفتمانی، شکاف‌ها را افزایش دهیم.»

منطق چشم در برابر چشم، منطق قرآنی است (سوره مانند آیه ۵۵) و فقط با لحاظ نظری و عملی ناقص آقای حجاریان این منطق از بین رفته است، و گرنه بسیاری از نظریه‌پردازان همچنان با استدلال‌ات عقلی و عرفی به قوانین الهی صحنه می‌گذارند. دیکتاتوری جناب حجاریان نیز اینجا عیان می‌شود که همه باید بی‌چون و چرا گفتمان بی‌در و پیکر اسلام رحمانی ایشان را قبول کنند تا از افزایش شکاف‌ها جلوگیری شود؛ این در حالی است که همواره بیشترین شکاف‌ها و خشونت‌ها در سایه همین تفکر بر کشور تحمیل شده است و چه در داخل دولت بودند چه خارج از آن، آشوب و اغتشاش در پرونده‌شان است!

در مجموع، آنچه اصلاح‌طلبان اسلام رحمانی‌اش می‌نامند، شیر بی‌یال و دم و اشکمی است که تصویری کاریکاتوری از یک کفتار را به نمایش می‌گذارد که در محتوای آن نه اسلام خفته است و نه رحمانیت.

«اسلام به هر مسلمانی حق داده است که وقتی دید شخصی به مقدسات توهین می‌کند، خونس را بریزد و دادگاه هم» (مصباح‌یزدی، پیش‌خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۸/۶/۱۲).

آیت‌الله مصباح در آن سال‌ها، هر هفته سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه بود و مسائل مختلف جامعه اسلامی را به طور مبسوط و مفصل و البته عالمانه و محققانه بیان می‌داشت و همان سال‌ها نیز جریان اصلاحات به جای پاسخ‌گویی علمی به سخنان آیت‌الله مصباح، ترجیح می‌داد لب به توهین بگشاید، حتی کاریکاتور ایشان را بکشد و از استهزا هم ابایی نداشته باشد. اکنون آقای حجاریان بدون توجه به بافت کلام و استدلال‌ات آقای مصباح، یک جمله را بیان می‌کند و از آن نتیجه مطلوب خود را می‌گیرد؛ این در حالی است که این استاد را حمل بر صحت کنیم و این سخنان را واقعاً از آیت‌الله مصباح بدانیم، چه آنکه با جست‌وجو در کتاب نظریه سیاسی اسلام که خروجی همان سخنرانی‌هاست، بیانی شبیه این سخنان هم یافت نمی‌شود!

آقای حجاریان در ادامه باز به سوسیالیسم چنگ زده و نوشته است: «چکسلواکی مبدع یکی از اصلی‌ترین چرخش‌ها بود و به‌شدت به آمریکا وابسته شد و حتی، رادیوی اروپای آزاد در آنجا شکل گرفت. غرض آنکه افراط، چه در گرایش به سوسیالیسم و چه به اسلام، تقریظ را بارور می‌کند.» وی نتیجه گرفته است: «یعنی به‌طور مشخص کسانی که تن به اسلام رحمانی نمی‌دهند و آن را با انواع ابزارها محکوم و منکوب می‌کنند، کشور را به نقطه‌ای می‌رسانند که به یکی از پایگاه‌های مهم «دشمن» در منطقه تبدیل شود، حتی بدتر از دوره پهلوی.»

نگارنده کاملاً با این سخنان آقای حجاریان همراه است و سرگذشت رفقای نزدیک ایشان گواه روشنی بر صحت این مطلب است. کسانی که در اوایل انقلاب تندر بودند و با مردم به سبب پوشش، خشن برخورد می‌کردند، کارشان به جایی رسید که در شبکه‌های انگلیسی و آمریکایی حتی وجود امام زمان (عج) را منکر شدند و احکام دینی را به سخره گرفتند.

دقیقاً افراطی‌های اوایل انقلاب، از سال ۱۳۷۶ در دام تقریظ افتادند و امروز زنان‌شان در خارج کشف حجاب می‌کنند و به جای ازدواج، تن به همبازی می‌دهند و مردان‌شان نیز گرای تحریم به دشمنان می‌دهند و با وزیر خارجه آمریکا و عربستان عکس یادگاری می‌اندازند. کسانی که به‌شدت به آمریکا، یا بهتر است گفته شود دلار آمریکا، وابسته شده‌اند.

اتفاقاً تا اینجا کار کسانی که دم از اسلام رحمانی می‌زدند، خودشان را به جایی رسانده‌اند که در قلب پایگاه دشمن هستند و اگر نبود تفکر انقلابی، کشور را نیز به همان نقطه می‌بردند؛ چنانکه در سال‌هایی مطبوعات کشور را بدل به پایگاه دشمن کردند که با تیزی جریان انقلابی جلوی آنها گرفته شد؛ همچنین در جریان هسته‌ای، کشور را به ورطه خطر ناکی انداختند که باز با حضور جریان انقلابی، قدرت هسته‌ای به ملت بازگشت.

می‌کنند. اتفاقاً همین‌ها امروز با بربریت آمریکایی چهره انسانی داده‌اند و نقاب بر جنایات آمریکا می‌گذارند. به نظر، مشکل اینها خشونت و غضب یا رحمانیت نیست، بلکه مسئله اسلام و انقلاب است؛ چه آنکه اگر این‌گونه نبود، چطور طرح ارتباط با طالبان را در همان سال‌ها مطرح می‌کردند؟ اوج اسلام رحمانی اصلاح‌طلبان را باید در فتنه ۸۸ دید که چطور با رحمانیت کامل در خیابان‌ها ریختند، آشوب به پا کردند و آتش بر فروختند و البته به طور کامل تمجید و حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی را دریافت کردند.

تا آنجا که تاریخ گواهی می‌دهد بهانی، برانداز داخلی و خارجی، جریان نفاق و دولت‌های متخاصم همگی خود را طرفدار اصلاحات می‌دانستند و مشخص نیست آقای حجاریان به طور مصداقی چه کسانی را مخالف خود عنوان می‌کند؟ آقای حجاریان بعد از این ترسیم غلط از نوع اول مخالفان خود، تصویر نادرست دیگری به عنوان نوع دوم مخالفان خود نشان می‌دهد؛ او نوشته است: «از طرف دیگر، عده‌ای خشکه‌مقدس بودند که اسلام رحمانی را نواختند و گفتند این مفهوم بنا دارد اسلام را لیبرالیزه کند و تا جایی پیش رفتند که صراحتاً اعلام کردند، اسلام قتال دارد و شریعت دستور داده است، و قاتلو هم حتی لا تکنون فتنه.»

در این عبارات، آقای حجاریان با تمسک به مغالطه مسموم کردن چاه و همچنین ضمیمه کردن توهین، مخالفان اسلام رحمانی را خشکه‌مقدس و در عبارات جلوتر متشکر نامیده است تا شاید راه را بر انتقاد بر این نظریه ببندد و این‌گونه القا کند که اگر کسی علیه اسلام رحمانی ایشان سخنی گفت، اهل تعقل نیست.

این در حالی است که منتقدان این نظریه، این قرائت من در آوردی از اسلام را نسخه کمرنگ اسلام آمریکایی می‌دانند که به دروغ، شعار رحمانیت و اسلامیت می‌دهد، اما در اصل مبلغ لیبرالیسم و سکولاریسم از نوع آمریکایی است. چنانکه در همین عبارات آقای حجاریان مشخص است، ایشان حتی آیات قرآن را بر نمی‌تابد و استناد به آیات را خشکه‌مقدسی می‌داند. ایشان توضیح نمی‌دهد آیات جهاد و قتال را چطور تفسیر می‌کند تا با اسلام رحمانی تطبیق کند. آیا ایشان هم مانند روشنفکران اصلاح‌طلب قائل است این آیات به کار امروز نمی‌آید و در تعارض احکام و اعلامیه حقوق بشر، باید دومی را مقدم داشت؟ آیا ایشان هم احکام کتبری اسلام را منسوخ می‌داند؟ اگر کسی به قرآن استناد کند و خشونت قانونی مبتنی بر شرع را قبول کند، خشکه‌مقدس نیست، بلکه متعبد به شرع و دین است.

حجاریان در ادامه با یک نقل قول ناقص از آیت‌الله مصباح‌یزدی در صدد برمی‌آید بار دیگر مخالفان نظریه اسلام رحمانی را بنوازد؛ او نوشته است: «فیلسوفان متشکر هم به میدان آمدند و عباراتی این چنین گفتند:



مهدی عامری

روزنامه نگار

سعید حجاریان یادداشتی با عنوان «سوسیالیسم با چهره انسانی - اسلام با چهره رحمانی» نوشته است که اکثر روزنامه‌های اصلاح‌طلب آن را منتشر کرده‌اند. او یادداشتش را با تطبیق اوضاع ایران با کشورهای کمونیستی بلوک شرق آغاز کرده است و آنگاه با مروری خاطره‌گونه، آنچه را در خرداد ۱۳۷۶ اتفاق افتاد و تئوری‌پردازی‌های روشنفکران اصلاح‌طلب پیرامون «اسلام رحمانی» را راه نجات کشور دانسته است؛ او البته در توضیح آنچه در سال‌های اصلاحات بر فضای اندیشه‌ای و رسانه‌های کشور گذشت، بیان کاملی ندارد که این موضوع می‌تواند ناشی از گذر زمان و نسیان یا تجاهل و تحریف باشد. او نوشته است: «قائلان به این قرائت از اسلام اعتقاد داشتند (و دارند) که این دین نه فرمان به قتل می‌دهد و نه قاتل به کشتار جمعی است و می‌گفتند پیامبر اسلام به صفت رحمت للعالمین آمده است و در یک کلام، رحمت خداوند بر غضبش سبقت دارد.»

روشن است آنچه حجاریان مطرح کرده است، قرائتی از اسلام نیست؛ بلکه شکل دادن و ساخت اسلامی جدید است که در آن، نه آنکه رحمت خدا بر غضبش سبقت دارد، بلکه اصولاً خدای این اسلام نو، فاقد غضب و سراسر رحمت است؛ از این رو ابایی نداشته‌اند و ندارند که آیات جهاد را خشونت‌آمیز بدانند و هر گونه حد، تعزیر و قصاصی را غیرانسانی بدانند؛ چنانکه نوشتند و می‌نویسند و می‌گویند دین فرمان به قتل نمی‌دهد.

اگر آقای حجاریان یادش نمی‌آید یا نمی‌خواهد یادش بیاید، در ذهن ما هست که قاتلان این نظریه به قیام کریلا تاختند و آن را نتیجه خشونت امیرالمؤمنین (ع) در «بدر» و «حنین» دانستند و به همین نسبت هیئت‌های مذهبی، روضه‌خوانی و مجالس عزاداری را منشأ خشونت و افسردگی معرفی کردند و می‌کنند؛ زیارت عاشورا را مراسم نامیه خشونت می‌دانستند؛ احکام دینی و فقه را ناکارآمد می‌شمردند و به غدیر و امام زمان و بسیاری از مقدسات دینی و شیعی اهان می‌کردند. دفاع مقدس را تخطئه کردند و آن را برادر کشی نامیدند و شهدای جنگ تحمیلی را با سربازان هیتلر مقایسه کردند؛ دفن شهید در دانشگاه را بر نمی‌تافتند حتی عکس و نام شهدا را به بهانه زیباسازی شهر از معابر پاک می‌کردند و می‌کنند. اسلام رحمانی منظور آقای حجاریان همان اسلامی است که می‌گفت شعار مرگ ندهیم، با دشمنان اسلام و ایران مذاکره کنیم و در قضیه فلسطین کاسه داغ‌تر از آتش نسویم. پس از تعریف اسلام رحمانی، آقای حجاریان در بیانی شوگرف از مخالفان این قرائت از اسلام می‌نویسد: «از یک طرف، مخالفان اسلام بودند که اعتقاد داشتند این دین اساساً با جنگ و خونریزی ایران را فتح کرده و عملکرد جمهوری اسلامی را نیز شاهدهی بر مدعای خود می‌گرفتند و صراحتاً می‌گفتند نمی‌توان بربریت را با پوششی انسانی نادیده گرفت.»

باید برای آقای حجاریان یادآوری شود که در دوران اصلاحات، مخالفان اصلی اسلام و انقلاب، حامی نظریه‌ها و نظریه‌پردازان اسلام رحمانی و تساهل و تسامح بودند. ظاهراً ایشان فراموش کرده‌اند چه جوایز، هدایا و هزینه‌هایی که از سوی کشورها و مؤسسات غربی، به پای سخنرانان و نویسندگان اجاره‌ای اصلاح‌طلب می‌ریختند تا تساهل و تسامح را تبلیغ کنند. حمایت‌هایی که بعداً علنی‌تر شد و امروز آنان که دم از اسلام رحمانی می‌زدند، در آغوش خشن‌ترین و سفاک‌ترین دولت‌های دنیا تنفس می‌کنند و با قلم‌فرسایی و هتاک‌های علیه ملت ایران، از خزانه دشمنان ایران ارتزاق



عمل روحانیت در مقابله با کرونا پیروی از سلوک نبوی بود

حسن ابراهیمی

خبرنگار

بسیج طلاب و روحانیون از آن اقشاری بودند که از ابتدای همه‌گیری ویروس کرونا در کشور، به عنوان نیروهای جهادی وارد عرصه شدند و همانند ماجرای سیل و زلزله در کنار مردم حضور یافتند و خدمات‌های بی‌ظنری را در این عرصه در خطرناک‌ترین خطوط خدماتی و درمانی به مردم ارائه کردند. برای جمع‌بندی مجموعه این خدمات و دریافت آمار آن، خدمت «حجت‌الاسلام غلامرضا شفیق‌زاده» رئیس سازمان بسیج اساتید، طلاب و روحانیون کشور رسیدیم. در ادامه خلاصه‌ای از گفت‌وگوی ما با وی را می‌خوانید.

با توجه به حضور جهادی روحانیون و طلاب بسیجی در ماجرای مقابله با کرونا، می‌خواهیم درباره ابعاد این خدمت‌رسانی بفرمایید.

افتخاری است که خدمات عزیزان روحانی در عرصه مقابله با کرونا و درمان بیماران کرونایی موجب شد رهبر معظم انقلاب دو بار به شکلی از این خدمات و فعالیت‌های طلاب و روحانیون بسیجی و جهادی تقدیر و تشکر کنند؛ یک بار اول سال و یکبار هم در نیمه‌شعبان که این خود افتخاری برای ماست. همانطور که می‌دانید، حضور اثربخش روحانیون و طلاب بسیجی و جهادی در این ماجرا کاملاً مشهود بود و روحانیت جنبه‌ای از رفتار نبوی را از خود نشان داد.

به صورت مصدافی درباره این حضور توضیح می‌فرمایید که در چه بخش‌هایی بوده است؟ البته ما بخشی از این فعالیت‌ها را در بیمارستان بقیه‌الله و در جاهای دیگر در مصاحبه با نماینده ولی فقیه در سپاه پوشش داده‌ایم، اما می‌خواهیم جمع‌بندی را از زبان شما بشنویم.

ما فعالیت‌ها را دسته‌بندی کردیم و در نهایت ۵۸ نوع فعالیت شناسایی شد که در پنج دسته اصلی تقسیم کردیم؛ بعضی از این خدمات واقعاً ۲۴ ساعته و

مجاهدانه بود و مردم روحانیت واقعی را در لباس خدمت دیدند. دسته اول، اقدامات صورت‌گرفته برای بیماران کرونایی بود؛ کمک به بیماران برای اقامه نماز و توصیه به دعا و توسل، اهدای خون از سوی طلاب و روحانیون به بیماران، توزیع بسته‌های بهداشتی و غذایی، تشکیل تیم‌های مشاوره برای خانواده بیماران مبتلا به ویروس و ایجاد روحیه در آنها، تقدیم علما و روحانیون از بیماران بستری‌شده و خانواده آنان و بدرقه در مان‌یافتگان از جمله اقدامات در این دسته بود که هر کدام از این کارها خود توضیح مفصلی دارد. دسته بعدی، اقدامات صورت‌گرفته برای اموات بیماران کرونایی بود؛ با توجه به فتوای رهبر معظم انقلاب، پیگیری‌های مستمر به منظور اجرایی شدن فتوای ایشان برای غسل، کفن، دفن و نماز میت که در اوایل توجه نمی‌شد، صورت گرفت که بحمدالله هم‌اکنون در همه‌جا انجام می‌شود. حضور طلاب در آرامستان‌ها برای مراسم تغسیل، کفن، دفن و نماز میت و توصیه به خواندن قرآن، ادعیه و نماز شب اول قبر برای اموات از دیگر اقدامات این حوزه بوده است. دسته بعدی اقدامات برای خانواده‌های متوفیان بر اثر ابتلا به ویروس کروناس؛ در این حوزه سرکشی به خانواده متوفیان و ارتباط تلفنی و پیامکی، توزیع بسته معیشتی و مواد ضدعفونی‌کننده برای خانواده‌های نیازمند و تهیه و توزیع غذا برای خانواده‌های داغ‌دار را داشته‌ایم که آمار دقیق آن به دست آمده است.



عکس: حامد گودرزی

در دسته اقدامات به منظور درمان و جلوگیری از انتشار ویروس هم غربالگری خانواده‌ها، ضدعفونی کردن معابر و مکان‌های عمومی، ارسال پیامک‌های بهداشتی به روحانیون و تشکیل قرارگاه‌های جهادی برای هماهنگی گروه‌های جهادی را داشته‌ایم. در دسته اقدامات بعدی، اطلاع‌رسانی و ایجاد روحیه، امیدبخشی و یاری‌رسانی به مردم و کادر درمانی را داشتیم که در این حوزه، مستقر شدن طلاب و

روحانیون بسیجی در بیمارستان‌ها به منظور تقویت روحیه کادر پزشکی، ترویج روحیه معنوی، دعا و تضرع به درگاه الهی، توزیع بسته‌های حمایتی میان نیازمندان، تبلیغ چهره به چهره با مردم و امیدبخشی با رعایت اصول بهداشتی، تهیه و توزیع بر و شاور با محتوای فضیلت دعا، انتشار احادیث پزشکی در فضای مجازی و تشکیل تیم ویژه ضدعفونی را داشته‌ایم.

یادداشت

شکست هژمونی آمریکا



علیرضا جلالیان
کارشناس دفاعی

نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تحمیل شکست سخت اخیر بر هژمونی ایالات نه چندان متحده آمریکا انکارناپذیر است؛ در واقع، مهم‌ترین نقش در این ماجرا بر عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است و در لایه‌های پایین‌تر، مسئولان دولت و سایر نیروهای مسلح در این امر نقش‌آفرینی کردند. بعد از شهادت بزرگ‌مرد مقاومت بین‌المللی، سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی، منطقی و جهان‌دچار تحولات شگرفی شد. شیوع ویروس کرونا، چه با ریشه انسانی و چه با ریشه طبیعی، بخشی دیگر از تحولات را رقم زد؛ اولین حمله کوبنده علیه پادگان‌های نظامی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم صورت گرفت و حساب کار و حد اعمال قدرت جمهوری اسلامی دست آمریکایی‌ها آمد؛ در تحركات تهدیدآمیزترین آمریکایی‌ها بعد از تکرار چندباره این خطرآفرینی‌ها در خلیج فارس، با اولین نهب شنواری تدریجی سپاه، همه این تهدیدات جدی به یک شوخی تلخ برای آمریکایی‌ها تبدیل شد؛ رزمایش‌های متعدد و مشترک ائتلاف به فرماندهی آمریکا و انگلیس با کشورهای حاشیه خلیج فارس و نیروهای فرامنطقه‌ای بخش دیگری از تهدیدهای نیروهای متخصص بود که این رفتارها نیز عملاً احساس خطری برای جمهوری اسلامی ایجاد نکرد. در طرف دیگر، تحریم‌های نفتی و اقتصادی جمهوری اسلامی که در دهه ۸۰ شکل جدی‌تری به خود گرفت، با تلاش مهندسان سپاه در مجموعه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص) به یک فرصت‌سازندگی متکی به درون تبدیل شد. یکی از محصولات این اتکا به درون، ساخت بزرگ‌ترین پالایشگاه میعانات گازی جهان در بندرعباس بود. ستاره خلیج‌فارس نیز یکی از باکیفیت‌ترین سوخت‌های بنزین، گازوئیل و سوخت جت جهان را در شرایط تحریم در ایران تولید کرد و کشور را صادرکننده این محصولات نمود. از طرفی، تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه غول دلاری جهان، یعنی آمریکا، نه تنها علیه ایران، بلکه علیه کشورهایی همچون ونزولا که مستقل هستند، اعمال شد؛ البته کشوری مثل ونزولا دانش، فناوری و قدرت جمهوری اسلامی ایران را نداشت تا بتواند مانند ایران در این شرایط تحریم تاب‌آوری خود را به بالاترین حد ممکن برساند؛ از این‌رو بر اساس شراکت و رفاقت قدیمی دو کشور در مسئله استکبارستیزی و نیز برخی همکاری‌های پیشینه‌دار، تبادل‌ات اقتصادی دو کشور به صورت خیلی گسترده و جدی با اعزام پنج تانکر شناور بنزین تولیدشده در پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس آغاز شد؛ بنزینی که مازاد تولید در کشور بود و به سبب کاهش مصرف بنزین در ماجرای کرونا، هر روز بر حجم این مازاد تولید افزوده می‌شد. همراه آن با صدور، قطعات پالایشگاه‌ها و نیز خدمات فنی و مهندسی متخصصان نفتی کشور، به‌ویژه در مجموعه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص)، چرخ حرکت بسیاری از صنایع ونزولا به حرکت در می‌آید. اما پیام روشن در هم کوبیدن «عین‌الاسد» و موشک‌های نقطه‌زن سپاه، نه امروز در خلیج‌فارس، بلکه در مسیر از خلیج‌فارس تا دریای کارائیب در اقیانوس‌های جهان شنیده می‌شود. هرگونه تعرض به نفت‌کش‌های ارسالی ایران یعنی کوبیدن عین‌الاسد‌هایی که این بار شاید شدیدتر از قبل باشد و اینجاست که هزینه‌های موشکی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در سپاه به سرمایه‌گذاری برای امنیت تبدیل شده است.

کارآمدی بهداری رزم

رئیس هیئت امنای مؤسسه بهداری رزمی دفاع مقدس و مقاومت گفت: «وظیفه داریم عملکرد بخش‌های مختلف پزشکی و مجموعه بهداری رزم را در دوران دفاع مقدس با تدوین کتاب و آثار متنوع به نسل جوان ارائه دهیم.» سردار سرلشکر پاسدار «سیدیحیی صفوی» درباره هیئت امنای مؤسسه بهداری رزمی دفاع مقدس و مقاومت اظهار داشت: «مهم‌ترین رسالت بهداری رزمی دفاع مقدس و مقاومت، برقراری ارتباط بین بخش‌های کشوری و لشکری و نهادهای مردمی در امور مربوط به بهداشت و درمان است.» وی گفت: «بهداری رزمی از آنجاکه از نیروهای جهادی و متخصص در حوزه پزشکی برخوردار است، تاکنون در مواقع بحرانی توانسته است کارآمدی بالایی داشته باشد.»

تجدید میثاق

به مناسبت بزرگداشت سی‌ویکمین سالگرد ارتحال بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، همایش دوجر خم‌سواری به مسافت حدود ۴۷ کیلومتر از دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) تا حرم حضرت امام خمینی(ره) با حضور جمعی از دانشجویان، مربیان و بسیجیان دانشگاه با هدف تجدید بیعت با آرمان‌های امام راحل برگزار شد. سرهنگ «رستمی» معاون ورزش و آمادگی جسمانی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) با اعلام این خبر اظهار داشت: «این برنامه‌ها با هدف تعمیق فرهنگ دینی و اعتقادی از دانشگاه تا حرم مطهر حضرت امام خمینی(ره) برنامه‌ریزی شد و به صورت نمادین اهمیت ورزش در نیروهای مسلح را مورد تأکید قرار خواهد داد.»

رهبری از جنس امام(ره)

نماینده ولی فقیه در سپاه گفت: «آنچه امروز نظام ولایی را زنده نگه داشته، انتخاب رهبری از جنس امام(ره) بود که دشمنان از ذکاوت ایشان به‌شدت می‌ترسند.» حجت‌الاسلام والمسلمین «عبدالله حاجی‌صادق» نماینده ولی فقیه در سپاه، در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره) در گلستان شهدای اصفهان اظهار داشت: «مطابق با بیانات رهبر معظم انقلاب، بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی ما، جایگزینی ارزش‌های اسلامی به جای ارزش‌های غربی است.» وی افزود: «این انقلاب نه تنها ارزش‌ها را تغییر داد، بلکه زمینه ظهور امام عصر(عج) را نیز فراهم ساخت.» وی تصریح کرد: «این سبب افتخار ماست که امام ما با مرگ طبیعی از دنیا رفت و دست دشمن هرگز به ایشان نرسید.»

روی خط

لطفا در ضمانت‌های وام بانگ انصار تخفیف قائل شوید

به جایی نمی‌رسد. لطفاً در خصوص بیمه‌های تأمین اجتماعی به عنوان سابقه خدمت پیگیری بفرمایید.
۰۹۱۲۰۰۰۳۹۸۳ / کارگزینی سپاه نه تنها مرخصی استحقاقی نیروهای عملیاتی را برای نیروها لحاظ نمی‌کنند، ذخیره هم نمی‌شود؛ اما مرخصی عملیاتی ربطی به استحقاقی ندارد. لطفاً پیگیری کنید.
۰۹۱۲۰۰۰۸۵۹۳ / چرا اساتدا، سوابق بیمه تأمین اجتماعی شرکت‌های پیمان‌کاری بخش خصوصی را در سنوات مثبت پاسداران و بسیجیان نمی‌پذیرد.
۰۹۱۲۰۰۰۷۰۰۱ / با توجه به کاهش نفر در کارت یکسان‌سازی خواهران پاسدار، قرار بر این شد که سهمیه اتکارا از یک به سه افزایش دهند؛ مدتی اجرا شدند، ولی برای عده‌ای از فروردین ۱۳۹۸ دوباره یک‌نفره شده و کسی جوابگو نیست. از کجا پیگیری کنیم؟

پیشنهاد می‌شود علاوه بر اتکا، با فروشگاه رفاه یا کوروش هم قرارداد ببندید و کارت‌های قابل شارژ در اختیار کارکنان بگذارید که ان‌شاءالله در فضای رقابتی خدمات مطلوب‌تری ارائه شود.
۰۹۱۰۰۰۰۱۵۶۹ / با توجه به پیگیری سهام‌داران و درج آن در صبح صادق، ای کاش بنیاد تعاون یا بانک انصار جوابی در خصوص علت عدم واریز سود سهام‌ها برای اقطاع سهام‌داران بدهند؛ البته بانک قوامین سود سهامش را پرداخت کرد.
۰۹۱۱۰۰۰۰۷۳۵ / از درج پیام در صفحه روی خط از شما ممنونم. ما شهرستانی‌ها دست‌مان

مشکل محدودیت تسهیلات بسیجیان کد ۸۹ در بانک انصار را حل کنید.
۰۹۱۰۰۰۰۹۳۰۴ / پیشنهاد می‌کنیم کارکنانی که بالای ۲۵ سال بازنشسته می‌شوند، موقع بازنشستگی از حقوق‌شان کم نشود، بلکه از پاداش‌شان به تعداد سالی که باقی مانده، کسر شود.
۰۹۱۲۰۰۰۰۷۸۲۱ / سردار فرمانده محترم سپاه، لطفاً برای ضمانت وام‌های انصار تخفیفاتی قائل شوید. اکثر پاسداران دیگر نمی‌توانند ضامن همکاران شوند.
۰۹۱۰۰۰۰۰۲۳۰ / ورودی سال ۸۵ هستم، اما هنوز خبری از عضویت مسکن یا وام مسکن برای این دوره نیست.
۰۹۱۰۰۰۰۴۶۵۱ / به منظور ارائه خدمات مطلوب‌تر و ارتقای سطح معیشت کارکنان،



استاد محترم جناب آقای دکتر اسحاق طاهری

از خبر درگذشت همسر گرامیتان متاثر شدیم، ما را در غم خود شریک بدانید، از خداوند متعال برای آن مرحومه غفران الهی و برای جنابعالی و خانواده محترم متان صبر جزیل مسئلت داریم.

کتیبه سبز

فتح پشت فتح

بدون شک ملاقاتی است ما را با خدا
در پیش
چه باک از اینکه می آید به سر صدها بلا
در پیش؟!
کسی را جرئت پیمودن این راه جز ما
نیست
که سرها ریخته از ابتدا تا انتها در پیش
همیشه از خدا رزق شهادت را طلب
کردیم
چه شب‌هایی که تا صبح است دستان
دعا در پیش
به هر تقدیر در خواهیم شد از نیل
طوفانی
که «موسی» باز خواهد کرد راهی با
عصا، در پیش
کسی اینجا به لطف عشق پای از سر
نمی‌داند
بین مانده است سر در پشت و افتاده
است پا در پیش
یقیناً فتح‌هایی پشت هر فتح است بعد
از این
که گفته «پیر» ما داریم خرمشهرها در
پیش

محمدشکری فرد



نکته نظر

تو بمان!

نکته: روزی مجنون دل‌افگار، از روی
سجاده شخصی که در حال عبادت بود،
رد شد. شخص عابد نماز خود را شکست
و با عتاب به مجنون گفت: مردک، در حال
راز و نیاز با خدا بودم، تو چرا این رشته
ارتباط را بریدی؟ مجنون لیخندی زد و
گفت: من عاشق بنده‌ای از بندگان خدا
هستم و تو را ندیدم، تو چگونه عاشق
خدای خالق همه بندگانی و مرادیدی و
ارتباط خود با خدا را گسستی؟
نظر: یک ماه بندگی و عبادت در
مهمانی خدا به اتمام رسید. مواظب
ارتباط و اتصال مان با خدا باشیم و
حال خوب بندگی را تا مهمانی بعدی
در خود حفظ کنیم. نکند ظواهر پرزرق
و برق دنیایی حال خوش بندگی مان را
ناخوش و ارتباط اصلی ما را با خدا
قطع کند. پشت کردم به گناه، پاک شوم
در رمضان همه ترکم بکنند عیب ندارد،
تو بمان

صبحانه

با امید پیش برو...

زیبا زیستن و موفقیت برآورده شدن تمام آرزوها نیست؛ درست گام برداشتن و توکل بر خداست. نعمت
بزرگ خداوند برای تو در زندگی، بی خبری ات از مهلت حیات است تا بدون ترس، معنای شیرین
«امید» را در مسیر خواسته‌هایت دمام تجربه کنی؛ «امید»، ارزان‌ترین داروی هستی که بر هر بیماری
شفافست. آغاز کن زندگی را به لذت «امید» به مهر و قدرت خداوند که بی کران و بی همتاست، آغاز کن
و با «امید» در مسیر آرزوهایت پیش برو...

تلخند

تلاش برای سر پا نگه داشتن ایالاتی که دیگر متحد نیستند!

ترامپ برای خفه کردن صدای مردم آمریکا، دستور استفاده از نیروهای ارتش و گارد ملی را صادر کرده است. / کارتون‌نویست: پیتر بروکز از آمریکا



سردار دل‌ها

اولین نفر



یکی از ویژگی‌های خاص حاج قاسم شجاعت و جسارت
میدانی او بود. در دوران دفاع مقدس در طریق القدس،
فتح المبین، بیت المقدس، والفجر ۸، کربلا ۵ و... همیشه به قلب دشمن
می‌زد و پیش روی می‌کرد؛ تا آخر جنگ و بعد از آن در قرارگاه قدس نیز این
جسارت و شجاعت را ادامه داد. در سوریه، در تمام خطوط عملیاتی
هجومی و دفاعی حاضر شد. در «باشکوری» در حلب، مقابل هجوم
تیرهای مستقیم داعش قرار گرفت. در «سابقیه» در جنوب حلب، ماشین
اورا به رگبار بستند. در «قلعه حلب» در برابر هجوم تیر قناسه دشمن قرار
گرفت. در شمال «حماه»، انتحاری دشمن در نزدیکی حاج قاسم منفجر
شد. موشک نزدیک او منفجر شد. اولین نفری بود که با بالگرد به حلب که
محاصره شده بود، وارد شد و مورد هجوم زنده‌هایی دشمن قرار گرفت.
اولین نفری بود که با هواپیما دوبار شبانه همچنین در روز وارد فرودگاه
حلب شد؛ این در حالی بود که تیر مستقیم توپ ۲۳ گروه تروریستی
النصره کل باند را زیر آتش داشت و موشک‌های ضد هوایی و راکت‌های
دشمن فرودگاه را زیر آتش قرار داده بودند؛ بعد از آن دیگر نیروها را
آوردند، سپس فرودگاه حلب شبانه‌روزی شد. اولین فردی بود که فرودگاه
«تدمر» را با فرودش بازگشایی کرد. اولین نفری بود با بالگرد به
«جبل الغراب»، «سنجری» و «بئر آل طیاریه» رفت که در یک جناح آن
آمریکایی‌ها در جناح دیگرش داعشی‌ها بودند و موجب تقویت روحیه
رزمندگان و فرماندهان میدانی شد.

سردار «محمد رضا فلاح‌زاده» از هم‌راهان شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی
در جنگ با داعش با نام جهادی «ابوبافر»

سلامت

چربی بخورید!

زهرها وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه

چربی‌ها همیشه در نظر افراد
موادی بد قلمداد می‌شوند، اما
جالب است بدانید همه چربی‌ها
مضر نیستند. شما می‌توانید با خوردن چربی سالم به عملکرد طبیعی مغز
و سیستم عصبی، کاهش کلسترول، حمایت از سلامت قلب، محافظت
در برابر بیماری خشکی چشم و کاهش التهاب در بدن خود کمک کنید؛
فقط کافی است چربی‌های سالم را انتخاب کنید.

چربی‌ها به دو گروه اشباع‌شده و اشباع‌نشده تقسیم می‌شوند؛ چربی
اشباع‌شده به نوعی از چربی گفته می‌شود که شامل تری‌گلیسریدهایی
است که فقط حاوی اسیدهای چرب اشباع یا عمدتاً پیوند یگانه هستند؛
گوشت پر چرب، روغن جامد، خامه، کره و... نمونه‌هایی از چربی
اشباع هستند که برای سلامتی بدن ضرر دارند. چربی‌های اشباع‌نشده
به تری‌گلیسریدهایی گفته می‌شود که فقط حاوی اسیدهای چرب با
پیوند چندگانه هستند و نه تنها ضرر ندارند، خیلی هم فایده دارند.
چربی‌های امگا ۳ نوعی اسید چرب غیر اشباع هستند؛ ماهی‌های
چرب مانند سالمون و قزل‌آلا از جمله مواد غذایی حاوی امگا ۳
هستند.

جالب است بدانید اگر فقط دو بار در هفته از غذاهای دریایی
استفاده کنید، امگا ۳ مورد نیاز خود را تأمین کرده‌اید؛ «گردو»
سرشار از امگا ۳ است، «دانه کتان» نیز دیگر ماده غذایی حاوی
امگا ۳ است که می‌توانید از آن در سالاد، سوپ و نان استفاده کنید؛
همچنین «دانه چیا» مملو از مواد مغذی است که علاوه بر امگا ۳،
حاوی پروتئین، فیبر، ویتامین‌ها و مواد معدنی است و می‌توانید آن را
در غلات و سالادهای خود قرار دهید. تخم‌مرغ و آجیل دیگر منابع
این چربی‌های خوب هستند. همچنین بهتر است به جای استفاده از
روغن‌های جامد، از روغن‌های مایع، مانند روغن زیتون و کانولا استفاده
کنیم.

صادقانه

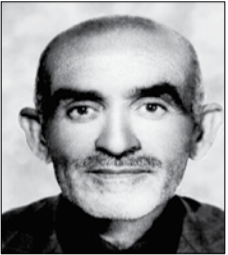
جایگاه عمل خالصانه

رسول خدا (ص) فرمودند: ای علی، مژده باد تو را که اگر عمل تو را به تنهایی در این روز با عمل تمامی
امت محمد بسنجند، عمل تو بر آنها می‌چربد؛ زیرا خانه‌ای از خانه‌های مشرکان نیست، مگر آنکه با
کشته شدن عمرو خواری و زبونی در آن وارد شد و خانه‌ای از مسلمانان نیست، جز آنکه با قتل او عزت
و شوکتی در آن داخل گردید.

(مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۵۳۳)

قبیله عشق

قرآن مونس تنهایی من



به منزل حاج نوروز علی رفته
بودم، دیدم یک قرآن بزرگ روی
طاقچه خانه دارند، گفتم: «شما که سواد
نداری، قرآن به این بزرگی به چه درد شما
می‌خورد؟»

او که مدت زیادی از سال را کشاورزی
می‌کرد و از اهالی روستا بود، جواب داد:
«این قرآن مونس و همدم تنهایی منه.
تمام درد و دل‌های خودم رو به این کتاب
آسمانی می‌گم.»

در روز اعزام، در حالی که باعجله
و مثل شکار در حال فرار بود، به سمت
اتوبوس‌ها می‌رفت. به او گفتم: «حاجی
این همه عجله برای چی؟» خندید و
جواب داد: «دوست‌هام همه رفتند،
ممکنه من جا بومونم.»

به نقل از دوست شهید

«حاج نوروز علی قربانی» در روستای
«گرمنه پشت» از توابع بسطام شاهرود به
دنیا آمد. او کشاورزی زحمت‌کش و فعال
بود. قلدی بلند به بلندی همت یک مرد
داشت و روزی حلال را با کار کشاورزی
سر سفره خانواده می‌گذاشت. حاج
نوروز علی به عنوان بسیجی داوطلب به
اهواز اعزام شد و در ۲۵ دی ماه ۱۳۶۵،
به همراه تعداد زیادی از هم‌سنگران، از
جمله شهید «حاج محمد علی کاظمی» و
شهید «محمد باقر صفری» در حالی که
برای رزمندگان غذا تهیه می‌کردند، حین
بمباران هوایی نیروهای بعثی در منطقه
«هفت تپه» به فیض شهادت نائل آمد.

حسن ختام

او تفسیر انتظار بود

مسیر تو یکتا مسیر عاشقی است. هر که در
این مسیر افتاد صلابت کوه‌ها را به دوش
کشید و آنکه به رکاب تو رسید، سرعت
طوفان گرفت و هر کس که تو را دید، عالمی
را روشن کرد؛ چرا که آقا جان، تویی مرکز
این دایره هستی و پنهان خلقت؛ برای همین
است هر کس که تو را داشت، همه را داشت
و هر که تو را نداشت، تنهای تنها شد.

در روزگاری که صداها در حنجره
می‌خشکید، قلب‌ها یخ می‌کرد و نگاه‌ها
مبهوت از «به کجا رسیدیم»‌ها بود، مردی
به شما دل‌بسته بود که دلش دریا بود و دامنه
اندیشه‌اش به وسعت آسمان‌ها؛ مردی که
آمده بود فریاد مظلوم را بشنود و صدای
ناله کودکان تکیده از فقر را آرام کند؛ آن
مرد آمده بود فریاد بزدل‌راه را گم نکند، راه
از جاده انتظار می‌گذرد و انتظار، نشستن
عاطل و باطل نیست.

مولای من

او تفسیر انتظار بود؛ انتظاری که با عطر
وجود شما آغشته بود و به آهنگ عاشقی
و شهادت مزین. او منتظر بود که صلابت
حسنین (ع)، شجاعت حیدری (ع) و
تکلم فاطمی (س) و زینبی (س) را با خود
داشت. او لطافت شبنم پاک را داشت که
پاکی‌اش به یاد همه گلبرگ‌ها خواهد ماند.
اورهبر کبیر انقلاب ما، امام خمینی (ره)
بود.

اطلاعیه پذیرش دانشجو

کارشناسی ارشد ناپیوسته

مجمع آموزش عالی شهید محلاتی

www.pasdar.org/web/mahalati

بفائز نمایندگی‌های ولی فقیه در سپاه

کسب اطلاعات بیشتر

به منظور تربیت مربیان و هادیان سیاسی متعهد و متخصص مورد نظر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ایجاد زمینه لازم برای ارتقای علمی مربیان، هادیان سیاسی، مدیران و کارشناسان، دانشکده عقیدتی سیاسی شهید محلاتی (ده) اقدام به برگزاری آزمون ورودی تحصیلات تکمیلی (دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته) در رشته‌های تربیت مربی علوم سیاسی، علوم قرآن و حدیث، فلسفه و کلام اسلامی و فقه و حقوق اسلامی کرده است.

زمان نام‌نویسی: تا ۲۱ خرداد ۱۳۹۹ ارسال مدارک به مجمع آموزش عالی شهید محلاتی (ده)

زمان توزیع کارت: ۱۳ تیر ۱۳۹۹ - ۹ تا ۹ صبح در مجمع آموزش عالی شهید محلاتی (ده)

زمان آزمون: ۱۳ تیر ۱۳۹۹ - ۱۰ صبح در مجمع آموزش عالی شهید محلاتی (ده)